

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ماهنامه

هدایت

«نشریه تحلیلی سیاسی»

«ویژه هادیان سیاسی»

معاونت سیاسی

نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

شماره ۱۶۵-۱۶۴، سال ۱۳۹۴

«هدایت»

«ماهنامه تحلیل سیاسی»

صاحب امتیاز: نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

مدیر مسئول: الماس نصر دهنری

سر دبیر: عباسعلی بیگدلی

تایپ و صفحه آرایی: شهلا مهدوی

طرح جلد: عباس رستمی

ویراستار: غلامرضا گودرزی

مخاطبان: هادیان سیاسی بسیج

همکاران این شماره:

۱- دکتر علی مرادزاده ۲- محمد امین مرادی ۳- علیرضا فاطمی نیا

۴- دکتر حسین عبداللهی فر ۵- مهدی احمدی

شمارگان: ۷/۶۰۰

نشانی: تهران - صندوق پستی ۳۶۴ - ۱۷۸۴۵

تلفن و نمابر نشریه: ۳۳۲۳۹۶۷۳-۶

رایانامه هادی (ایمیل): E-mail: ssb۱۱۰@chmail.ir

نشانی ما روی شبکه: www.hadinews.ir

سامانه پیامکی: ۶۶۰۰۰۰۸۰

لیتوگرافی، چاپ، صحافی: مرکز چاپ نمایندگی ولی فقیه در سپاه

خوانندگان ارجمند:

- ✓ ماهنامه هدایت متعلق به هادیان سیاسی است؛ بنابراین بخشی از مقالات نشریه به مطالب ارسالی هادیان سیاسی اختصاص دارد. انتظار می‌رود هادیان، عزیز ما را یاری فرمایند.
- ✓ انتقادات و پیشنهادهای ارسالی هادیان سیاسی، موجب غنای مطالب این نشریه خواهد شد.
- ✓ مقالات و مطالب ارسالی برای نشریه، مسترد نخواهد شد.
- ✓ نشریه هدایت در اصلاح، ویرایش، تلخیص و چاپ مطالب آزاد است.
- ✓ نقل مطالب با ذکر مأخذ، بلامانع است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
------	-------

سفن هدایت

۱.....	* انتخابات عرصه عزتمندی.....
--------	------------------------------

۹.....	کلام نور.....
--------	---------------

بفش سیاسی

۱۳.....	* نقاب «میانه‌روی» بر چهره «فتنه‌گران» تاکتیک انتخاباتی آمریکا.....
---------	---

۱۹.....	* انتخابات فرارو و تاثیر آن بر امنیت و اقتدار جمهوری اسلامی ایران.....
---------	--

۲۶.....	* فتنه‌های آمریکایی در آستانه انتخابات.....
---------	---

۳۸.....	* شایسته‌گزینی با الگوی نهج البلاغه.....
---------	--

۴۸.....	* آشنایی با مجلس خبرگان رهبری با نگاهی به پنجمین انتخابات آن.....
---------	---

۷۸.....	* راهبردهای سه گانه نفوذ در مجلس خبرگان.....
	* جایگاه و نقش دستگاه های نظارتی، اجرایی و نخبگان در تحقق مشارکت حداکثری و
۸۲.....	انتخاب اصلح.....
۱۱۴.....	* لزوم توجه به عناصر ماندگار ساز انقلاب.....

بخش اقتصادی

۱۲۹.....	* دستاوردهای اقتصادی انقلاب اسلامی.....
----------	---

انتخابات مظهر همگرایی و وحدت ملی

در نظام جمهوری اسلامی ایران مشارکت گسترده مردم در تعیین سرنوشت خود و اداره کشور، یک اصل بی‌بدیل در قانون اساسی و نگرشی راهبردی در اندیشه حضرت امام خمینی^(ه) و مقام معظم رهبری و نیز امری تجربه شده در سه دهه گذشته پرافتخار بوده است؛ بنابراین انتخابات و رجوع به آرای مردمی، مکانیسم عملیاتی کردن، حضور آحاد توده‌های میلیونی در مانور ملی و سیاسی سالانه ایرانیان پیش‌بینی شده است.

در شرایط امروز نظام جهانی و گسترش فضای یکجانبه‌گرایی آمریکایی‌ها و دل خوش کردن آنان به «راهبرد فشار از بیرون و بی‌ثبات‌سازی از درون» در برخورد با نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، نگاه تیزبین و حکیمانه رهبری معظم انقلاب اسلامی درنامگذاری سال «دولت و ملت؛ همدلی و هم‌زبانی» که برخاسته از یک راهبرد اساسی در مواجهه با دشمنان

عنود نظام اسلامی است، در همین راستا انتخابات هفتم اسفندماه سمبل برجسته این همدلی و همزبانی محسوب می‌گردد. بررسی و تبیین همدلی و همزبانی و جایگاه انتخابات در آن موضوع بررسی این نوشتار است.

- تعریف همدلی و همزبانی: این مفهوم در کتاب‌های لغت به معنای «یک‌رنگی، یک‌دلی، یک‌جهتی» موافقت و اجتماع است. بر این اساس تبدیل شدن جمع به واحد و کثیر به یکی و تعدد به یگانگی و جهت‌های مختلف به یک جهت و مقاصد مختلف به یک مقصد و راه‌های گوناگون به یک راه، بیان‌کننده معنا و مفهوم همدلی است.

همچنین هرگاه جمعی دارای هدف و آرمانی مشترک باشند و برای رسیدن به آن اهداف و آرمان‌ها، مسیر مشترکی را انتخاب کنند و همه باهم در این مسیر حرکت کنند، گفته می‌شود که آنها همدل و همزبان هستند. بنابراین در همدلی و همزبانی اصل بر یکسانی اندیشه و عدم تنوع نیست، بلکه نبود تفرقه، تنش، نفاق و درگیری و کشمکش است. در این حوزه خاص که حوزه خط قرمز نظام است، هیچ بازیگری حق تعرض و ایجاد شبهه در آن را ندارد. همدلی در برابر تکثر نیست، بلکه همدلی و همزبانی در عین کثرت سلايق و در عین حفظ داربست‌های نظام است.

- چالش‌های فراروی هم دلی و هم زبانی: مهم‌ترین چالش‌ها، موانع و مشکلات فراروی همدلی و همزبانی در چند محور اساسی می‌توان اشاره کرد: دشمنان نظام اسلامی و حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در حاشیه مرزهای کشور با جهانی‌سازی یا پروژه آمریکایی‌سازی (جهانی کردن)؛ ناتوی فرهنگی؛ فشار اقتصادی و وابستگی اقتصاد ملی به نفت به‌عنوان مهم‌ترین درآمد ارزی کشور و نیز ضعف ساختارها و نظام اقتصادی مطلوب؛ رکود اقتصادی، فاصله طبقاتی و رانت‌خواری‌ها؛ فقدان راهبرد فرهنگی و شکاف فرهنگ عمومی؛ ناسیونالیسم افراطی و قابلیت تحریک‌پذیری قومیت‌ها و

اقلیت‌های مذهبی و نیز چالش کارآمدی از مهم‌ترین موانع همدلی است.

- مؤلفه‌ها و ظرفیت‌های دستیابی به هم دلی و هم‌زبانی: مهم‌ترین مؤلفه‌های هم دلی در نظام جمهوری اسلامی ایران شامل عوامل زیر می‌باشد: موقعیت سرزمینی و تاریخی؛ موقعیت زبانی- فرهنگی؛ دین و مکتب اسلام؛ فرهنگ انقلابی و اعتقاد به نظام جمهوری اسلامی؛ قانون اساسی؛ اندیشه و شخصیت رهبری انقلاب؛ سند چشم‌انداز ۲۰ ساله؛ وحدت سرزمینی؛ مردم‌سالاری و مشارکت گسترده مردمی؛ خودآگاهی ملی؛ بسیج منابع و ذخایر مادی و معنوی؛ جوان بودن جمعیت و بسیج اجتماعی؛ دشمن مشترک؛ تاریخ، ارزش‌ها و منافع؛ زبان و نژاد مشترک؛ مشروعیت قانونی و مقبولیت مردمی؛ منافع ملی؛ انتخابات و امثالهم.

- جایگاه انتخابات در هم دلی و هم زبانی: نظام مردم سالار دینی ایران که مشارکت مردم را در اداره کشور با مکانیسم انتخابات تعیین نموده و براساس نگرش راهبردی بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی^(۵) که میزان با رأی مردم دانستند، آرای مردم نقش تعیین کننده در مدیریت کشور، گردش نخبگان و حاکمیت گفتمانی دارد.

براین اساس در سه دهه گذشته به‌طور متوسط هر سال یک انتخابات برگزار شده و سرنوشت کشور توسط اتحاد جامعه ایرانی رقم زده شد. در هفتم اسفند ماه نیز ملت فهیم ایران، انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی و پنجمین دوره خبرگان رهبری را برگزار می‌نماید. تعبیر مقام معظم رهبری از انتخابات به عنوان مهم‌ترین مسأله سال ملت ایران، این برداشت را در ذهن تداعی می‌کند که انتخابات هفتم اسفند مهم‌ترین جلوه و نماد «همگرایی و وحدت» در سال ۹۴ می‌باشد؛ بنابراین در تجلی‌بخشی انتخابات به‌عنوان مظهر برجسته اتحاد ملی، مسئولیت اتحاد جامعه اسلامی و بسیجیان عزیز در چند محور اساسی قابل بررسی است:

الف) برگزاری انتخابات: به نظر می‌رسد مهم‌ترین مانور و رزمایش سیاسی سالانه ملت علاوه بر راهپیمایی سراسری ۲۲ بهمن و روز قدس، برگزاری انتخابات است. اگرچه دشمنان نظام اسلامی همواره درصدد مایوس کردن ملت از حضور در پای صندوق‌های رأی بودند، اما هوشیاری و تکلیف‌گرایی آنان، سالانه بالاترین مشارکت سیاسی را در مقایسه با همه نظام‌های مردم سالار در برگزاری انتخاباتی باشکوه و ده‌ها میلیونی که غالباً بیش از ۶۵٪ رأی‌دهندگان حضور می‌یابند، به رخ همه جهانیان می‌کشند که ثمره آن خوشحالی و امیدواری دوستداران انقلاب در سراسر جهان و بغض ناامیدی دشمنان بوده است.

در کلام مقام معظم رهبری در لزوم برگزاری انتخاباتی باشکوه و فراگیر؛ «انتخابات نمایشگاهی مردمی» از «عزم و رشد ملی»، «دانایی و هوشیاری ملی»، پای‌بندی به مردم‌سالاری دینی است که سه ضرورت اساسی را ایجاب می‌نماید:

۱- حضور مردمی؛

۲- جلوه هنرنمایی ملت ایران؛

۳- انتخاب نماینده اصلح.

با این توصیف در مهندسی رهبری انقلاب رسالت مردم در برگزاری انتخابات در چند کلید واژه قابل دقت نظر است:

- ملت انتخابات را قدر بداند؛

- نمایشگاهی برای نشان دادن عزم ملی و رشد ملت؛

- استقامت ملت ایران؛

- دانایی و هوشیاری؛

- انتخابات از روی عقلانیت با حضور گسترده به‌همراه حضور گرایشهای

مختلف.

نتیجه چنین توجهی به وظایف، نشان‌دهنده «پای‌بندی ملت ایران به نظام مردم‌سالاری دینی»^(۱) از نگاه معظم له خواهد بود.

همچنین در برگزاری انتخابات از منظر رهبر معظم انقلاب، مجریان وظایف مهمی به عهده دارند از جمله:

- کسانی که به عنوان نامزد انتخابات به مردم معرفی می‌شوند معنایش این است که صلاحیت دارند.

- دستگاه‌ها مراقب باشند که امضا بیهوده و خلاف و دروغ نباشد.

- دستگاه‌ها نقش داوری خود را حفظ کنند.

- دستگاه‌ها گرایش به این حزب و آن حزب و این جناح و آن جناح پیدا نکنند.

- قانون را مخلصاً خالصاً رعایت کنند.

نتیجه چنین توجهی از سوی مجریان انتخابات از دید ایشان، «همه چیز درست خواهد بود».

همچنین یکی از مسایل اساسی در برگزاری انتخاباتی سالم، احراز صلاحیت‌های نامزدهاست. در رهنمودهای مقام معظم رهبری به اعضای شورای نگهبان پیرامون احراز صلاحیت‌ها، چند نکته اساسی قابل توجه است:

- احراز صلاحیت‌ها وظیفه شورای نگهبان و وزارت کشور است.

- احراز یقینی و علمی ممکن نیست، ... مراد احراز عرفی ناشی از قرائن و امارات است.

براین اساس سه ملاحظه اساسی در رهنمودهای مقام معظم رهبری قابل جستجو است:

۱- دایره احرازها خیلی تنگ گرفته نشود.

۱- سخنرانی مقام معظم رهبری در جمع مردم یزد مورخ ۸۶/۱۰/۱۲ و دیدار با مردم

۲- واقعاً ببینیم آن مقدار صلاحیتی که برای مجلس در زمینه التزام به قانون اساسی و التزام به دین مبین اسلام و تهیه شرایط وجود دارد، چه اندازه التزامی است.

۳- مسائلی که حاکی از وجود یا فقدان شرایط است در اوضاع و احوال مختلف تفاوت پیدا می‌کند.

همچنین دو نکته مهم در رهنمودهای ایشان به عنوان نتیجه قابل حصول است:

۱- کار (احراز و تشخیص صلاحیت) کار معمولی است کاری که در همه جای دنیا و پیش همه عقلای عالم انجام می‌شود.

۲- روال (احراز صلاحیت) روال عادی است و مردم این روال را قبول دارند و قانون اساسی هم این روال را احراز کرده است.

ب) انتخاب هوشمند و هدفمند: در انتخابات یکی از مسایل اساسی علاوه بر حضور در پای صندوقهای رأی مشارکت در رأی دادن، بحث «به چه کسی رأی دادن» است. همواره در ادبیات و آموزه‌های دینی، «شایستگان، صالحان و چهره‌های اصلح» در بالاترین مناصب و مسئولیت‌های تقنینی و اجرایی نظام باید قرار گیرند. در وصایای حضرت امام^(ره) همواره هشدار به جلوگیری از حضور «نااهلان و نامحرمان» در مصادر انقلاب است. همچنین همواره رهبری معظم انقلاب در هدایت و مهندسی افکار عمومی با بیان شاخص‌های اصلح، مردم را به گزینش نمایندگان برتر سوق دادند.

براین اساس در شاخص‌های نماینده اصلح از نظر مقام معظم رهبری موارد زیر توجه ویژه گردیده است:

- ایمان و تدین؛

- اخلاص و تقوا؛

- اعتقاد به قانون اساسی؛

- آمادگی برای حضور در میادین انقلاب؛
 - ضدیت و مخالفت با فساد به جد و از بن دندان، نه به لفظ؛
 - اعتقاد به شعارها و اهداف نظام؛
 - مردم شناس و دردمندترین نسبت به نیازهای مردم.
- همچنین از دید معظم‌له آنهایی که آمدنشان به مجلس خطاست و به عنوان نااهلان و نامحران و غیرخودی‌ها محسوب می‌شوند، شامل دو طیف‌اند:
- ۱- کسانی که این نظام و قانون اساسی را قبول ندارند.
 - ۲- کسانی که قانون اساسی، ملت و کارها و شعارها و راه و اهدافش را قبول ندارند.

ج) انتخابات و تبلیغات: یکی از مسایل حساس در ایام انتخابات، تبلیغات انتخاباتی نامزدها و نحوه جلب اعتماد و رضایت افکار عمومی است. در نظام غربی، پول و سرمایه و تبلیغاتی رنگارنگ و وعده‌های دورغ، افشای مسایل خصوصی زندگی، اتهام‌زنی و ده‌ها شیوه ناجوانمردانه به عنوان عرف رایج، تبلیغاتی بوده که چون هدف به‌دست‌گیری، حفظ و ازدیاد قدرت است حساسیتی در فرهنگ تبلیغاتی غرب نیست و لذا اخلاق در عرصه قدرت و سیاست یا منزوی است و یا کاملاً مرده است. اما در نظام و حاکمیت جمهوری اسلامی که هدف از دستیابی به قدرت، طعمه و بهره‌گیری از لذایذ دنیوی نبوده، بلکه قدرت و مسئولیت‌امانتی در دست افراد برای اجرای ارزشهای دینی، پیشرفت و تعالی جامعه و خدمتگزاری به مردم می‌باشد. با این نگاه در رهنمودهای مقام معظم رهبری پیرامون تبلیغات انتخاباتی^(۱) چند نکته قابل ملاحظه است:

۱- ضرورت‌ها:

- تبلیغات از راه متهم کردن و تخریب دیگران نباشد؛

۱- سخنرانی در اجتماع مردم یزد، مورخه ۸۶/۱۰/۱۲.

- کوشش برای شناسایی اصلح؛
- مراعات رفتار و اخلاق انتخاباتی.

۲- بایسته‌ها:

- پرهیز از تبلیغات رنگین و متنوع؛
- پرهیز از وعده‌های غیرعملی.

۳- آفت‌ها:

- تهمت‌زدن به یکدیگر؛
- بداخلاقی انتخاباتی؛
- هتک آبرو از طریق شبنامه‌ها، مطبوعات و پایگاه‌های اینترنتی، شبکه‌های اجتماعی چون وایبر، واتساپ، تلگرام و...؛
- بر ملا کردن اسرار خانوادگی یکدیگر.

نتیجه‌گیری:

حضور در پای صندوق‌های رأی و نمایش قدرت ملی نظام جمهوری اسلامی و پشتوانه رضایت و اعتماد عمومی مردم، به همه جهانیان، در آستانه دهه چهارم انقلاب اسلامی، نماد برجسته همگرایی، وحدت و اتحاد ملی است. عملیات سنگین سیاسی هفتم اسفند که در حقیقت لیل‌القدر سیاسی انقلاب ماست، همگرایی فکری جامعه در انتخاب نمایندگان اصلح و احراز صلاحیت آنان توسط نهادهای نظارتی، با منشور ملی ایرانیان (قانون اساسی) و هدایت‌های ولایت امر تحقق می‌یابد. که می‌تواند چالش‌های فراروی انقلاب اسلامی را در عبور از پیچ تاریخی که تأکید مقام معظم رهبری است را با موفقیت عبور نماید.

سنجه‌های انتخابات فرارو در کلام امام آیت‌الله خامنه‌ای «مدظله‌العالی»

ماندگاری در تاریخ

مشارکت سیاسی و حضور گسترده و وسیع و حداکثری مردم از نشانه‌های پویایی و پایایی انقلاب اسلامی است. حضور و مشارکت مردم در عرصه‌های تعیین سرنوشت هم‌حق و هم‌تکلیف مردم و نخبگان می‌باشد. در اندیشه و رفتار سیاسی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نیز اولویت ویژه‌ای دارد به همین منظور برخی شاخص‌ها و سنجه‌ها از منظر معظم‌له به شرح زیر می‌باشد:

۱- تزریق روح، خون تازه و نفسی نو برای

ملت و کشور

ملت با استفاده از حق طبیعی خود، در موعدهای مقرر، به صحنه می‌آید تا تصمیم‌گیری کند چه کسانی از مسئولانی که قبلاً انتخاب کرده، بمانند یا بروند. حضور همگانی مردم در انتخابات ۷ اسفند به‌عنوان خونی تازه، عزت و اقتدار ایران و نظام را بیمه می‌کند

و اهداف دشمن حيله گر غدار را خنثی می کند.^۱

۲- بیعتی تازه با اهداف انقلاب

اصرار بنده بر حضور همه در انتخابات به این دلیل است که مشارکت همگانی، کشور و نظام را عزت می بخشد و بیمه می کند؛ لذا شرکت در این حادثه عظیم، فریضه‌ای برای همه مردم است... امروز وقتی با انقلاب بیعت می کنید و بیعت‌تان را تجدید می کنید، با پیغمبر بیعت کردید. کسی که با امام خمینی بیعت می کند، با پیغمبر بیعت کرده [است]^۲

۳- تجلی دوباره ارتباط مستحکم مردم و نظام

حضور ملت در انتخابات و تجلی دوباره ارتباط مستحکم مردم و نظام، به معنای نصرت جمهوری اسلامی و ناکام ماندن این اهداف دشمن است و این حضور براساس وعده صدق الهی، نصرت و یاری پروردگار را به همراه می آورد.^۳

۴- عمل به وظایف انقلابی

عزت و افتخار و اقتدار میهن و ملت، در گرو عمل به وظایف انقلابی است که شرکت در انتخابات از مهمترین این وظایف به شمار می رود.^۴

۵- با عزم جدی برای حضور در پای صندوق های رای

اگر ملت ایران، خوب، قوی، جازم و عازم وارد میدان بشود و صندوق های

۱ - دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش با فرمانده کل قوا،

۱۳۹۴/۱۱/۱۹

۲ - همان

۳ - همان

۴ - همان

رأی را از رأی خود و عزم خود پر کند، ایران خواهد بالید... در واقع برد و باختی برای ملت وجود ندارد؛ ملت در هر صورت برنده است.^۱

۶- تمکین به قانون

همه به قانون تمکین کنند... یک نهاد قانونی را که یک وظایفی دارد، نباید مورد افترا قرار بدهیم یا مورد اهانت قرار بدهیم... تشویش افکار عمومی کار بسیار غلطی است؛ مردم را به انتخابات بدبین نکنند... به رقیبتان اهانت نکنید، به رقیبتان تهمت نزنید، از رقیبتان غیبت هم نکنید... بعضی از نامزدها، وعده‌هایی به مردم می‌دهند که خودشان هم می‌دانند از دست آنها ساخته نیست؛ شما که نمی‌توانی این وعده را عملی کنی، چرا به مردم وعده می‌دهی؟^۲

۷- اعتبار و آبروی نظام و کشور

حتّی آن کسانی که نظام را قبول ندارند، برای حفظ کشور، برای اعتبار کشور بیایند در انتخابات شرکت کنند. ممکن است کسی بنده را قبول نداشته باشد، عیبی ندارد، اما انتخابات مال رهبری نیست، مال ایران اسلامی و نظام جمهوری اسلامی است. همه باید بیایند در انتخابات شرکت کنند. شرکت در انتخابات آبروی نظام جمهوری اسلامی، اسلام، ملت ایران و کشور است.^۳

۸- اعتماد به لیست متدینین در معرفی کاندیداها

[بنده] نگاه می‌کنم ببینم آن کسانی که این فهرست را معرفی کرده‌اند چه کسانی هستند؛ اگر دیدم اینها آدمهای متدین و مؤمن و انقلابی‌ای

۱ - بیانات رهبر انقلاب در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری انتخابات ۱۳۹۴/۱۰/۳۰

۲ - همان

۳ - همان

هستند، به حرفشان اعتماد می کنم و به [فهرست] آنها رأی می دهم؛ اگر دیدم نه، کسانی که این فهرست را داده اند کسانی هستند که به مسائل انقلاب، دین، استقلال کشور خیلی اهمیتی نمی دهند، دلشان دنبال حرف آمریکا و غیر آمریکا است، به حرفشان اعتماد نمی کنم؛ به نظر من این راه خوبی است. کسی را شما می خواهید برای مجلس خبرگان انتخاب بکنید که در واقع، او رهبر را انتخاب خواهد کرد که کلید حرکت انقلاب در دست او است؛ این خیلی اهمیت دارد، این کار کوچکی نیست؛ لذا باید تحقیق کرد، باید اعتماد پیدا کرد.^۱

نقاب «میانه‌روی» بر چهره «فتنه‌گران» تاکتیک انتخاباتی آمریکا

نگاهی به مواضع آشکار و پنهان آمریکایی‌ها نشان می‌دهد تاکتیک آنها برای انتخابات پیش‌رو حمایت از طیف فتنه‌گر و شکست‌خورده پیشین است؛ البته این بار فتنه‌گران با نقاب و تابلوی میانه‌روی وارد صحنه شده‌اند.

اندیشکده «آمریکن اینترپرایز» در گزارشی به قلم «متیو مک‌کینس» هدف اصلی اوباما رئیس‌جمهور آمریکا از توافق هسته‌ای را اینگونه عنوان کرد: «اوباما امیدوار است که توافق هسته‌ای با ایران به تغییر سیاست‌های تهران و در نهایت تغییر ماهوی جمهوری اسلامی ایران منجر شود».

اندیشکده‌های آمریکایی در گزارش‌های جداگانه با اشاره به اهداف واشنگتن در پس‌ابرجام بر این موضوع تاکید کردند که طرح آمریکا برای نفوذ و بازگشت به ایران، یک طرح ده ساله و چند مرحله‌ای است که در مراحل پایانی می‌بایست به تعامل راهبردی و تعیین نقش برای ایران از سوی آمریکا منتهی گردد. این طرح سه

راهبرد «مهار»، «تغییر رفتار» و «تغییر ساختار» جمهوری اسلامی را در دستور کار دارد. این طرح برای نفوذ و بازگشت به ایران بعد از فتنه آمریکایی ۸۸ و شکست آن، کلید خورد.

رهبر معظم انقلاب در دیدار اخیر با مردم قم فرمودند: «آمریکایی ها در سال ۸۸ به دنبال آن بودند که تجربه موفق خود در چند کشور را به بهانه انتخابات در ایران نیز اجرا کنند و با برجسته سازی اقلیتی که رأی نیاورده بود و با حمایت مالی و سیاسی از آنها نتیجه انتخابات را به هم بزنند، اما کودتای رنگی آنها در ایران با حضور مردم، شکست خورد».

خیانت نابخشودنی فتنه‌گران

در سال ۱۳۸۸، فتنه‌گران به بازی در زمین دشمن و اجرای مرحله به مرحله نقشه آمریکایی- صهیونیستی کودتای مخملی اقدام کردند. این فتنه‌گری با ادعای تقلب و امتناع از پذیرفتن مکانیسم‌های قانونی شروع شد و با آشوب به براندازی ختم شد. براساس شواهد متعدد، هدف اصلی تزلزل اصل حاکمیت و فراتر از آن اصل اسلام بود چنان که آشوبگران تحریک‌شده توسط سران فتنه شعار «انتخابات بهانه است- اصل نظام نشانه است»، «مرگ بر اصل ولایت فقیه»، «استقلال، آزادی، جمهوری ایرانی (با خط کشیدن روی نام اسلام)» و «نه غزه نه لبنان» سر داده و سرانجام هتاک‌های علیه امام حسین علیه السلام را در روز عاشورا مرتکب شدند. جنایات سران فتنه در کنار همکاری با دشمن در تشدید تحریم‌های ضد ایرانی خسارت‌های بزرگی را بر کشورمان تحمیل کرد.

حمایت علنی آمریکا از فتنه‌گران

«هیلاری کلینتون»، وزیر امور خارجه سابق آمریکا در کتاب «انتخاب‌های دشوار» می‌نویسد: «دولت باراک اوباما، رئیس‌جمهوری آمریکا در سال‌های

بعد از اغتشاشات انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۸ در ایران با صرف ده‌ها میلیون دلار به آموزش بیش از ۵۰۰۰ نفر از مخالفان ایران در سراسر دنیا پرداخت.

کلینتون همچنین در مصاحبه با بی‌بی‌سی فارسی - سوم آبان ۹۰ - به صراحت گفت: دولت آمریکا از بیرون ایران هر حمایتی از دستش بر می‌آمد از معترضان کرد، از جمله از سایت تویتر خواست که اعمال تغییرات خود را مدتی به تعویق بیندازد.

«مایکل لدین» چهره شناخته‌شده آمریکایی نیز در سال ۲۰۱۲ در مصاحبه با «بنیاد سرمایه‌گذاری تجاری آمریکا» گفت: سران جنبش سبز در یک نامه هشت صفحه‌ای خطاب به «باراک اوباما» خواهان تداوم کمک و حمایت‌های آمریکا شدند و با تشریح شرایط ایران خواستند آمریکا هر تصمیمی لازم است اتخاذ کند.

رهبر معظم انقلاب در دیدار اخیر ائمه جمعه سراسر کشور با اشاره به حضور پرشکوه ۴۰ میلیونی ملت در انتخابات سال ۸۸ یادآوری کردند: «در آن سال، برخی با حرف‌های منکر و ناپسند، ادعای تقلب را مطرح کردند و خواستار برهم خوردن نتایج آرا شدند. ما با آنها خیلی مماسات کردیم که جزئیات آن طولانی است. گفتیم بیایید هر تعداد صندوق که می‌خواهید بازشماری شود، اما به توصیه‌ها اعتنایی نکردند چون بنا نبود که حرف حق را بپذیرند».

رهبر انقلاب یادآور شدند آن کار و آن ادعا، خسارت‌های زیادی بر ملت و کشور وارد آورد که تاکنون جبران نشده و نمی‌دانیم قرار است کی جبران شود؟

ایشان تصریح کردند مخالفت با اعلام نتایج انتخاباتی پس از اعلام از سوی مراکز قانونی، ضد حق الناس است. به عبارت دیگر «ناقضان حق الناس در سال

۸۸» صلاحیت حضور در انتخابات را به اعتبار سوابق سیاه خود ندارند. رهبر انقلاب در این زمینه نیز تصریح کردند از جمله عرصه‌های رعایت حق‌الناس این است که اگر کسی صلاحیت قانونی نداشت، با اغماض و بی‌دقیقی او را وارد عرصه نکنیم که این بی‌توجهی ضد حق‌الناس است.

تغییر تابلو و حضور با عنوان میانه‌رو

پس از ناکامی فتنه‌گران در سال ۸۸ و پاسخ دندان‌شکن ملت ایران در یوم الله ۹ دی، این جماعت تابلوی خود را تغییر داده و با عنوان میانه‌رو در تلاش برای بازگشت به صحنه هستند.

داستان پوست‌اندازی حزب منحل مشارکت و حضور با نقابی جدید یکی از مصادیق این ترند است. نخستین کنگره حزب موسوم به «اتحاد ملت ایران» با حضور افراد دخیل در فتنه ۸۸ در مردادماه سال جاری برگزار شد. با نگاهی به برخی اعضای حاضر در این نشست کاملاً مشخص می‌شود که حزب فتنه‌گر و منحل مشارکت این بار با نقابی جدید کار خود را برای فتنه‌ای دیگر آغاز کرده است.

پس از پایان مذاکرات هسته‌ای ایران و ۱+۵، نشریه «شنال اینترست» در گزارشی نوشت: «آمریکا با ارائه مقدار مشخصی از همکاری و تضمین امنیت به ایران، نیروهای اصلاح‌طلب را برای تغییر شکل دادن مسیر انقلاب کمک می‌کند و از جو بسیج عمومی علیه تهدیدات آمریکا می‌کاهد. این فرایند به معنای تضعیف نیروهای انقلابی در تهران و ایجاد امید برای تغییرات دلخواه ما در آینده خواهد بود».

ترویج اصلاحات آمریکایی در پسابرجام

«پیترهارل» از پژوهشگران اندیشکده «مرکز امنیت آمریکای جدید» نیز با اشاره به نحوه رویارویی آمریکا با ایران در پسابرجام گفت: «آمریکا باید یک

راهبردی تهاجمی ترویج اصلاحات سیاسی و اجتماعی در ایران را دنبال کند. آمریکا در این موضوع که قبل از انقضای توافق هسته‌ای، شاهد اصلاحات سیاسی در ایران باشد، یک منفعت و علاقه زیادی دارد. آمریکا باید با سرمایه‌گذاری کردن روی توافق هسته‌ای، به ترویج اصلاحات در ایران کمک کند تا تعامل بیشتر مؤسسات غیردولتی آمریکایی و بین‌المللی با نهادهای جامعه مدنی در ایران تسهیل شود. همچنین واشنگتن حمایت از فعالانی در ایران را که به دنبال اصلاحات سیاسی در کشور هستند ادامه دهد».

در همین حال، «باراک اوباما» در گفتگو با رادیو ملی آمریکا گفت: «به نظر من تندروهایی در داخل ایران حضور دارند که فکر می‌کنند مخالفت با ما، تلاش برای نابودی اسرائیل، ایجاد ناامنی در جاهایی مثل سوریه یا یمن یا لبنان کار درستی است. به نظر من در داخل ایران کسان دیگری هم هستند که معتقدند این کار سازنده نیست. اگر ما این توافق هسته‌ای را امضا کنیم، این امکان وجود دارد که موضع این نیروهای میانه‌رو را در داخل ایران تقویت کنیم».

غرب و در رأس آن آمریکا با همراهی پادوهای داخلی در پی آن هستند تا با ایجاد دوقطبی کاذب «میانه‌رو - تندرو» در آستانه انتخابات، فضای کشور را دچار تنش و درگیری کنند.

در این میان دو نکته حائز اهمیت است:

اول اینکه مشکل اصلی آمریکا و نگرانی اصلی غرب جریان مؤمن انقلابی در ایران است. رسانه‌های داخلی که برخی عامدانه و برخی نیز از روی غفلت، در پازل دشمن بازی می‌کنند، با هدف قرار دادن این جریان و زدن انگ افراطی و تندرو در پی از میدان به در کردن این گروه کثیر است.

دوم اینکه نقطه امید دشمن، قدرت گرفتن میانه‌روهای مطیع غرب در ایران است که این گروه شامل برخی از مدعیان اصلاحات - و نه همه

اصلاح طلبان- و برخی از میانه‌روهای فعال و یا حامی فتنه ۸۸- و نه میانه‌روهای واقعی- است.

فتنه، خط قرمز نظام

رهبر معظم انقلاب در تاریخ ۵/ ۱۳۹۳/۶ در دیدار اعضای هیأت دولت فرمودند: «مسأله فتنه و فتنه‌گران از مسائل مهم و از خطوط قرمز است که آقایان وزرا همانگونه که در جلسه رأی اعتماد خود بر فاصله‌گذاری با آن تأکید کردند، همچنان بر آن پایبند باشند».

چندی پیش «سوزان مالونی» و «ری تکیه» از پژوهشگران مرکز «سابان» در یادداشتی تحلیلی تأکید کردند: «سیاست آمریکا در مقابل ایران باید تشدید فشارهای اقتصادی و تحریم مالی آن کشور، تقویت نیروهای غرب‌گرای آن و تأثیرگذاری بر رقابت‌های درونی صاحبان قدرت آن کشور باشد».

بزن‌گاه انتخابات و رسالت شورای نگهبان

حال در بزن‌گاه انتخابات، دشمن در پی آن است تا ضمن حفظ فشار تحریم‌ها به بهانه‌های مختلف، با تقویت نیروهای غرب‌گرا در کشور به دو دستگی و دوقطبی‌سازی‌های کاذب دامن بزند. جاروجنجال درباره وجود جریان‌ی افراطی در کشور و زدن این برچسب به نیروهای انقلابی و در عوض ایجاد پوشش برای فتنه‌گران به وسیله ادعای میانه‌رو بودن در این چارچوب قابل تحلیل و بررسی است. اینجاست که نقش شورای نگهبان در پاسداری از قانون اساسی بیشتر نمایان می‌شود.

انتظار ملت ایران آن است که اعضای محترم شورای نگهبان بدون هیچ اغماضی با فتنه‌گران برخورد کرده و فرصت هرگونه سوءاستفاده را از این جماعت بگیرد.

انتخابات فرارو و تأثیر آن بر امنیت و اقتدار جمهوری اسلامی ایران

چکیده

مشارکت سیاسی به تلاش سازمان‌یافته (۱) شهروندان برای ایفای نقش موثر در فعالیتهای سیاسی- اجتماعی گفته می‌شود و امروزه، انتخابات متداول ترین شیوه مشارکت سیاسی و مهم‌ترین مجرای تحقق حاکمیت مردم است. از طریق سازوکار انتخاباتی، شهروندان فرصت می‌یابند تا به صورت آگاهانه و به طور مستقیم یا غیر مستقیم، در ساخت و استقرار نظام سیاسی، استحکام پایه‌های قدرت، ترکیب و تثبیت ارکان نظام، انتخاب حاکمان، سیاستمداران و گردش نخبگان و یا کمک به تصمیم‌گیری در حل معضلات اساسی کشور از طریق همه پرسی، ایفای نقش نمایند.

مشارکت حداکثری

یکی از مؤلفه‌های مهم در بررسی مشارکت سیاسی در بستر انتخابات، میزان حضور مردم است. کمیت و کیفیت حضور مردم در نظام‌های سیاسی مردم‌سالار متفاوت است. مشروعیت برخی از رژیم‌های سیاسی مردم‌سالار و حاکمان آن، به انتخابات و میزان رأی مردم گره خورده است، با این حال در بسیاری از این حکومت‌های مدعی دموکراسی، حضور حداکثری مردم، اولویت اصلی و مطالبه جدی آنها نیست و میزان مشارکت معمولاً حدود ۵۰ درصد و کمتر بوده است. یکی از نمونه‌های آن، ایالات متحده به عنوان سمبل نظام‌های لیبرال دموکراسی در دنیا است. میزان مشارکت مردم آمریکا در انتخابات کنگره در سال ۲۰۱۰، ۳۷/۸ درصد، سال ۲۰۰۶، ۳۷/۱ درصد، سال

۲۰۰۲، ۳۷ درصد و سال ۱۹۹۸، ۳۶/۴ درصد بود. مردم این کشور در انتخابات ریاست جمهوری نیز به ترتیب؛ ۴۹ درصد در سال ۱۹۹۶، ۵۱/۲۱ درصد در سال ۲۰۰۰، ۵۶/۶۹ درصد در سال ۲۰۰۴، ۵۸/۲۰ درصد در سال ۲۰۰۸ و در نهایت پایین‌تر از ۵۰ درصد در سال ۲۰۱۲ شرکت کردند.(۲)

در حالی که در جمهوری اسلامی ایران که منشأ مشروعیت حکومت، الهی است و مردم در عینیت‌بخشی حکومت و کارآمدی آن نقش اساسی دارند، «حضور حداکثری» همواره سیاست غالب در همه انتخابات در ایران و اولویت اصلی و مورد تاکید در گفتمان امام(ره) و مقام معظم رهبری بود و این مسأله در واقع، یکی از همان وجوه تمایز و امتیازات مردم‌سالاری دینی در ایران نسبت به دموکراسی‌های هدایت‌شده رایج در دنیا است. فلسفه این موضوع نیز به جایگاه مردم در انقلاب و نظام مردم‌سالار دینی و همچنین اعتماد عمیق و باور واقعی معمار کبیر انقلاب به مردم و نقش آنها در ساختار نظام و اداره کشور بوده است. بر اساس همین رویکرد، در همه‌پرسی تغییر رژیم که کمتر از دو ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در دهم و یازدهم فروردین سال ۱۳۵۸ برگزار شد، بالای ۹۸ درصد مردم شرکت کردند و ۹۸/۲ درصد به آن رأی مثبت دادند. میانگین مشارکت مردم در یازده دوره انتخابات ریاست جمهوری، ۶۶/۶۲ درصد بوده است و معدل مشارکت مردم در ۹ دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز ۶۰/۳۷ درصد بوده است. تعقیب این سیاست و اولویت، آثار و برکات زیادی دارد که یکی از آنها، تأثیر مشارکت حداکثری بر امنیت ملی و اقتدار ملی است. اما سؤال اساسی این است که نسبت مشارکت حداکثری در انتخابات و موضوع امنیت و اقتدار ملی چیست و چه تأثیری بر آن دارد؟ برای واکاوی ابعاد این تأثیرگذاری، ابتدا لازم است به مفهوم امنیت و اقتدار ملی اشاره شود.

چیستی مفهوم امنیت و اقتدار ملی و نسبت آن با مشارکت سیاسی

امنیت، به در امان بودن از هرگونه تعرض و احساس آرامش و آسودگی از هر نوع تهدید و ترس تعبیر شده است و از نظر سطح؛ به امنیت فردی، گروهی، ملی و بین‌المللی، از نظر قلمرو؛ به امنیت داخلی و امنیت خارجی، از نظر موضوع؛ به امنیت در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، روانی، اخلاقی، حقوقی، قضایی و محیط‌زیستی اطلاق می‌شود.

در تعریف امنیت ملی نیز بر توانایی یک ملت برای حفظ ارزش‌های حیاتی کشور در مقابل آسیب‌ها و تهدیدها تاکید شده است.

اما مفهوم اقتدار در ادبیات سیاسی، معطوف به «قدرت مشروع» و مترادف با آن تعبیر شده است و اقتدار ملی به مجموع توانایی‌ها، منابع و عناصر مادی و غیر مادی قدرت گفته می‌شود که یک کشور برای تأثیرگذاری بر محیط داخلی و خارجی و ایجاد نتایج مطلوب و مورد نظر در نظام بین‌الملل در اختیار دارد.

انقلاب اسلامی مدلی نو از حکومت مبتنی بر «مردم‌سالاری با هویت دینی» را پایه‌گذاری کرد و در فضای گفتمان‌های مادی‌گرایی غربی و شرقی حاکم بر جهان در قرن بیستم، گفتمانی جدید و البته معارض با وضع موجود را دنبال کرده است که «خدامحوری و معنویت‌گرایی»، «عدالت‌خواهی»، «حفظ کرامت انسانی»، «نفی استبداد» و «مبارزه با سلطه و استکبار و همه مظاهر آن در مناسبات بین‌المللی» از جمله ویژگی‌های بارز آن به شمار می‌رود. از این رو، مانند همه انقلاب‌ها و تحولات بنیادین، همواره در معرض آسیب‌ها و تهدیدها است. حفظ ارزش‌های حیاتی کشور و پیش‌برد آرمان‌ها و اهداف متعالی انقلاب و نظام در عرصه داخلی و خارجی مستلزم اقدام موثر و مواجهه هوشمندانه با هر نوع آسیب و تهدیدی است که یکی از راهبردهای آن «مشارکت سیاسی» مردم با همان ویژگی «حداکثری» است.

تأثیرات مشارکت حداکثری بر امنیت و اقتدار ملی

۱- تولید قدرت ملی

در نظام‌های مردم‌سالار، امور کشور به اتکای آرای عمومی و از راه انتخابات معین می‌شود و در این نظام‌ها، مردم، یکی از پایه‌های اصلی قدرت و اقتدار ملی محسوب می‌شوند. در واقع مشارکت سیاسی بالای مردم در امور کشور و در شکل متداول آن یعنی؛ انتخابات، تولید قدرت ملی می‌کند و توانایی لازم را برای رفع آسیب‌ها و بی‌اثر کردن تهدیدات افزایش می‌دهد و فرآیند پیشرفت و تعالی جامعه را در حوزه‌های مختلف و در ابعاد داخلی و خارجی سرعت و عمق می‌بخشد.

۲- درجه مشروعیت و مقبولیت

دنیای امروز، درجه مشروعیت و مقبولیت یک نظام سیاسی را با تعداد انتخابات و میزان مشارکت مردم مورد سنجش قرار می‌دهند. مشارکت حداکثری مردم در انتخابات و ایفای نقش فعال در ساختار تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، نشان از میزان رضایت‌مندی آنها از نظام و معرف درجه مقبولیت نظام است. هر اندازه حضور مردم در انتخابات پر رنگ‌تر و انتخاب‌های آنها شایسته‌تر باشد، مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی بالاتر می‌رود و قدرت مدیریت آن در محیط داخلی و تأثیرگذاری در نظام بین‌المللی بیشتر می‌شود و امکان خنثی کردن تحریم‌ها و تهدیدهای دشمنان فراهم‌تر می‌گردد. هر نظام سیاسی که از مقبولیت کمتری در داخل برخوردار باشد، بدیهی است که سرگرم مسائل و چالش‌های داخلی شده و از توانایی آن برای تأثیرگذاری در روابط بین‌الملل نیز کاسته می‌شود.

۳- ثبات سیاسی

بین ثبات سیاسی در کشور با امنیت و مشارکت حداکثری رابطه وجود دارد. یکی از راهبردهای دشمنان در آستانه انتخابات در دوره‌های مختلف،

تلاش برای بی‌ثبات‌سازی سیاسی بوده است. دشمن با این راهبرد، امنیت و آرامش جامعه و مخدوش کردن اعتبار و اقتدار نظام در عرصه داخلی و خارجی را هدف گرفته است. این موضوع را می‌توان در اظهارات دشمنان به خصوص مقامات شیطان بزرگ آمریکا و محافل سیاسی و رسانه‌های غرب در آستانه انتخابات بازخوانی نمود. نمونه بارز چنین راهبردی را در حوادث قبل و پس از انتخابات ریاست جمهوری دهم و فتنه سال ۸۸ می‌توان مشاهده کرد. (۳) راهبردی که هم‌اکنون نیز در آستانه برگزاری همزمان انتخابات مجلس دهم و خبرگان، نشانه‌های آن را می‌توان در اظهارنظرهای تأمل‌برانگیز برخی غربی‌ها جستجو کرد.

۴- درجه همبستگی و وحدت ملی

مشارکت حداکثری مردم در انتخابات نمادی از همبستگی ملی اقشار مختلف ملت است. هرچه ضریب همبستگی ملی در یک کشور بالاتر باشد، ظرفیت‌های ملی برای رشد و توسعه و بهره‌وری سوق پیدا کرده، آسیب‌ها و تهدیدها رنگ می‌بازند و مخاطرات امنیت و اقتدار ملی کاهش می‌یابد و یا از بین می‌رود. جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که با تنوع قومی، مذهبی و زبانی روبه‌رو است، اما روحیه ملی و همبستگی اجتماعی، چه در سطح آحاد مردم و چه در سطح نخبگان در انتخابات مختلف با نساب بالا، همواره از موضوعاتی بوده که دوست و دشمن به آن اعتراف داشته است.

۵- تقویت ارکان نظام تصمیم‌گیری و اجرایی

یکی از مؤلفه‌های اثرگذار بر امنیت و اقتدار ملی با همه ابعاد و متغیرهای آن، میزان قدرت ارکان نظام و وجود مسئولانی در رأس امور کشور است که از درجه مقبولیت و حمایت بالایی از طرف مردم برخوردار باشند. مشارکت حداکثری مردم در انتخابات این مزیت را ایجاد می‌کند و زمینه روی کارآمدن دولت و مسئولانی با رأی بالا را بر ارکان نظام تصمیم‌گیری و اجرایی فراهم

می‌کند، قدرت عمل آنها را برای انجام وظایف قانونی بیشتر و تحقق اصول و اهداف نظام و انتظارات ملت را میسر می‌سازد، در عین حال، افزایش سطح آگاهی‌های عمومی و مشارکت سیاسی بالا، از آسیب‌پذیری ارکان نظام در مواجهه با تهدیدات داخلی و خارجی می‌کاهد.

۶- کمرنگ کردن تهدیدها و آثار تحریم‌ها

جمهوری اسلامی ایران در طول سال‌های پس از پیروزی انقلاب همواره با موجی از تهدیدها و تحریم‌های متنوع و پیچیده با هدف به هم زدن نظام محاسباتی مردم و مسئولان و مخدوش کردن امنیت و اقتدار ملی روبه‌رو بوده است. پیام روشن مشارکت حداکثری مردم در انتخابات، بی‌اثر بودن هر نوع تحریم و تهدید است.

۷- کاهش تعارضات خشونت‌آمیز

انتخابات، فرصتی برای پیگیری مطالبات سیاسی از طریق انتخاب نامزدها و برنامه‌های آنها است. در جامعه‌ای که مطالبات سیاسی انباشته شود و به درستی مدیریت و به خوبی هدایت نشود، می‌تواند زمینه‌های بروز ناهنجاری‌های امنیتی و تعارضات خشونت‌آمیز را فراهم کند. یکی از تأثیرات مشارکت حداکثری در انتخابات، مدیریت مطالبات و کاهش تعارضات و ناهنجاری‌های امنیتی است.

۸- تثبیت موقعیت و تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

بی‌تردید موج بیداری اسلامی در منطقه و جهان و فروپاشی برخی نظام‌های دیکتاتوری، محصول گفتمان انقلاب اسلامی و سیاست‌های نظام در تعقیب آرمان‌ها و اصول انقلاب در عرصه داخلی، منطقه‌ای و جهانی بوده است. در سایه همین گفتمان، اکنون جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه دارای عمق راهبرد است و بازیگری مهم در تحولات منطقه و جهان به شمار می‌آید. این دستاورد مهم نتیجه حضور فعال، مؤثر، مستمر و گسترده مردم

در همه صحنه‌های دفاع از انقلاب اسلامی و حمایت از نظام است. مشارکت اندک در انتخابات، اردوگاه دشمن را برای تشدید فشارها و نتیجه‌بخش کردن تهدیدات امیدوار می‌کند. در عین حال، برای جبهه مقاومت و همه ملت‌هایی که با الگوی گفتمان انقلاب اسلامی، در برابر استکبار و زیاده‌خواهی‌های نظام سلطه ایستاده‌اند، نگرانی و تشویش را در پی خواهد داشت.

پی‌نوشت‌ها:

۱- البته در برخی تعاریف، مشارکت سیاسی به هر نوع عمل داوطلبانه یا اجباری، موفق یا ناموفق، سازمان‌یافته یا غیرسازمان‌یافته از سوی شهروندان گفته می‌شود که با هدف دخالت در تصمیمات و اداره کشور و انتخاب رهبران سیاسی صورت می‌گیرد.

۲- روزنامه کیهان، (۱۳۹۲/۳/۱)، شماره ۲۰۴۹۹، صفحه ۸.

۳- برای آگاهی بیشتر رجوع شود به کتاب؛ دایره‌المعارف فتنه ۸۸، جلد پنجم، رفتارشناسی گروه‌های سیاسی، گفتار ششم، رفتارشناسی کشورهای بیگانه، مؤسسه فرهنگی - هنری صبح حضور امید، چاپ اول، تهران ۱۳۹۴.

فتنه‌های آمریکایی در آستانه انتخابات

پس از رحلت بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۸، دشمنان داخلی و خارجی در پیوندی بی‌سابقه، با به راه انداختن جنگ نرمی گسترده با هدف تغییر محیط سیاسی - فرهنگی کشورمان، تلاش کردند با تهی کردن ساختار سیاسی نظام از صفات انقلابی و ارزشی به فروپاشی جمهوری اسلامی ایران دست یابند.

این پروژه با حضور برخی از چهره‌های بارز ضد انقلاب خارجی در درون کشور و همراهی نهضت آزادی و براندازان داخلی از سال ۱۳۶۸ کلید خورد و در سال ۱۳۷۵ به دوران بلوغ خود پای گذارد. مجریان پروژه با ایجاد اختلاف و تشتت در بین نیروهای خودی، جذب عناصر دنیاطلب و کم‌بصیرت و با اشغال اکثر جایگاه‌های رکن چهارم دموکراسی (رسانه‌ها و نهادهای مدنی)، از سال ۱۳۷۵ به سراغ سناریوی طراحی‌شده از سوی ضد انقلاب خارجی و سازمان سیا رفتند تا با بهره‌گیری از انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۷۶، راه را برای اجرای طرح بازسازی‌شده شوروی سابق در ایران هموار سازند.

در آن روز شاید خیلی‌ها باور نمی‌کردند که دشمن در حال طراحی‌ای حساب‌شده است تا بتواند در سال‌های آینده، فتنه‌ای را شکل دهد که هدف آن سقوط جمهوری اسلامی ایران باشد.

دیده‌بان حکیم و رهبر فرزانه انقلاب اسلامی؛ حضرت امام خامنه‌ای در فروردین ۱۳۷۶ پرده را کنار زدند و با هشدار جدی به ملت ایران فرمودند: «دشمن را بشناسید، ادامه صفوف دشمن را در داخل کشور بشناسید، روش‌های دشمنی را بشناسید... ادامه حضور استکبار را بشناسید».

معظمه در ادامه افزودند: «ای بسا کسانی باشند که با طرح شعارهای فریبنده، همان کاری را بکنند که استکبار می‌خواهد، باید شما کاملاً هوشیار باشید»

چه کسی باور می‌کرد که در این طراحی، سناریوی گذر از رئیس‌جمهور اسبق (خاتمی) برای رسیدن به هدف، به نگارش در آید. در یک مقطع عوامل نهضت آزادی برای بهره‌برداری از وجهه سیاسی رئیس‌جمهور اسبق تلاش گسترده‌ای را آغاز کردند و در مرحله تکوین، گام عبور از رئیس‌جمهور اسبق را برداشتند.

گیل لاپیدوس، استاد دانشگاه برکلی و متخصص در امور شوروی سابق، در آن روزها، با بیان جنبه‌های تئوریک تاکتیک گذر از رئیس‌جمهور اسبق به منظور پیش‌برد اصلاحات آمریکایی گفت: «حال برای پیش‌برد اصلاحات در ایران بایستی خاتمی را کنار گذاشت. در داخل نیز احمد زیدآبادی در محل انجمن صنفی روزنامه‌نگاران گفت: «خاتمی باید کنار برود!» وی تصریح کرد: «آقای خاتمی! اگر نمی‌توانید از ما حمایت کنید که ظاهراً هم نمی‌توانید، بهتر است کنار بروید».

احمد زیدآبادی هدف از این سناریو و آخر خط را چنین ترسیم کرد: «اگر اصلاح‌طلبان پیروز شوند، می‌توانند حکومت جدیدی تشکیل دهند».

البته همه همراهان با گیل لاپیدوس و با امثال زیدآبادی، و همه مجریان استحاله از درون و تصمیم‌گیرندگان عبور از خاتمی، در پهنه شفافیت حرکت نمی‌کردند.

نفاق جدید

امام خامنه‌ای در ۱۳۷۷/۷/۲۶ در جمع پاسداران و بسیجیان لشکر سیدالشهدا، با تبیین چهره نفاق جدید فرمودند: «هر کس با دشمن همراهی کند، مورد سوءظن قرار می‌گیرد. هر کس برای دشمن و در جهت او کار

می‌کند، مورد سوءظن است. هر کس از کار او، دشمن استفاده کند، مورد سوءظن است. هر کس برای دشمن استدلال درست کند، مورد سوءظن است».

معظم‌له در همان سخنرانی فرمودند: «چیزی که توانست در صدر اسلام، کوشش مجاهدین و مومنین را در نهایت معطل بگذارد، نیروها و لشکریان قدره‌کش نبودند، بلکه حيله و مکر و خدعه‌های دشمنان نقابدار منافق بود». دشمن سال‌ها برای شکل‌دهی به نفاق جدید کار کرده بود و شاید به این باور رسیده بود که عصر عبور از رئیس‌جمهور اسبق فرا رسیده است تا منافقان جدیدی که در لباس حمایت از رئیس‌جمهور اسبق در بدنه دولت نفوذ کرده‌اند، راه حاکمیت جدیدی را باز کنند.

نتانیاهو - نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی - با همین امید و با آگاهی به سناریوی نوشته‌شده غربی‌ها و ضد انقلاب خارجی می‌گوید: «باید در ایران کاری کرد که همان اتفاقی که در روسیه (شوروی سابق) صورت گرفت، پیش آید و آن هم انفجار از درون است».

فتنه ۱۸ تیر

بیان نتانیاهو در فروردین ۱۳۷۸، آن هم قبل از فتنه ۱۸ تیمار همان سال، نشان از شروع حرکتی جدید در آستانه انتخابات مجلس در سال ۷۸ دارد که بناست با فتنه کوی دانشگاه وارد مرحله‌ای بشوند که نتیجه دلخواه آمریکا و حامیانش از فتنه و انتخابات به دست آید.

اولین فاز پروژه عبور از خاتمی با آشوب سازماندهی‌شده کوی دانشگاه کلید می‌خورد و با ایجاد بی‌تعادلی روانی در جامعه و جابه‌جایی افکار عمومی، روند تکوین اعتراض و آشوب سیاسی و اجتماعی را به جلو پرتاب می‌کند. فاز دوم این پروژه، پس از ترور سعید حجاریان و انتخابات مجلس ششم

به وقوع می‌پیوندد. زمینه را برای گام بعدی آماده می‌بینند و در کنفرانس برلین در سال ۱۳۷۹ بر شیوه اصلاح‌طلبی خاتمی می‌شوند و برای عبور فوری از مجموعه انقلاب و نظام، زمامداری خاتمی را استبدادی می‌شمرند و با اهانت به امام خمینی(ره) به حرکت تعریف‌شده به سمت براندازی نظام، سرعت می‌بخشند.

گرچه انتخابات برای بهره‌گیری دشمن از فرصت، زمینه مناسبی است، اما هدف دشمن، همراهی با هر فرد و افراد تا پایان راه نیست. هر فرد و جریانی می‌تواند زمان مصرف داشته باشد. گاهی نیاز به رئیس‌جمهور اسبق دارند و گاه باید از او عبور کنند. چه بسا در یک مقطع نیز مخالفی را با خود همراه نمایند و او امروز مهره جدیدی در سناریوی پیش رو باشد.

حاکمیت دوگانه

سعید حجاریان از پروژه‌های دیگر در آستانه انتخابات ۱۳۸۰ سخن می‌گوید. سخن از حاکمیت دوگانه و مذاکره با رقبا برای رسیدن به وفاقی که شاید در یک وحدت جمعی، سناریو اجرایی گردد.

وی می‌گوید: «از دوم خرداد وارد مرحله جدیدی شدیم، یعنی مرحله حاکمیت دوگانه... در دوران بعد از انقلاب، ما این حاکمیت دوگانه را نداشتیم، روسای دولت در طول حاکمیت رفتار می‌کردند».

حجاریان می‌افزاید: «مشروعیت دوگانه لازم نیست که با جنگ و انقلاب داخلی حل شود. حرف ما در مرحله کنونی همین است. استراتژی ما در ۱۸ خرداد باید ناظر بر این نکته باشد. استراتژی ما این است که کاروان دوم خرداد به جلالت برسد، به مرحله‌ای که رقبا بیایند پای میز مذاکره تا وفاق صورت گیرد.

حجاریان؛ اما با همفکری جریان نفاق جدید به دنبال پروژه دیگری از

طرح براندازی است. طرحی که «کنت تیمرمن» برای سازمان سیا تعریف می‌کند و می‌گوید: «طرح جامع راهبردی درباره ایران تلاش خواهد کرد بین مردم ایران و رژیم فاصله ایجاد کند و طرفداران دموکراسی را تشویق خواهد کرد که متشکل شوند و با ایجاد یک اپوزیسیون مؤثر که قابلیت استفاده از اهرم‌های مبارزه سیاسی را داشته باشد، ایران را دگرگون کنند».

طرح حاکمیت دوگانه در حقیقت شکستن اقتدار حاکمیت ولایت فقیه بود تا طیفی را در مقابل نظام ولایی قرار دهند و با ایجاد یک اپوزیسیون، حاکمیتی یلتسینی را شکل بدهند و آمریکا را به هدف برسانند.

بر کسی پوشیده نیست که طرح حاکمیت دوگانه، طرحی آمریکایی برای براندازی نرم جمهوری اسلامی ایران است. استکبار جهانی با انواع و اقسام طرح‌ها و بهره‌گیری از تجربه‌های خود در جهان و ایران، در هر انتخاباتی تلاش کرده تا راهی برای به بن‌بست کشاندن نظام الهی و ولایی ایران بیابد. گرچه با مدیریت هوشمندانه و رهبریت حکیمانه امام خامنه‌ای، همه طرح‌های دشمن راهی به پهنه پیروزی نیافتند، اما دشمن همچنان در عرصه براندازی به دنبال چاره‌ای برای حل شکست و معضلات خود است.

انقلاب مخملی

اگر بخواهیم طرح‌های دشمن در انتخابات‌های ۸۲ و ۸۴ و ۸۶ و ۸۸ و ۹۰ و ۹۲ را بررسی کنیم، خوارها کاغذ نیاز داریم. در برخی از این طراحی‌ها، دشمن صدماتی را به نظام و افراد زده است. افرادی را با خود همراه نموده و امروز با بهره‌گیری از قدرت آنان به دنبال اجرای بعضی از سناریوهاست. سناریوهای نوشته و نانوشته‌ای که هرگز قدرت براندازی جمهوری اسلامی را نداشته و ندارند.

ما در ادامه تنها به برخی از آن سناریوها اشاره می‌کنیم و می‌گذریم. مقامات کاخ سفید از سال ۱۳۸۶ با طراحی عملیات مخفی سعی نمودند

با بی‌ثبات‌سازی محیط داخلی ایران و با بهره‌گیری از انتخابات سال ۱۳۸۸ طرح بازسازی‌شده انقلاب مخملین گرجستان را در ایران اجرایی نمایند.

سیمور هرش، نویسنده معروف آمریکایی، در تابستان ۱۳۸۷ طی مقاله‌ای در نشریه نیویورکر، راز را برملا کرد و نوشت: «سال گذشته کنگره آمریکا با درخواست بوش برای حمایت مالی از یک عملیات مخفی علیه ایران موافقت کرد.

این عملیات، که به عنوان یک حکم ریاست جمهوری امضا شده است، برای بی‌ثبات‌سازی رهبری ایران طراحی شده است. تلاش برای تضعیف دولت ایران از طریق کار بر روی گروه‌های مخالف و ارائه پول به آنها به منظور تغییر رژیم در ایران از جمله اقدامات تصویب‌شده در دستور بوش است».

ژنرال میرزا اسلم‌بیگ، رئیس پیشین ارتش پاکستان، نیز گفت: «اسناد بی‌چون و چرایی وجود دارد که از دخالت آمریکا در قضایای انتخابات ایران دلالت دارد. این اسناد ثابت می‌کند که سازمان سیا، ۴۰۰ میلیون دلار در داخل ایران به منظور بروز یک انقلاب مخملی پس از برگزاری انتخابات، هزینه کرده است».

پاول رابرتز، معاون وزیر خزانه‌داری دولت ریگان و از چهره‌های سیاسی برجسته آمریکا، در مقاله‌ای در نشریه آمریکایی کانتر پانچ نوشت: «قطعاً چنین احتمالی نیز مطرح است که کاندیدای شکست‌خورده، یعنی میرحسین موسوی و حلقه پشتیبانش به عنوان اجراکننده خواسته‌های آمریکا هماهنگ شده باشند».

امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۸۸/۲/۲۲ در اجتماع مردم استان کردستان فرمودند: «انتخابات یکی از آزمون‌های بزرگ ملت ایران در مقابل چشم دشمنان است؛ به همین جهت روی انتخابات ما حساسند. از حدود یک سال پیش، دستگاه‌های تبلیغاتی دشمنان ملت ایران، با یک شیب ملایمی شروع

کردند علیه این انتخابات حرف زدن و اقدام کردن و مطلب ساختن؛ دستگاه‌های امنیتی‌شان هم مشغول شدند به خبرگیری و گمانه‌زنی و پیشنهاد دادن».

معظم‌له در تاریخ ۱۳۸۸/۲/۲۶ در جمع مردم مریوان فرمودند: «این که یا مسئولان ما، یا در دوره‌های انتخابات مثل وضع کنونی، نامزدهای انتخاباتی ما برای جلب توجه دیگران حرف‌های غریبی‌ها را تکرار کنند، این - هیچ امتیازی محسوب نمی‌شود. امتیاز این نیست که ما آن چیزی را بگوییم که غرب می‌پسندد».

آقای خاتمی با میدان دادن به منافقان جدید، راه عبور از خاتمی را هموار می‌کرد و پس از انتخابات سال ۱۳۸۸، سران فتنه، راه فتنه‌ای را ترسیم کردند که دشمن تصور کرد همه چیز تمام است

امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۸۸/۵/۱۸ فرمودند: «آدم گاهی می‌بیند که متأسفانه بعضی از نخبگان خودشان هم دچار بی‌بصیرتی‌اند؛ نمی‌فهمند؛ اصلاً ملتفت نیستند. یک حرفی یکپو به نفع دشمن می‌پراندند، به نفع جبهه‌ای که همتش نابودی جمهوری اسلامی است».

معظم‌له در تاریخ ۱۳۸۸/۶/۴ در دیدار دانشجویان فرمودند: «این جریان، چه پیش‌قراولانش دانسته باشند، چه ندانسته باشند، یک جریانی بود طراحی شده؛ تصادفی نبود».

مذاکره با آمریکا

از دو سال قبل از انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی در سال ۹۰، برنامه‌ریزی برای بی‌ثبات‌سازی جمهوری اسلامی ایران از سوی آمریکا و غربی‌ها آغاز شد. بنا بود فاز اول این طرح در انتخابات سال ۱۳۹۰ پیاده‌سازی شود.

ام پولاک، مدیر مرکز خاورمیانه‌ای سابان؛ وابسته به اندیشکده بروکینگز،

اذعان می‌دارد: «هدف از اجرای این سیاست، تضعیف یا تحریک رژیم دینی ایران است تا مجبور گردد سیاست‌های معترضانه خود را در خارج از مرزها رها ساخته و با یک ائتلاف ملی جدید با اپوزیسیون در داخل مذاکره کند. در اصل، این سیاست در جست‌وجوی یافتن پاشنه آشیل جمهوری اسلامی است تا آن را وادار سازد برای حفظ اقتدار خود، امتیازات خوشایندی را واگذار نماید. نمی‌توان کاملاً مطمئن بود، اما به نظر می‌رسد که به احتمال زیاد، آیت‌الله خامنه‌ای باید در آینده به مذاکره با آمریکا و یا اپوزیسیون داخلی تن در دهد».

توجه به طرح‌های دشمن

در استمرار سناریوهای دشمنان، مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای، قبل از انتخابات یازدهم ریاست جمهوری و در تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۹ می‌فرمایند: «دشمن متوجه انتخابات ماست. انتخاباتی که در خرداد آینده در پیش داریم از نظر ما مهم است، از نظر دشمن هم مهم است؛ حواسش به آن انتخابات است».

معظم‌له در همان سخنرانی فرمودند: «انسان با هوشیاری و زیرکی، حرکت‌های دشمن را تفرس کند، زیر نظر بگیرد و هدف‌های دشمن را کشف کند؛ این خیلی مهم است. اگر شما در یک مبارزه شخصی، در یک دفاع شخصی که در مقابل یک حریف قرار می‌گیرید، بتوانید حرکت او را پیش‌بینی کنید، هیچ ضربه‌ای نخواهید خورد. اگر حواستان پرت شد، غافل شدید، تمرکز را از دست دادید، به چیز دیگری سرگرم شدید، نتوانستید پیش‌بینی کنید که او چه کار می‌خواهد بکند، حتماً ضربه می‌خورید. دشمن که خوابیده، او بیدار است».

تحریم‌ها و براندازی

با نزدیک شدن به انتخابات خردادماه ۱۳۹۲، غربی‌ها اهداف خود را برای

بی‌ثبات‌سازی محیط داخلی ایران آشکار می‌سازند. در این رابطه «شرمن» در مصاحبه‌ای با بی‌بی‌سی و در تاریخ ۱۳۹۱/۵/۱۴ می‌گوید: «ما مایل به سقوط رژیم ایران به شکل سقوط شاه با حضور میلیونی مردم در خیابان‌های تهران هستیم و این سناریویی است که تحریم‌ها قصد به وجود آوردنش را دارد».

برنارد کوشنر، وزیر خارجه پیشین فرانسه، در مصاحبه با شبکه العربیه و در دی‌ماه ۱۳۹۱ با صراحت بیشتری می‌گوید: «امیدوارم انتخابات ریاست جمهوری سال آینده ایران، زمینه‌ساز سرنگونی نظام ایران شود».

حال باید پرسید در این ماجرا، دشمن به فکر عبور از روحانی است یا به فکر طراحی‌ای جدید برای انتخابات مجلس شورای اسلامی و خبرگان سال ۱۳۹۴ است؛ و یا هر دو؟!

امام خامنه‌ای در دی‌ماه ۱۳۹۱ فرمودند: «همه دنیای استکبار و دولت‌های مستکبر دست روی دست هم گذاشتند، بلکه ملت ایران را تحریم کنند».

معظم‌له هدف از تحریم را خسته کردن ملت ایران و به ستوه آوردن آنان دانستند و فرمودند: «خودشان هم می‌گویند که ما خواستیم ملت را در مقابل نظام جمهوری اسلامی به ایستادگی وادار کنیم».

سرگرمی در میدان هسته‌ای

تجربه ما از آمریکا نشان می‌دهد که امروز نیز دشمن به دنبال طرحی برای انتخابات پیش روست. چه بسا در یک دیپلماسی آشکار به دنبال سرگرم کردن ما به موضوع هسته‌ای است؛ تا با بهره‌گیری از غفلت‌ها، ضربه اساسی خود را در انتخابات به جمهوری اسلامی ایران بزند.

برای دشمن، سران فتنه و حتی روحانی و هاشمی مهم نیستند. هر مهره‌ای در پازل، زمان مصرف مشخصی دارد. هدف بهره‌گیری از قدرت افراد در راستای رسیدن به نتیجه است.

کنت تیمرمن، عضو ارشد سازمان سیا، در سال ۱۳۷۷ گفت: «ما باید درصدد روی کار آوردن یک حکومت دمکراتیک به جای حکومت روحانیت باشیم».

وی برای رسیدن به این هدف، اذعان نمود: «برقراری روابط به معنای ختم انقلاب است، زمانی که ستون مبارزه با آمریکا فرو ریزد، کل انقلاب فرو خواهد ریخت».

تخریب عقاید انقلابی

ادوارد شرلی، مسئول سابق شبکه جاسوسی سیا، نیز گفته بود: «کلید اصلی برای ایجاد یک تغییر بنیادین در سیاست‌های ایران، از بین بردن خصوصیات انقلابی رژیم ایران است، این فقط با تحریم اقتصادی به دست نمی‌آید، بلکه باید نفوذ روحانیون از بین برود و عقاید انقلابی از درون تهی شود».

هاشمی رفسنجانی این چراغ را روشن می‌کند و در تاریخ ۱۳/۵/۱۳۹۴ در اجلاس مدیران و رؤسای آموزش و پرورش می‌گوید: «ادامه این راه (راه تحول و تغییر) سخت است و مردم باید از تحولی که ایجاد کرده‌اند پایداری و حراست کنند. یکی از جاهایی که این تحول بروز کرد و از کارهایی بود که نمی‌گذاشتند انجام شود و هنوز هم برای انجام شدن آن دست و پا می‌زنند، مسأله مذاکره با آمریکا بود و هم‌اکنون تابوی مذاکره با آمریکا شکست!!».

هاشمی قبل از آن نیز گفته بود: «این توافق (هسته‌ای) مرا به یاد فتح خرمشهر و پیروزی پذیرش قطعنامه انداخت».

وی افزوده بود: «بازگشایی سفارت آمریکا در ایران غیرممکن نیست».

سناریوی جدید

گویا سناریوی قبل از انتخابات سال ۱۳۸۸ در حال بازنویسی است.

سناریویی که خاتمی و هاشمی در آن نقش اصلی را ایفا کردند. مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم نیز در نامه‌ای به رئیس‌جمهور نوشتند: «شایسته است دولت تدبیر و امید، به پاس این موفقیت و با بهره‌گیری از فرصت، برای تحقق دیگر وعده‌های خود بکوشد. انتظار عمومی این است که دولت افزون بر تلاش برای حل و کاهش مشکلات اقتصادی و برخورد با فساد سیاسی، برای برگزاری انتخاباتی عادلانه و سالم در پایان سال تلاش کند؛ انتخاباتی که نتیجه آن راهیابی نمایندگان واقعی مردم، به نهاد قانون‌گذاری و خبرگان باشد. دستیابی این هدف در گرو برقراری مذاکره‌ای ملی با میانجی‌گری دولت، در راستای کاهش بدبینی، تنش‌زدایی و نیز اعتمادسازی بین نیروهای سیاسی خواهد بود».

اینگونه گفتن و نوشتن، از جنس حرف‌های فتنه‌گران ۸۸ و دقیقاً برای کشاندن فتنه‌گران به عرصه انتخابات و بهره‌گیری از قدرت آنان برای فتنه‌ای جدید و برای اجرای سناریوی جدید آمریکایی‌ها است.

المانیتور می‌نویسد: «توافق هسته‌ای می‌تواند به پیشرفت تلاش‌های روحانی در ایفای چنین نقشی کمک کند و انتخابات آتی مجلس در سال ۲۰۱۶ می‌تواند اقدام اولیه در این زمینه باشد».

جذب روحانی

جان‌کری، اما روشن‌تر می‌گوید: «اگر ما به این توافق پشت کنیم، یک پیام به افراط‌گرایان در ایران می‌فرستیم و آنان احساس خوبی خواهند کرد و کسی نمی‌داند که در انتخابات چه بر سر روحانی می‌آید».

رابرت لیتواک، کارشناس اندیشکده ویلسون، هدف را روشن‌تر بیان می‌کند: «این توافق موجب تقویت جناح میانه‌رو در داخل ایران شده و ایران را در مسیر اجتماعی مطلوب آمریکا قرار می‌دهد».

البته مراد رابرت از جناح میانه‌رو، جریان همراه با آمریکا و جناح فتنه‌گر

است. همانان ایران را در مسیر مطلوب آمریکا قرار می‌دهند.

خط قرمز

دقیقاً برای جلوگیری از تکرار فتنه ۸۸ بود که امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۹۳/۶/۵ به رئیس‌جمهور و هیأت دولت فرمودند: «در موضوع جناح‌بندی‌های سیاسی همواره تاکید بر رفاقت و انس با یکدیگر است، اما در برخی موارد هم مسأله متفاوت است و باید حتماً خطوط قرمز و خطوط فاصل رعایت شوند، مسأله فتنه و فتنه‌گران از مسائل مهم و از خطوط قرمز است که آقایان وزرا باید همانگونه که در جلسه رای اعتماد خود بر فاصله‌گذاری با آن تاکید کردند، همچنان بر آن پای‌بند باشند».

معظم‌له در تاریخ ۱۳۹۴/۴/۲۰ در دیدار با دانشجویان فرمودند: «عناصری نظیر کسانی که در سال ۸۸ آن حوادث را به راه انداختند و بدون هیچ منطقی با اسلامیت و جمهوریت نظام مخالفت کردند، قابل اطمینان نیستند».

نتیجه‌گیری

پس نگاهمان را درست کنیم. طرح پنهان آمریکایی‌ها را در آستانه انتخابات مجلس خبرگان و مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۴ مورد کاوش قرار دهیم. به چیز دیگری سرگرممان نکنند. اگر آینده را پیش‌بینی نکنیم، حتماً ضربه می‌خوریم. به ویژه در موضوع مجلس خبرگان رهبری که بسیار مهم و اثرگذار است. چه بسا دشمن به دنبال طرحی برای نفوذ در مجلس خبرگان برای تغییر رهبری است. هدفی که هرگز محقق نخواهد شد، ولی می‌تواند به نظام ضربه بزند و مشکل مقطعی درست کند.

شایسته‌گزینی با الگوی نهج‌البلاغه

محمدامین مرادی

کارشناس ارشد فلسفه و حکمت اسلامی

از آنجا که سال ۱۳۹۴ منتهی به دو انتخابات مهم و حساس به لحاظ زمانی است، استکبار جهانی پس از توافقات انجام‌شده چشم طمع در انتخابات دارد، اما این بار با پروژه نفوذ، در پی براندازی جمهوری اسلامی است. دشمن این بار با جدیت بیشتر و فراهم نمودن زمینه نفوذ عناصر داخلی در خانه ملت و خبرگان و با تغییر تاکتیک احتمالاً از قبل مذاکرات و برجام و به نوعی اعتمادسازی و با بزرگ شدن چهره استکباری و جنایتکارانه در داخل توسط برخی عناصر ناآگاه و یا مغرض و در نهایت تغییر باورها و محاسبات مردم و مسئولان جمهوری اسلامی در این وادی گام نهاده است. به همین دلیل، باید مراقبت جدی در این زمینه صورت گیرد و مردم که نقش اصلی را به عنوان انتخاب‌کننده بر عهده دارند باید در کنار نهادهای دلسوز نظام با انتخاب درست، بجا و شایسته راه‌های نفوذ دشمن را ببندند که این مسأله مهم نیاز به آگاهی کافی از وضعیت دشمن دارد.

موفقیت در این وظیفه حساس و خطیر، آگاهی و بصیرت لازم را می‌طلبد که در این نوشته با استفاده از نامه‌های ۲۴، ۳۵ و ۳۸ نهج‌البلاغه شریف به تعدادی از ویژگی‌های افراد شایسته در مسئولیت‌های مهم می‌پردازیم.

حضرت در این سه نامه به حدود ۱۵ مورد از شایسته‌گزینی مدیران جامعه اسلامی اشاره می‌فرمایند. موضوع از این قرار است که پس از مذاکره جنگ ناتمام صفین دشمن توانسته بود با خدعه و نیرنگ نه تنها از شکست قطعی نجات پیدا کند، بلکه با مذاکره راه نفوذ برای خود فراهم کرده بود؛ زیرا

تعداد زیادی از لشکریان حضرت علی(ع) با ایجاد شبهه طرف مقابل (اینکه چرا مسلمان به روی برادر مسلمانان خود شمشیر می‌کشد؛ چرا که آنها نیز اهل نماز و قبله‌اند و به خدا و به قرآنی که به پیامبر نازل شده ایمان دارند) سپاه امیرالمومنین(ع) را ناکارآمد کردند به گونه‌ای که عاملان آن را نیز علی و معاویه می‌دانستند. تعدادی از آنها از سپاه حضرت علی(ع) کناره‌گیری کردند و عده‌ای هم آن چهره ضد دینی معاویه را با توجه به سیاست‌های حيله‌گرانه مشاورش عمروبن‌عاص فراموش کردند و تن به حکمیت دادند که نتیجه آن حکمیت، نفوذ و اختلاف در جبهه مسلمین شد.

با به وجود آمدن این شرایط و ضعف جبهه خودی، حضرت فتنه را در مصر احساس کرد چرا؟ از آنجا که معاویه در صورت موفقیت به عمروعاص قول فرمانداری مصر را داده بود، حضرت با تیزفهمی و بصیرت کامل نسبت به ابعاد قضیه فوراً مالک اشتر را به عنوان فرماندار راهی مصر کرد. محمد ابن ابوبکر، فرماندار مصر که به سبب عزلش از فرمانداری کمی دلخور شده بود؛ مطلب را برای ایشان اینگونه توضیح می‌دهد که «این جابه‌جایی نه سبب این که تو در کار خود کندی و کوتاهی کرده باشی و نه اینکه جدیت بیشتری بکنی بلکه در این کار مصلحتی هست». در حقیقت مصر منطقه حساسی بود، سال‌ها فرعونیان بر مصر حکومت کرده بودند و دارای تمدن کهنی بود، افکار و اندیشه‌های متفاوتی در آنجا وجود داشت که در بخش‌هایی از نامه ۵۳ به مالک اشتر به آن اشاره شده است.

اگرچه اقدام حضرت در انتخاب مالک به نتیجه کامل نرسید، اما گزینش مالک برای این کار و برای مقابله با آدم‌های سیاس و حيله‌گری چون معاویه و عمروعاص بود. بنابراین حضرت با شخصیت جامع‌الاطرافی که داشتند در این سه نامه اشاره بسیار خوبی در شایسته‌گزینی دارند که عبارتند از:

۱- دشمن از انتخاب او نگران شود:

وقتی حضرت با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی تصمیم گرفت که مالک اشتر را به جای محمدابن ابی بکر که کارنامه قابل قبولی هم نزد او داشت انتخاب کند بلافاصله دشمن احساس خطر کرد و فهمید که با آمدن مالک به اهداف خود نخواهد رسید. بنابراین نقشه قتل او را کشید تا مالک نتواند زمام امور را در دست گیرد. امروز در شرایط حساس نظام و انقلاب و به قول رهبر معظم انقلاب در پیچ تاریخی هستیم که غفلت از آن ممکن است خساراتی را به وجود بیاورد که جبران‌ناپذیر باشد. پس اگر دشمن روی کسی حساس شد تا وجهه او را خدشه‌دار کند و نگران آمدنش به عرصه انتخابات شد و تلاش بی‌وقفه برای حذف او داشت به طور حتم او آرامش دشمن را به هم زده و خوابش را پریشان کرده است همانگونه که رفتن مالک اشتر به مصر پازل دشمن را به هم می‌ریخت و نقشه‌هایش را نقش بر آب می‌کرد؛ زیرا او اهل هیچ‌گونه معامله‌ای نبود، تیزبین و اهل بصیرت بود و شمشیرش در جهت بصیرتش می‌چرخید. این یکی از مهم‌ترین شاخص‌های نماینده مجلس باید باشد که دشمن از رفتنش به مجلس نگران شود.

۲- خیرخواه نظام باشد:

«ان الرجل الذی کنت و لیتة أمر مصر کان رجلا لنا ناصحا...» آن مردی که من او را والی مصر کرده بودم (مالک اشتر) نسبت به ما خیر خواه بود، او همیشه سربلندی جامعه اسلامی را می‌خواست، مجاهدت شبانه روزی در راه دین داشت، و کسی شایستگی دارد در نظام اسلامی مسئولیت بپذیرد که خیرخواه نظام و ارزش‌های اسلامی باشد نه این که مقصودش از آمدن چوپ حراج زدن به ارزش‌ها باشد. باید دید که چه کسی خیرخواه نظام اسلامی، مردم و انقلاب است.

۳- سرسخت و انتقام‌گیرنده باشد:

«و علی عدونا شدیداً ناقماً...» واقعاً دفاع‌های جانانه مالک در تمامی حوادث تلخ، غبار غم از چهره مولایش می‌زدود. وقتی در ادامه این مطلب می‌فرمایند: «فرحمه الله». ابن ابی الحدید معتزلی می‌گوید: من شک ندارم که اشتر با این دعای امام مشمول رحمت و غفران الهی است و خدا او را به بهشت برینش وارد می‌کند.

مدیری که ولی زمانش اینگونه او را می‌ستاید و برایش رحمت الهی را می‌طلبد، انسان را یاد دعای رهبر معظم انقلاب در حق سرداران شهیدی چون صیاد شیرازی، احمد کاظمی، تهرانی‌مقدم، مصطفی احمدی روشن و... و عشق و علاقه و تجلیل ایشان از رزمندگان و ایثارگران می‌اندازد. وقتی ولی زمان از مدیر خود اینگونه اظهار رضایت می‌کند، و قریب به این مضمون می‌فرماید: «آقای تهرانی‌مقدم هر قولی که به ما داد عمل کرد»، قطعاً ایشان در شرایط حساس گره‌گشا بوده‌اند.

سرسخت و انتقام‌گیرندگی یکی دیگر از ویژگی‌های یک سرباز آگاه، هوشیار، میدان‌دیده و شجاع است که اجازه ترک‌تازی را از دشمن می‌گیرد و او است که شایستگی گزینش بر امور خطیر و مهم را خواهد داشت.

۴- داشتن بصیرت :

«...و اصحر لعدوک، و امض علی بصیرتک و شمر لحرب من حاربک...» بعد از اینکه جناب مالک به شهادت رسید حضرت مجدداً محمد بن ابی بکر را در مسئولیت خود ابقا کرد، اما به وی فرمودند: در برابر دشمن هوشیار باش، توطئه‌ها و نقشه‌های دشمن را با دقت پی‌گیری و رصد کن. تعبیر «و اصحر» یعنی به صحرا رفتن، و در بیرون دشمن را ملاقات کردن، بسیار نکته ظریفی است؛ یعنی پیش از آنکه آنها به سراغ شما بیایند با آنها بجنگید چرا؟ چون

هر گروهی در خانه خود مورد تهاجم واقع شود دلیل می‌شود. این نکته لطیف را حضرت در خطبه جهاد اشاره می‌فرمایند.

یعنی هیچ‌گاه منتظر نمانید تا دشمن در نظام و ساختار حکومتی شما نفوذ کند و خوش‌خیالانه بگویید دشمن تغییر رویه داده و دیگر دشمن نیست، عرف دیپلماتیک دیگر اجازه نمی‌دهد تعامل نداشته باشیم باید همراه نظام بین‌الملل باشیم. اما به چه قیمتی؟ به قیمت از دست دادن عزت جمهوری اسلامی با استکبار جهانی و گرگ‌های درنده‌ای که خود هیچ قانونی را پایبند نیستند. البته یک سرباز با بصیرت پیوسته با قطب‌نمای تحلیل درست از اهداف و نقشه دشمن به او اوضاع را رصد کرده و مبارزه می‌کند. یک نماینده با بصیرت و اهل تحلیل درست و عالمانه در مجلس که جزء محرمانه‌ترین نهادهای کشور محسوب می‌شود با ابزار قانون و همراهی با ولی فقیه و ملت آگاه ایران می‌تواند جلوی خیلی از انحرافات سیاسی و فرهنگی در کشور را بگیرد. مجلس شورای اسلامی و خبرگان امروز بیش از هر زمان دیگری به مدرس‌های زمان نیاز دارد؛ با بصیرت و شجاع، عالم و آگاه اهل تحلیل و متعهد و استکبارستیز، نه غفلت‌زدگانی مثل مصدق که راه نفوذ دشمن را هموار می‌کردند.

همچنین در نامه بعدی یعنی نامه ۳۵ نیز به ویژگی‌های دیگری اشاره می‌شود؛ البته بعد از شهادت محمد بن ابی بکر، ابن عباس را به آنجا فرستاد. علاوه بر اینکه از محمد به عنوان فرزندی خیرخواه و شجاع و مدافع حق یاد می‌کند می‌نویسد: «... و لَدَا ناصحاً و عامِلاً کادحاً و سَیِّئاً قاطعاً و رکناً دافعاً...».

۵- کادح و سخت‌کوش و با تدبیر:

کادح یعنی تلاشگر و سخت‌کوش بودن. نماینده مجلس و یا هر مدیر و

مسئول دیگری در نظام جمهوری اسلامی باید سخت‌کوش و با تدبیر و عاقبت‌اندیش باشد. دُبر نیز یعنی کسی که عاقبت‌نگر است و به عواقب کار یا حرفی که می‌زند و یا قولی که می‌دهد اندیشده و ضرر و زیان آن را محاسبه می‌کند. کسانی بودند که اوایل سال‌های انقلاب شدیدترین دفاع را از امام و انقلاب داشتند، اما امروز شدیدترین حمایت را از آمریکا می‌کنند و امام را به نفع خود مصادره می‌کنند. در فتنه ۸۸ کسانی سقوط کردند که با خود خیلی‌ها را نیز به دره سقوط و هلاکت انداختند با شبهه‌افکنی در قانون اساسی و ارکان نظام فقط برای رسیدن به قدرت این عاقبت‌اندیشی است یا استحاله شدن؟ بنی‌صدر می‌گفت من تمامی شرایط اجتهاد را دارم و کتاب ولایت فقیه هم داشت و خیلی‌ها از این قبیل که در گردنه‌های حساس انقلاب سقوط کردند. نامزد با تدبیر آن نیست که برای گرفتن آرا مردم بگوید من برای شما رفاه و آسایش درست می‌کنم، در حالی که دارای چنین اختیاراتی نیست. و یا اقتصاد شما را زیر و رو خواهم کرد، در حالی که اگر نتواند، یا نکند یا قصد فریب داشته باشد که بنا به تعریف حضرت علامه طباطبایی در تفسیر آیه «یا ایها الذین آمنوا لم تقولون ما لا تفعلون» اگر فردی وعده‌ای بدهد و از اول قصد عدم انجام آن را داشته باشد منافق است و اگر توانایی انجام آن را نداشته باشد او فردی ضعیف‌النفس است و ضعف اراده دارد. در هر دو حال آیا فرد منافق و با اراده ضعیف، شایستگی خدمت به جامعه اسلامی را دارد؟

۶- سیف قاطع و شمشیر برنده بودن:

یک فرد شایسته برای گزینش مسئولیت‌های حساس باید دارای ویژگی «سیف قاطع» بودن باشد. شمشیری که در میدان کارزار کند باشد، یا دشمن بر او غلبه می‌کند و یا از شمشیرش کسی واهمه نخواهد داشت و مجبور

می‌شود میدان را به دشمن واگذار کند. به عنوان مثال، در همین دستگیری تفنگداران دریایی آمریکا نیروهای سپاه آن چنان برق‌آسا و شجاعانه عمل کردند که ابرقدرت توخالی جهان به التماس افتاد و ناو آمریکایی مستقر در خلیج فارس با آن همه هواپیمای جنگی و چند هزار نیروی موجود در آن را حیرت زده کرد. در حال حاضر عرصه سیاست، میدان رویارویی اسلام و الحاد و حق در مقابل باطل است. مجلس ما، دولت ما و همه قوای مملکتی در واقع در مبارزه تمام‌عیار با دشمن است؛ به ویژه مجلس که در خط مقدم این جبهه نیز می‌باشد. باید انتخاب افراد بر اساس این ویژگی‌ها صورت گیرد.

۷- ستون محکم و نیرومند:

«... و رکناً رافعاً...» یک انسان شایسته در میدان مبارزه با نفوذ دشمن باید مانند یک ستون محکم و استوار باشد که وسط بنا قرار گرفته است و بنا را از فرو ریختن حفظ می‌کند.

اگر برای خیمه انقلاب بخواهیم ستونی فرض کنیم آن ستون، ولی فقیه است که نه تنها بنای انقلاب را نگه داشته است، بلکه طناب‌های بسته به این ستون که افراد و مدیران و نمایندگان شایسته‌ای نظامند را از خطر آسیب محافظت می‌کند.

وقتی خواص دور حضرت امیر(ع) را خالی کردند جبهه حق مغلوب شد. چون از امام، بی امت کاری ساخته نیست. وقتی یاران امام مجتبی(ع) فریب جبهه باطل را خوردند چه اتفاقی ناگواری رخ داد. وقتی کوفیانی که دعوت‌کننده بودند از کار خود پشیمان شده و با دشمن همراهی کردند چه حادثه‌ای پیش آمد. زمانی که در مشروطه دشمن نفوذ کرد چطور فرزند برای اجرای حکم پدر هورا کشید و روحانیت منزوی شد. همچنین در نهضت نفت دشمن با چهره دوست وارد شد عاقبت کار به کجا انجامید. بنابراین امروز

انقلاب به تعداد تک تک نفرات ایران زمین «رکن رافع» نیاز دارد. اما در ادامه نامه ۳۵ حضرت مردم کوفه را جمع کردند و فرمودند: «فریاد محمد بن ابی بکر و برادرانتان در مصر را می‌شنوید؟ ابن نابغه دشمن خدا و دوست دشمن خدا با لشکری به سوی آن‌ها حرکت کرده است. نکند گمراهان درخواست‌های باطل خود و مسیر طاغوت از شما در برابر حق خود راسخ‌تر و افتخارشان محکم‌تر باشد.... عجله کنید بودن مصر در دست شما عزت و آبروی شماست و نبودنش سبب ذلت و خواری شما...». حضرت با آن‌ها برای فردا قرار گذاشت که تا راسخ بودنشان را بیازماید و علیه دشمن تحریکشان کرد که طبری می‌نویسد: صبحگاه امام به آن منطقه قرار رفت و تا ظهر توقف فرمود حتی یک نفر دعوت امام را اجابت نکرد.

این نیامدن یاران حضرت نتیجه نفوذ دشمن بود. اینجاست که حضرت آرزوی شهادت می‌کنند و از دست افراد دون همت و سست اراده این چینی و می‌فرمایند: «اگر منتظر شهادت نبودم که در مبارزه با دشمن به فیض عظمای شهادت نایل شوم حاضر نبودم حتی یک روز با شماها زندگی کنم»؛ یعنی عشق به شهادت و انتظار آن مرا واداشته که با شما بودن را تحمل کنم و این نهایت غربت امام جامعه‌ای است که برای هدایتشان خون دل می‌خورد. مهم‌ترین شاخص دیگر نامزد و نماینده نظام اسلامی با شاخص ولی زمان حرکت کردن و عقربه خود را با او تنظیم کردن است و با اشاره ولی، مسیر را پیدا کردن و رفتن.

و اما در نامه ۳۸ نیز به بخش دیگری از ویژگی‌ها اشاره می‌فرمایند:

۸- بی‌خوابی به هنگام خطر:

«... لا ینام ایام الخوف...» به هنگام خطر زمانی که نظام از ناحیه اجنبی تهدید می‌شود به قول حضرت در جای دیگر می‌فرماید: «خواب را فقط در چشم باید مضمضه کرد؛ یعنی دائم رفتار حیل‌گرانه و توأم با نقشه فتنه‌گرانه

دشمن را رصد کرده و سعی کنیم آن را خنثی نماییم. نه اینکه به خواب عمیق فرو رویم و بگوییم آمریکا رفتارش را تغییر داده است و دیگر آن آمریکای سابق نیست. این آمریکا شعار همزیستی مسالمت‌آمیز و تعامل می‌دهد.

امام (ره) می‌فرمودند: «حساب خود را از حساب غرب جدا کنید» و این به این معنی است که ما نباید در برابر دشمن خود را به خواب بزنیم و اگر این اتفاق بیفتد باید گفت که اینگونه افراد شایستگی ندارند در جامعه اسلامی مسئولیت داشته باشند؛ چرا که اینگونه افراد ضعیف النفسی بوده و در شرایط حساس خود را به خواب زده و دشمن را دست کم گرفته‌اند.

۹- ولایت محوری:

«... ولا يؤخر ولا یقدم إلا عن امری...» نه عقب‌نشینی و نه پیش‌روی جز به فرمان ولی امر خود نمی‌کند. در همه حال امر ولی، اشاره ولی، کلام ولی، برای او فصل‌الخطاب است. یک فرد شایسته مقام و منصب در نظام جمهوری اسلامی بدون اذن ولی اقدام به کاری نمی‌کند. نه این‌که در مسئولیت خود برای هر کاری از ولی اجازه بگیرد، بلکه به گونه‌ای عمل می‌کند که عمل او با اختیار مطابق خواسته ولی امر اوست و ولی امرش بر آن مهر زده تأییدش می‌کند.

قوانین دینی و اسلامی و وجود رهبر و ولی فقیه در جامعه، عامل اتحاد است. در هر زمان که دشمن توانسته نفوذ کند ابتدا مردم را از روحانیت و رهبر جامعه جدا کرده است و هر جا شکست خورده است از اتحادی بوده که حول محور دین و رهبری جامعه توسط روحانیت به وجود آمده است. پای هیچ قرارداد ننگینی را در طول تاریخ روحانیت اصیل امضا نکرده است و هر قراردادی هم که حیثیت مملکت اسلامی را خدشه‌دار کرده و عزت مسلمین

را به خطر انداخته است، روحانیت در مقابل آن قد علم کرده و فرصت را از دشمن گرفته است.

بنی‌امیه با تجربه امروز به رهبری آمریکا نیک می‌داند عامل اتحاد و قدرت اسلام و عزت ایران اسلامی در کجاست. به همین دلیل باید هوشیار بود و کید و نقشه او را نقش بر آب کرد، اما با چه ابزاری؟ با ابزار انتخابات، حضور پرشور و آگاهانه و هوشمندانه و درست و بجا گزینش کردن و شایسته‌گزینی.

آشنایی با مجلس خبرگان رهبری با نگاهی به پنجمین انتخابات آن

مقدمه

ولایت در مکتب حیات‌بخش اسلام، نقش محوری و کلیدی دارد. جایگاه والای ولایت و رهبری اسلامی در اعتقادات و علم کلام اسلامی و نیز در فقه اسلامی مورد وفاق و اجماع علمای بزرگ شیعه است. ولایت، راهبرد سیاسی اسلام برای اداره جامعه اسلامی است که در حیات پیامبر گرامی اسلام به ویژه غدیر خم آغاز گردید و در حیات سیاسی امامان معصوم(ع)، ساری و جاری شد و تا پایان هستی استمرار دارد. نظام اسلامی نظام امامت و امت است. مشروعیت امر ولایت و رهبری از وحی الهی سرچشمه می‌گیرد. در عصر غیبت معصوم(ع)، ولایت از آن فقهای جامع‌الشرایط و وارسته‌ای است که به نسبت سایر مردم، بیشترین شباهت را به معصوم(ع) دارند، این ولایت به واسطه داشتن شایستگی‌ها و شرایطی که از سوی معصوم بیان شده است، به فقیهان تعلق می‌گیرد.^۱

نظام جمهوری اسلامی، مطابق آموزه‌های اسلامی و بر اساس سیره اهل‌بیت(ع) و به رهبری امام خمینی(ره) شکل گرفت و بدون شک پایه‌های تأسیس نظام را افکار و اندیشه‌های امام راحل(ره) رقم زد و کلیدواژه این اندیشه‌ها، ولایت مطلقه فقیه است. تجربه بیش از سه دهه حکومت موفقیت‌آمیز بیانگر مشروعیت، کارآمدی و توانمندی این اصل مرفقی در تدبیر امور جامعه و هدایت انقلاب اسلامی در مسیر اهداف اولیه آن است.

^۱ - جوادی آملی، ولایت‌فقیه، ولایت فقاها و عدالت، ص ۲۱۳.

مواضع، اقدامات و تدابیر هوشمندانه و شجاعانه ولی فقیه در مراحل پرفراز و نشیب انقلاب اسلامی و مدیریت هوشمندانه نظام جمهوری اسلامی سبب نهاده‌ین شدن اهداف و آرمان‌های انقلاب شده، وحدت و همگرایی ملی را به ارمغان آورده، توطئه‌های دشمن را ناکام گذاشته و اعتماد مردم را در ایران و جهان اسلام جلب کرده است. کشف، شناسایی و معرفی چنین شخصیتی بر عهده خبرگان است. مردم بدون واسطه خبرگان و نخبگان خبره‌شناس حوزه علمیه را برمی‌گزینند و به تخصص و نگاه کارشناسانه آنان در حیطة وظایف و اختیارات خود، اعتماد نیز دارند. آنان پس از راهیابی به مجلس خبرگان رهبری، براساس قانون به انجام رسالت خطیر خود یعنی انتخاب و معرفی رهبر و نظارت بر مواضع و عملکرد او می‌پردازند. آنان به طور دائم و بی‌وقفه بر وجود شرایط در شخص ولی امر مراقبت دارند.

برگزاری انتخابات پنجمین دوره مجلس خبرگان رهبری به تناسب اوضاع داخلی کشور و شرایط و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی به مراتب حساس‌تر و سرنوشت‌سازتر از دوره‌های گذشته به نظر می‌رسد. بنابراین مجلس خبرگان رهبری فی‌نفسه به لحاظ نقش حیاتی خود در قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی از چنان اهمیتی برخوردار است که کارکرد آن با سرنوشت جامعه اسلامی و ملت ایران گره خورده است و غفلت از آن، عوارض و خسارت‌های جبران‌ناپذیری در پی خواهد داشت. این نوشتار درصدد است تا مروری اجمالی بر وضعیت مجلس خبرگان رهبری داشته باشد و در آستانه پنجمین دوره انتخابات این مجلس به بررسی ابعاد و ماهیت آن بپردازد و به نوعی در این زمینه شفاف‌سازی و روشنگری کند.

ریاست این مجلس از زمان تأسیس در تیرماه ۱۳۶۲ بر عهده عالم وارسته و مجاهد نستوه آیت‌الله علی مشکینی بود. پس از رحلت ایشان در سوم خرداد ۱۳۸۶ این مسئولیت به حجت‌الاسلام علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی سپرده شد و در ۱۷ اسفند ۱۳۸۹ ریاست مجلس خبرگان به آیت‌الله

مهدوی کنی واگذار شد.

بخش اول: مروری بر پیشینه و سوابق مجلس خبرگان رهبری

مجلس خبرگان رهبری از دستاوردهای انقلاب اسلامی به شمار می‌رود و با درایت و آینده‌نگری رهبر و بنیان‌گذار انقلاب و معمار کبیر نظام جمهوری اسلامی تأسیس گردید و می‌توان گفت همزاد با انقلاب است. نمایندگان مجلس خبرگان رهبری براساس قانون برای یک دوره هشت‌ساله و با انتخاب مستقیم مردم در جریان انتخابات آزاد عمومی برگزیده می‌شوند. این مجلس از آغاز تأسیس خود تاکنون چهار دوره را با کارنامه‌ای درخشان پشت سر گذاشته است. در این نوشتار سعی می‌شود به اختصار به مهم‌ترین فرازها و تحولات هریک از این دوره‌ها اشاره شود:

دوره اول

نخستین دوره انتخابات مجلس خبرگان رهبری با اهتمام و جدیت امام خمینی(ره) روز جمعه ۱۹ آذرماه ۱۳۶۱ با حضور بیش از ۱۸ میلیون نفر از واجدان شرایط رأی دادن یعنی ۷۷/۳۸ درصد، در پای صندوق‌ها برگزار شد و بر اساس آن ۸۲ نفر از خبرگان مورد اعتماد ملت به مجلس خبرگان رهبری راه یافتند.^۱ اولین اجلاس این دوره در ۱۳۶۲/۴/۲۳ در محل سابق مجلس شورای اسلامی تشکیل شد و با قرائت پیام امام خمینی(ره) افتتاح گردید. در این دوره چند اقدام اساسی انجام گرفت و نیز چند رخداد سرنوشت‌ساز به وقوع پیوست که هر یک به نوبه خود قابل بررسی هستند. در این فرصت به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) اقدامات اساسی مجلس خبرگان رهبری؛

۱- لاک و مهر شدن وصیت‌نامه سیاسی - الهی امام خمینی(ره) نزد مجلس خبرگان و به امانت گذاشته شدن آن نزد این مجلس؛

^۱ - دارابی، علی، رفتار انتخاباتی در ایران، ص ۱۴۷.

۲- اصلاح و تکمیل آیین‌نامه داخلی مجلس خبرگان رهبری که قبلاً و برای اولین بار، شورای نگهبان آن را تهیه کرده بود و به تأیید امام خمینی^(ه) رسیده بود؛

۳- انتخاب آقای منتظری به قائم‌مقامی رهبری در تیرماه ۱۳۶۲ برخلاف میل و رضایت باطنی امام خمینی^(ه) و سپس عزل وی در فروردین ۱۳۶۸ پس از محرز شدن ناتوانی وی در انجام وظایف خطیر رهبری و فقدان برخی شرایط برای ولایت و رهبری امت؛

۴- انتخاب مدبرانه حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای به رهبری انقلاب اسلامی پس از رحلت امام خمینی^(ه)؛

۵- حمایت از مواضع و تدابیر حکیمانه امام خمینی^(ه) در قبال رخدادها و تحولات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی؛

۶- حمایت از مواضع و تدابیر حکیمانه مقام معظم رهبری در قبال رخدادها و تحولات موجود.

ب) تحولات و رخدادهاى سرنوشت‌ساز کشور در این دوره؛

۱- صدور فتوای امام خمینی^(ه) در ۲۵ بهمن ۱۳۶۷ درباره قتل سلمان رشدی به حکم ارتداد و حمایت قاطع خبرگان از این اقدام؛

۲- بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۸ پس از یک دوره تجربه ده‌ساله؛

۳- تدبیر امام راحل^(ه) در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان هشت سال دفاع مقدس در ۲۹ تیرماه ۱۳۶۷ و حمایت قاطع خبرگان رهبری از این اقدام؛

۴- صدور پیام تاریخی امام خمینی^(ه) به گورباچف، صدر هیأت رئیسه اتحاد جماهیر شوروی سابق و دعوت او به اسلام در ۱۱ دی‌ماه ۱۳۶۷ و پیش‌بینی فروپاشی بلوک شرق و ده‌ها و صدها اقدام مدبرانه و هوشمندانه‌ای که در دفتر افتخارات و مجاهدت‌های ماندگار ولایت‌فقیه و مجلس خبرگان همواره می‌درخشند و هر یک در زمان وقوع و حتی در اوضاع کنونی نیز

تحسین همگان را برانگیخته‌اند.

دوره دوم

دومین انتخابات مجلس خبرگان رهبری در ۱۳۶۹/۷/۱۶ برگزار شد و مجلس خبرگان دوم در تاریخ ۱۳۶۹/۱۲/۲ و با قرائت پیام امام خامنه‌ای افتتاح گردید. در این دوره بیش از یازده میلیون نفر از واجدان شرایط یعنی ۳۷/۰۹ درصد در انتخابات شرکت کردند. در این انتخابات تعداد ۸۳ نفر به مجلس خبرگان راه یافتند.^۱ دومین مجلس خبرگان که پس از دوران دفاع مقدس و شکل‌گیری دوران سازندگی تشکیل شد، همانند اولین مجلس خبرگان، به حمایت هوشمندانه از مواضع و تدابیر رهبری، نظارت بر رهبری و اعلام مواضع اصولی و روشن‌بینانه در قبال تحولات ملی و بین‌المللی پرداخت. این مقطع از تاریخ انقلاب اسلامی با فرصت‌ها و چالش‌های خاص خود مواجه بود و تاریخ گواه تدابیر هوشمندانه رهبری برای مقابله با چالش‌های داخلی و خارجی و تأمین مصالح و منافع ملی است و نمایندگان مجلس خبرگان رهبری نیز به خوبی در این دوره وظایف خود را شناختند و بدان جامه عمل پوشیدند.^۲

الف) اقدامات اساسی مجلس خبرگان:

در دومین دوره مجلس خبرگان رهبری اقدامات و تدابیر هوشمندانه و خطیری انجام گرفت که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: محکوم کردن و تقبیح مستمر مواضع و سخنانی‌های موهن و ساختارشکن منتظری در مقاطع مختلف و نقد ارتباط وی با پایگاه‌ها و رسانه‌های بیگانه، حمایت از تدابیر رهبری در قبال تحریم‌های غرب و فشارهای بین‌المللی، حمایت از انتفاضه مسجدالاقصی، نقد تئوری غرب‌گرایانه تساهل و تسامح، تقبیح نظریه رابطه و مذاکره با آمریکا، نقد مواضع تکنوکرات‌ها و فن‌سالاران در اتخاذ مشی

^۱ - دارابی، همان.

^۲ - پورطالب، روح‌الله، پایگاه حوزه.

اقتصاد و سیاست لیبرالی، نقد تهاجم فرهنگی که همراهی با مظاهر آن در گفته‌ها و اقدامات برخی دولتمردان و نخبگان کشور دیده می‌شد.

ب) تحولات و رخدادهای سرنوشت‌ساز:

در این دوره نیز تحولات و رخدادهایی پدید آمد که به نسبت شرایط گذشته، حساس‌تر و پیچیده‌تر بودند و مواضع صریح و مقابله هوشمندانه فردی و جمعی خبرگان با آن از افتخارات این دوره به شمار می‌رود. شکل‌گیری موج تازه از تهاجم و شبیخون فرهنگی، میدان‌داری تکنوکراسی در رویه مدیریتی برخی دولتمردان، موج تازه تحریم‌ها و فشارهای نظام سلطه، استحاله سیاسی و فرهنگی در بخشی از جامعه نخبگی کشور، طرح اتهامات حقوق بشری و گشایش برخی پرونده‌های ظالمانه مجامع غربی علیه جمهوری اسلامی، شکل‌گیری روحیات تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری، بروز و ظهور موج تازه‌ای از اسراف و حیف‌ومیل بیت‌المال در برخی دستگاه‌های دولتی و شهرداری تهران و کلان‌شهرها، افزایش مفاسد اقتصادی که موجب نارضایتی مردم و ادبار افکار عمومی از دولت‌سازندگی شد و وقوع تحولاتی در منطقه و جهان؛ که در هر یک از آن‌ها مجلس خبرگان رهبری پایه‌پای تدابیر هوشمندانه و حکیمانه امام خامنه‌ای حرکت و اقدام کرد.

دوره سوم

سومین انتخابات مجلس خبرگان رهبری در تاریخ ۱۳۷۷/۸/۱ برگزار شد. در این انتخابات، بیش از هفده میلیون نفر یعنی ۴۶/۳۲ درصد واجدان شرایط رأی دادن در انتخابات شرکت کردند.^۱ این دوره در تاریخ ۱۳۷۷/۲/۴ و با قرائت پیام امام خامنه‌ای افتتاح گردید. خبرگان این دوره در حالی مشغول به کار شدند که فصل نوینی در تاریخ انقلاب اسلامی رقم خورد و فرصت‌ها و چالش‌های تازه‌ای در ایران و جهان بروز کرد و اوضاع و شرایط جدید و متفاوتی ایجاد شده بود. در چنین وضعیتی، همواره شاهد نقش

^۱ - دارابی، همان.

بی‌بدیل رهبری در معادلات بین‌المللی و مناسبات منطقه‌ای بودیم و بدیهی است این وضعیت، نیازمند حضور هوشمندانه و مدبرانه مجلس خبرگان رهبری در کنار رهبری معظم انقلاب بود و کمترین مسامحه آنان در این عصر به عاملی برای گسترش شبهات و سوءاستفاده چالش‌گران داخلی و خارجی تبدیل می‌گردید. آخرین و پانزدهمین اجلاس رسمی خبرگان در دوره سوم، اسفند ۸۴ برگزار گردید و در این اجلاس نیز مانند اجلاس‌های گذشته، مهم‌ترین مسائل روز و اوضاع و تحولات داخلی و خارجی مورد تبادل نظر و بررسی قرار گرفت، مواضع اصولی و حکیمانه نمایندگان ملت در قبال پدیده‌های مثبت و منفی این ایام ستودنی و ماندگار بود. آنان مانند دوره‌های گذشته با صدور بیانیه‌های رسمی و اعلام صریح مواضع خویش از مدیریت حکیمانه و مواضع اصولی مقام معظم رهبری دفاع و نقش فعال و مؤثری در فضای سیاسی و رسانه‌ای کشور ایفا کردند. خبرگان در این دوره که هم‌زمان با دولت اصلاحات و حاکمیت جریان‌ات لیبرال‌دموکرات بود، مواضعی بسیار ارزنده و حضوری تأثیرگذار در صحنه‌ها و عرصه‌های مختلف از خود بروز دادند که برای نمونه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) اقدامات اساسی مجلس خبرگان؛

۱- نقد صریح، روشن‌بینانه و واقع‌گرایانه بحران‌سازی و شبهه‌افکنی روزنامه‌های زنجیره‌ای و شارلاتانیسم مطبوعاتی در اردوگاه به اصطلاح اصلاح‌طلبان؛

۲- نقد و تقبیح تابوشکنی افراطی‌ها با شعار و رویکرد ساختارشکنی برخی عناصر و جریان‌های افراطی مدعی اصلاحات که هم‌سو با برخی دولت‌ها و رسانه‌های غربی به فضا‌سازی مسموم می‌پرداختند؛

۳- تقبیح و نقد آشکار سوءاستفاده از شعارهای اصلاحات، آزادی، مردم‌سالاری، جامعه مدنی و توسعه سیاسی؛

۴- تأکید بر مقابله قاطع با مفاسد سیاسی و اقتصادی و فرهنگی به تبع

مواضع و تدابیر امام خامنه‌ای؛

- ۵- تأکید بر مقابله با موج گسترده تهاجم و شبیخون فرهنگی و دگردیسی و استحاله سیاسی - فرهنگی؛
- ۶- تأکید بر ضرورت مقابله با فقر و فساد و تبعیض و مواجهه با طرح براندازی خاموش و براندازان به اصطلاح ملی - مذهبی به تبع مواضع روشنگرانه و حکیمانه امام خامنه‌ای.

ب) تحولات و رخداد‌های سرنوشت‌ساز:

- ۱- بحران قتل‌های زنجیره‌ای؛
- ۲- چالش جمهوری خواهی و گفتمان دموکراسی خواهی اصلاح‌طلبان با الهام از مراکز و مؤسسات غربی؛
- ۳- دستگیری و محاکمه شهردار تهران (آقای کرباسچی) در ابتدای سال ۱۳۷۸ که کارگزاران سازندگی و اصلاح‌طلبان از وی حمایت همه‌جانبه‌ای می‌کردند؛
- ۴- شکل‌گیری حادثه کوی دانشگاه تهران در ۱۸ تیرماه ۱۳۷۸ و آشوب‌ها و ناامنی‌های خیابانی که نوعی کودتای سیاسی به شمار می‌رود؛
- ۵- بحران‌سازی برخی از نمایندگان مجلس ششم و برخی از دولتمردان نظیر فتنه خروج از حاکمیت، توطئه ساختارشکن تحصن نمایندگان در مجلس، استعفای دسته‌جمعی تعدادی از نمایندگان مجلس و برخی دولتی‌ها؛
- ۶- رویکرد ورود به داخل اپوزیسیون خارج‌نشین و همگرایی آن‌ها با اپوزیسیون داخلی که با ساختارشکنی و ناسازگاری و نافرمانی مدنی برخی اصلاح‌طلبان با نظام جمهوری اسلامی به طمع افتاده بودند؛
- ۷- روند روبه افزایش و بی‌ضابطه شبهه‌افکنی به ویژه در موارد مشروعیت، وظایف و عملکرد رهبری انقلاب و مجلس خبرگان رهبری و کم‌وکیف نظارت بر رهبری و پیگیری نتایج آن‌ها؛

۸- محور شرارت اعلام کردن جمهوری اسلامی از جانب دولتمردان آمریکا.

دوره چهارم

انتخابات چهارمین دوره مجلس خبرگان رهبری در روز جمعه ۱۳۸۵/۹/۲۴ همزمان با انتخابات شوراهای اسلامی و میان دوره‌ای مجلس شورای اسلامی برگزار شد و دوره جدید این مجلس با قرائت پیام امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۸۵/۱۲/۱ افتتاح گردید. این دوره در قیاس با دوره‌های گذشته، از حساسیت، پیچیدگی و ظرافت خاصی برخوردار بود و شرایط و مقتضیات معاصر با آن، همچون رویارویی غرب با اسلام و مسلمانان، اهانت به پیامبر گرامی اسلام (ص)، انفجار در حرمین شریف عسکریین (ع) به بهانه‌های واهی، چالش ایجاد کردن عناصر و جریان‌ات فرصت طلب بین جمهوریت و اسلامیت با مشروعیت و مقبولیت و ده‌ها مورد مشابه، هوشیاری و حضور گسترده‌تری را طلب می‌کرد. به دلیل اینکه انتخابات پنجمین دوره مجلس خبرگان با انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی همزمان باشد، استثنائاً طول این دوره از خبرگان بیش از هشت سال خواهد بود.

الف) اقدامات اساسی مجلس خبرگان

خبرگان در چهارمین دوره مجلس خبرگان رهبری به تناسب شرایط و اقتضائات کشور، نقش بسیار هوشمندانه‌ای ایفا کردند. آنان در کنار رهبری انقلاب در برابر افراطی‌ها و افراطی‌گری سیاسی با بصیرت نافذ ایستادگی کردند؛ در مقابله با فتنه‌گران از مواضع و تدابیر امام خامنه‌ای دفاع جانانه کردند؛ در برابر فشارها و تحریم‌های ظالمانه دشمن مایه قوت قلب نظام و رهبری معظم انقلاب بودند. دفاع از پرونده هسته‌ای صلح‌آمیز کشور، دفاع از بیداری اسلامی همسو با مواضع امام خامنه‌ای، ایستادگی در برابر انحرافات و حاشیه‌سازی‌های حلقه انحرافی در دولت دهم، از دیگر اقدامات این دوره مجلس خبرگان است.

ب) تحولات و رخداد‌های سرنوشت‌ساز

صدور نامه‌های سرگشاده افراطی‌های سیاسی خطاب به رهبر معظم انقلاب، وقوع فتنه سال ۸۸ که برخی عناصر و گروه‌های سیاسی تسلیم قانون و نتایج انتخابات آزاد و مردمی نشدند و با خروج بر نظام اسلامی و همسو با مثلث شوم نظام سلطه‌گر یعنی آمریکا، انگلیس و رژیم اشغالگر قدس، فضای آشوب و بحران را به سراسر کشور تحمیل کردند و شیرینی مشارکت سیاسی گسترده را در کام مردم و نظام اسلامی تلخ کردند. تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی یک‌جانبه غرب به ویژه آمریکا، فشارهای سیاسی غرب به بهانه دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای، بیداری اسلامی در جهان اسلام، مداخلات ظالمانه و ادامه تجاوزطلبی آمریکا در کشورهای اسلامی به‌ویژه در سوریه و لبنان، پدید آمدن حلقه انحراف در دولت دهم و حاشیه‌سازی‌های فرصت‌سوز و اختلاف‌انگیز را می‌توان از دیگر رخداد‌های این دوره برشمرد.

بخش دوم:

نقش و جایگاه مجلس خبرگان رهبری

برای آشنایی دقیق با نقش ویژه هر نهادی، به بررسی آن در چارچوب قانون اساسی و اندیشه بنیان‌گذار انقلاب و مؤسس نظام پرداخته می‌شود. بدین لحاظ شایسته است جایگاه ویژه مجلس خبرگان رهبری از منظر قانون اساسی، اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)، نگاه مقام معظم رهبری و نیز از نگاه علمی به‌اختصار بررسی شود.

۱- جایگاه مجلس خبرگان رهبری در قانون اساسی؛ فصل هشتم

قانون اساسی به تبیین شرایط تعیین رهبر و وظایف وی اختصاص دارد. در این قانون تصریح شده است: «پس از مرجع عالی‌قدر تقلید و رهبر کبیر انقلاب... تعیین رهبر به عهده خبرگان منتخب مردم است، خبرگان رهبری درباره همه فقه‌های واجد شرایط مذکور در اصل ۵ و ۱۰۹ قانون اساسی بررسی و مشورت می‌کنند، هرگاه یکی از آنان را اعلم به احکام و موضوعات فقهی یا مسائل سیاسی و اجتماعی یا دارای مقبولیت عامه یا واجد برجستگی

خاص در یکی از صفات مذکور در اصل ۱۰۹ تشخیص دهند، او را به رهبری انتخاب می‌کنند و در غیر این صورت، یکی از آنان را به عنوان رهبر انتخاب و معرفی می‌نمایند، رهبر منتخب خبرگان، ولایت امر و همه مسئولیت‌های ناشی از آن را بر عهده خواهد داشت. رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور برابر است.^۱

در جای دیگر می‌گوید: «هرگاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود، یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصل ۵ و ۱۰۹ گردد، یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است، از مقام خود برکنار خواهد شد. تشخیص این امر به عهده خبرگان مذکور در اصل ۱۰۸ می‌باشد. در صورت فوت یا کناره‌گیری یا عزل رهبر، خبرگان موظفند در اسرع وقت نسبت به تعیین و معرفی رهبر جدید اقدام نمایند».^۲

بر این اساس، وظیفه تعیین عالی‌ترین مقام رسمی کشور یعنی مقام ولایت و رهبری را قانون اساسی به مجلس خبرگان رهبری سپرده و سازوکار برکناری و عزل رهبری را نیز به تشخیص و نظر خبرگان منتخب ملت واگذار کرده است و چنین جایگاه و نقشی را هیچ‌یک از نهادها و قوای کشور دارا نیستند.

۲- مجلس خبرگان رهبری از دیدگاه امام خمینی (ره)؛ امام

خمینی (ره) همان‌طور که پایه‌گذار انقلاب اسلامی بودند، مؤسس و پایه‌گذار مجلس خبرگان رهبری نیز به شمار می‌روند. امام راحل در تبیین نقش و جایگاه ویژه این مجلس فرمودند: «مجلس خبرگان یک مجلسی است که باید شما و ملت بدانند که این مجلس، پشتوانه کشور است برای حفظ امنیت کشور و حفظ استقلال کشور و حفظ آزادی برای کشور؛ و اگر مسامحه در این امر بشود، یک تقصیری است که ممکن است جبران بعدها نشود این

^۱ - اصل ۱۰۷ قانون اساسی.

۲ - اصل ۱۱۱ قانون اساسی.

تقصیر».^۱ معظم‌له در جای دیگر فرمودند: «در مجلس خبرگان به مجرد اینکه صحبت ولایت فقیه شد، شروع کردند به مخالفت... این‌ها از مجلس خبرگان می‌ترسند برای اینکه مجلس خبرگان می‌خواهند ولایت فقیه را اثبات کنند، مجلس خبرگان می‌خواهند تصویب کنند آن چیزی را که خداوند تبارک و تعالی فرموده است و این‌ها از او می‌ترسند».^۲ در پایان این فراز همین بس که امام خمینی^(ره) پس از برگزاری موفقیت‌آمیز اولین انتخابات مجلس خبرگان فرمودند: «انقلاب تثبیت شد، می‌توانم راحت بمیرم».^۳

۳- مجلس خبرگان رهبری در منظر امام خامنه‌ای؛ امام خامنه‌ای با تأکید بر اهمیت و جایگاه ویژه مجلس خبرگان رهبری فرمودند: «ملت عزیز توجه داشته باشند که مجلس خبرگان، پایگاه و جایگاه بسیار رفیع و با عظمتی دارد، در حساس‌ترین و خطرناک‌ترین لحظات زندگی ملت و نظام ما این مجلس است که باید به داد ملت برسد، این منتخبان ملتند که باید در آن لحظه خطیر، دین خودشان را به ملت ایفا کنند».^۴ همه انتخابات مهم است، اما این انتخابات (خبرگان) اهم است.^۵ معظم‌له همچنین در تداوم اندیشه سیاسی امام راحل و تحقق بخشیدن به آرمان‌های امام خمینی(ره) و شهدای انقلاب اسلامی در مقاطع مختلف بر نقش برجسته و حیاتی مجلس خبرگان تأکید ورزیده، همگان را به حمایت از این مجلس و دقت در انتخاب نمایندگان اصلح فراخواندند.

امام خامنه‌ای نقش خبرگان را به منابع اصیل اسلامی مستند می‌کنند و تصریح و تأکید دارند که: «اصل مسأله ولایت فقیه، از آیات قرآن کریم و

۱ - در دیدار گروهی از دانشجویان، ۶/۹/۶۱.

۲ - در جمع علمای غرب تهران، ۳۰/۷/۵۸.

۳ - مجله حکومت اسلامی، شماره ۲۸، ص ۲۲۳.

۴ - بصیرت در انتخابات خبرگان، ص ۲۵.

۵ - همان، ص ۲۷.

روایات استنباط می‌شود و شارع مقدس، معیارها را در این زمینه بیان کرده است. بنابراین در مرحله معیارهای حاکم، برخورد مردم همانند برخورد با سایر احکام شرعی است و خبرگان، نقش فرد مؤمن، معتقد و عامل به این حکم و معرفت شرعی را دارند و در مرحله تعیین مصداق منطبق بر معیارها، بدیهی است که مردم نقش باواسطه‌ای را از طریق مراجعه به خبرگان ایفا می‌کنند، چه در غیر این صورت اگر قرار باشد تطبیق مفهوم با مصداق را از دست خبرگان خارج کنند، همه چیز به هم خواهد ریخت و معیارها به کلی نابود خواهد شد.^۱

۴- مجلس خبرگان رهبری از نگاه علمی؛ از نظر علمی که هر بحثی بر مدار تخصص و نظر کارشناسی دور می‌زند، این مجلس اجتماع فقیهان و کارشناسان (خبرگان) خبره‌شناسی است که می‌بایست از میان خود و یا از نخبگان و خبرگان برجسته کشور، تواناترین، داناترین، برجسته‌ترین و لایق‌ترین فرد را برای احراز سمت رهبری و ولایت فقیه برگزینند و چنین رویکردی در جهان کنونی که مسئولان آن از طریق ترفندهای سیاسی و تبلیغات فریبنده و ایجاد موج‌های عملیات روانی گمراه‌کننده و بدون توجه به شایستگی‌ها و لیاقت‌ها به قدرت می‌رسند، کامل‌ترین و جامع‌ترین شیوه انتخاب ممکن است. برت نی‌نوس در زمینه اهدافی که شوراهای بصیرت برای آن‌ها تشکیل شده و می‌توانند بهترین یاور برای رهبری باشند، بیانات خوبی دارد و این راهبردهای علمی، مبین اموری شبیه کارکرد و رویکرد نخبگان و خبرگان در تعیین رهبر است:

۱- تحول‌آفرینی؛ زمینه‌ساز تحول کشور یا سازمان در آینده باشند؛

۲- تجدید سازماندهی و دمیدن حیات تازه به کشور یا سازمان؛

۳- اعتباردهی و جلب پشتیبانی عمومی برای آینده؛

۴- شروع برنامه‌ریزی راهبردی و ادامه چرخه جدید در مدیریت کشور؛

- ۵- توسعه مدیریت و تقویت خلاقیت و بالا بردن توان مدیریت؛
- ۶- کمک به جهت‌یابی رهبری در درک جهت‌های آینده؛
- ۷- گروه‌سازی و گسترش کار جمعی و هماهنگی کار گروهی در مدیریت کشور.^۱

بخش سوم:

ساختار، وظایف و مسئولیت‌های مجلس خبرگان رهبری

مجلس خبرگان رهبری براساس قانون همانند سایر نهادها و دستگاه‌های کشور دارای وظایف خاصی است. مهم‌ترین وظایف این مجلس را در موارد ذیل می‌توان اشاره کرد:

- ۱- شناسایی، کشف و تعیین رهبر؛
 - ۲- نظارت بر رهبری؛
 - ۳- تدوین و تصویب قانون و مقررات مورد نیاز مجلس خبرگان؛
 - ۴- فعال‌تر کردن مجلس خبرگان؛
 - ۵- برکناری یا عزل رهبر و قبول استعفا یا و... .
- امام خمینی (ره) پس از بیان توصیه‌های خود به نمایندگان مجلس خبرگان اظهار داشتند: «و اکنون شما ای فقهای خبرگان... مسئولیتی را قبول فرمودید که رأس همه مسئولیت‌هاست و آغاز به کاری کردید که سرنوشت اسلام و ملت رنج‌دیده و شهید داده و داغ‌دیده در گرو آن است. تاریخ و نسل‌های آینده درباره شما قضاوت خواهند کرد و اولیای بزرگ خدا ناظر آرا و اعمال شما می‌باشند. «والله من ورائهم محیط و رقیب» کوچک‌ترین سهل‌انگاری و مسامحه و کوچک‌ترین اعمال نظرهای شخصی و خدای نخواستہ تبعیت از هواهای نفسانی که ممکن است این عمل شریف را به

^۱ - رهبری بصیر، برت نی‌نوس، ص ۲۷۴.

انحراف کشاند، بزرگ‌ترین فاجعه تاریخ را به وجود خواهد آورد»^۱.
 نمایندگان مجلس خبرگان رهبری که اعضای آن بیش از هشتاد نفر
 مجتهد باتقوا و عادل موجه هستند، الگویی بی‌بدیل از مردم‌سالاری دینی
 است که در عصر کنونی نظیر ندارد. این مجلس دارای هیأت رئیسه،
 دبیرخانه، کمیسیون‌ها و آیین‌نامه داخلی است که هر بخشی به تناسب
 وظایف و مسئولیت‌های خاص خود را دنبال می‌کند. بخش‌ها و اجزای مجلس
 خبرگان عبارتند از:

۱- هیأت رئیسه؛ این هیأت شامل رئیس مجلس، نایب رئیس اول و دوم و
 منشی اول و دوم است که هر یک با رأی مخفی و اکثریت (مطلق یا نسبی)
 نمایندگان مجلس خبرگان برای مدت دو سال انتخاب می‌شوند.

۲- دبیرخانه؛ نهادی است قانونی برای انجام مأموریت‌ها، مسئولیت‌ها و
 تنظیم حقوق این مجلس. تنظیم همه امور مربوط به مجلس خبرگان،
 کمیسیون‌ها، هیأت رئیسه، ارتباط با رئیس و نمایندگان مجلس، ارتباط با
 مقام معظم رهبری و دستگاه‌های گوناگون کشور از وظایف دبیرخانه است.
 دبیرخانه، یک مرکز تحقیقات علمی نیز دارد که انتشار فصلنامه حکومت
 اسلامی، انجام پژوهش‌های روشمند در زمینه اندیشه سیاسی اسلام،
 ولایت فقیه و رهبری از فعالیت‌های ارزشمند آن است. رئیس دبیرخانه را
 هیأت رئیسه مجلس خبرگان انتخاب می‌کند.

دبیرخانه مجلس خبرگان نهادی است قانونی که زیر نظر هیأت رئیسه
 مجلس خبرگان اداره می‌شود و برای انجام مأموریت‌ها و مسئولیت‌ها و تنظیم
 امور مربوط به مجلس خبرگان، تشکیل می‌شود. بخشی از وظایف دبیرخانه
 عبارت است از:

۱-۲- این بخش، وظایف کلی دبیرخانه در قبال مجلس خبرگان و

^۱ - پیام امام راحل به مناسبت افتتاح اولین دوره مجلس خبرگان، ۶۲/۴/۲۳؛ بصیرت در

نمایندگان را بر عهده دارد؛ از جمله:

الف - تنظیم کلیه امور مربوط به مجلس، کمیسیون‌ها و هیأت رئیسه و ارتباط با ریاست مجلس و برقراری ارتباط متقابل؛

ب - تنظیم روابط مجلس، کمیسیون‌ها، هیأت‌ها و اعضا با مقام معظم رهبری و دستگاه‌های گوناگون کشور؛

ج - همکاری لازم با مسئولان مربوط، در اجرای انتخابات مجلس خبرگان، با رعایت قانون و آیین‌نامه انتخابات؛

د - معرفی نهاد خبرگان؛

ه - چاپ و انتشار مصوبات مجلس به صورت اختصاصی یا عمومی، حسب مورد با توجه به آیین‌نامه خبرگان و انعکاس اخبار به رسانه‌های گروهی با هماهنگی مقامات مربوط؛

و - تحقیق و پژوهش در موضوع حکومت اسلامی، به ویژه ولایت فقیه، تألیف و نشر آن به صورت‌های مناسب، معرفی ولایت فقیه در مجامع علمی داخل و خارج کشور و در سطح عموم مردم براساس سیاست‌گذاری کمیسیون بررسی راه‌های پاسداری و حراست از ولایت فقیه، پس از تأیید هیأت رئیسه؛

ز - تهیه بولتن حاوی اخبار و گزارش‌های مربوط به امور رهبری، نمایندگان رهبری در ارگان‌ها و نهادها، نهادهای وابسته، مسأله ولایت فقیه، مسائل سیاسی و بین‌المللی و مسائل جاری کشوری؛

۲-۲- در این بخش، امور مربوط به مکاتبات و ثبت و ضبط و انعکاس گزارش‌ها انجام می‌پذیرد؛ نظیر:

الف - تهیه دستور کار جلسات عادی و فوق‌العاده مجلس و ارائه به هیأت رئیسه؛

ب - تهیه گزارش‌ها و منابع لازم در زمینه مسائل فقهی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، در حوزه مسئولیت خبرگان، برای اعضای هیأت رئیسه و رئیس مجلس خبرگان؛

ج - تهیه صورت مذاکرات مجلس و کمیسیون‌ها و هیأت‌ها؛
 د - نگهداری و طبقه‌بندی و بایگانی اسناد و مدارک مربوط و نیز مصوبات مجلس و کمیسیون‌های خبرگان، با استفاده از امکانات و تجهیزات لازم؛
 ه - تهیه مواد و متون لازم جهت اعلام مواضع، برای هیأت رئیسه و تنظیم پیش‌نویس بیانیه‌ها؛

و - تهیه طرح تشکیلات دبیرخانه، برای تصویب هیأت رئیسه و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی؛

۳- کمیسیون‌ها: براساس آخرین اطلاعات منتشرشده در پایگاه اطلاع‌رسانی مجلس خبرگان رهبری، این مجلس دارای شش کمیسیون است. جلسات کمیسیون‌ها براساس نیازها و مقتضیات و با هماهنگی دبیرخانه به طور مستمر در طول سال برگزار می‌شود. هر کمیسیون دارای رئیس، نایب رئیس، منشی و آیین‌نامه است و خودشان جلسات را اداره می‌کند. این کمیسیون‌ها عبارتند از:

۱-۳- کمیسیون تبیین و بررسی قانون انتخابات و آیین‌نامه داخلی؛ این کمیسیون در دوره چهارم یازده عضو اصلی و چهار عضو علی‌البدل دارد و اجرای اصل ۱۰۸ قانون اساسی را نیز بر عهده دارد و هر جا لازم بداند، در تغییر و اصلاح این گونه قوانین با رأی خبرگان اقدام می‌کند.

قانون انتخابات و آیین‌نامه داخلی این مجلس در ۶ فصل و ۲۱ ماده تصویب شده است که به ترتیب فصول عبارتند از: فصل اول، تعداد خبرگان؛ فصل دوم، شرایط انتخاب‌شوندگان؛ فصل سوم، شرایط انتخاب‌کنندگان؛ فصل چهارم، مدت هر دوره؛ فصل پنجم، کیفیت انتخابات؛ فصل ششم، آیین‌نامه داخلی.

۲-۳- کمیسیون امور محاسبات و بودجه و امور مالی و اداری مجلس خبرگان؛ این کمیسیون هفت عضو اصلی و دو عضو علی‌البدل دارد. براساس اعلام این کمیسیون، اعضای خبرگان از دوره اول تاکنون هیچ‌گونه حقوق و

مزایایی دریافت نمی‌کنند و بودجه مجلس خبرگان مختص اجلاس‌ها و دبیرخانه است.

۳-۳- کمیسیون اصل ۱۰۷ و ۱۰۹ قانون اساسی؛ این کمیسیون یازده عضو اصلی و پنج عضو علی‌البدل دارد و فعال‌ترین کمیسیون‌هاست که متولی آمادگی‌دادن به خبرگان است و کارش در طول سال استمرار دارد. اعضای کمیسیون درباره همه کسانی که در مظان مرجعیت و رهبری قرار دارند، بررسی می‌کنند و نتیجه بررسی را به صورت محرمانه در اختیار خبرگان قرار می‌دهند. از سوی دیگر، این کمیسیون، رفع تعارض احتمالی بین اصول ۵، ۱۰۷، ۱۰۹ قانون اساسی را نیز بر عهده دارد.

۳-۴- کمیسیون تحقیق موضوع اصل ۱۱۱؛ این کمیسیون مرکب از یازده عضو اصلی و پنج عضو علی‌البدل است و با رأی مخفی اکثریت خبرگان برای اجرای اصل ۱۱۱ قانون اساسی تشکیل شده و مسئولیت اشراف و نظارت بر کارهای رهبری، موضع‌گیری‌ها، عزل و نصب‌ها، عملکرد نهادهای زیر نظر رهبری و نیز اعلام آمادگی برای مشورت دادن به رهبری را به عهده دارد. موضوع این قانون، تشخیص این مهم است که رهبری به وظایف قانونی‌اش عمل می‌کند یا نه؟ و یا از اول فاقد بعضی از شرایط بوده است یا نه؟

۳-۵- کمیسیون بررسی راه‌های پاسداری و حراست از ولایت‌فقیه؛ این کمیسیون دارای هفت عضو اصلی و سه عضو علی‌البدل است و فعال‌ترکردن مجلس خبرگان را در دستورکار دارد و در سال‌های بعدی شکل گرفت و وظیفه آن، کمک به خود خبرگان و فعال‌ترکردن سیاست‌ها و برنامه‌های آنان است.

۳-۶- کمیسیون سیاسی - اجتماعی؛ این کمیسیون دارای نه عضو اصلی و دو عضو علی‌البدل است.

انتخابات چهار دوره گذشته مجلس خبرگان با حضور گسترده مردم با کمال آرامش و سلامتی کامل برگزار شد و اینک پنجمین انتخابات خبرگان

که به مراتب حساس تر و دارای اهمیت بیشتری است، مورد توجه همگان قرار گرفته است.

بخش چهارم:

مروری بر قانون انتخابات و آیین نامه داخلی مجلس خبرگان

قانون انتخابات و آیین نامه داخلی مجلس خبرگان رهبری در ۶ فصل و ۲۱ ماده و ۶ تبصره در تاریخ ۵۹/۷/۱۰ به تصویب رسید و در تاریخ ۶۱/۵/۱۲ مورد اصلاح و بازنگری قرار گرفت. در مقدمه این قانون آمده است که با الهام از یعقوب بن شعیب از امام صادق (ع) در زمینه شناسایی و تعیین جانشین مقام رهبری و ولایت امر مسلمین در هر زمان برای پیشگیری از بروز فترت در نظام جمهوری اسلامی و ضمانت تداوم حکومت شرعیه براساس ولایت فقیه، در اجرای اصول ۱۰۷ و ۱۰۸ قانون اساسی، قانون انتخابات، تعداد، شرایط و آیین نامه داخلی مجلس خبرگان به شرح ذیل تنظیم گردید:

فصل اول) تعداد خبرگان؛ تعداد خبرگان برای هر استان یک نفر است، مگر در استان هایی که بیش از پانصد هزار نفر جمعیت دارند و به نسبت افزایش هر پانصد هزار نفر، یک نماینده افزوده خواهد شد.

فصل دوم) شرایط انتخاب شوندهگان؛ خبرگان منتخب مردم باید دارای

شرایط زیر باشند:

- ۱- اشتها به دیانت و وثوق و شایستگی اخلاقی؛
- ۲- آشنایی کامل با مبانی اجتهاد با سابقه تحصیل در حوزه های علمیه بزرگ در حدی که بتوانند افراد صالح برای مرجعیت و رهبری را تشخیص دهند؛

۳- بینش سیاسی و اجتماعی و آشنایی با مسائل سیاسی روز؛

۴- معتقد بودن به نظام جمهوری اسلامی ایران؛

۵- نداشتن سوابق سوء سیاسی و اجتماعی؛

فصل سوم) شرایط انتخاب کنندگان؛ برای انتخاب کنندگان تنها دارا بودن دو شرط زیر لازم است: الف) تابعیت جمهوری اسلامی ایران. ب) داشتن پانزده سال تمام سن.

فصل چهارم) مدت دوره خبرگان؛ خبرگان برای مدت هشت سال انتخاب می‌شوند و شش ماه به پایان هر دوره باید انتخابات دوره بعد آغاز گردد به طوری که سه ماه به پایان هر دوره، انتخابات دوره بعد خاتمه یافته باشد.

فصل پنجم) کیفیت انتخابات؛ رأی‌گیری به صورت مخفی و به طور مستقیم و در یک روز انجام می‌گیرد، خبرگان با اکثریت مطلق آرای شرکت کنندگان انتخاب می‌شوند. مجری انتخابات مجلس خبرگان، وزارت کشور است، آیین‌نامه اجرایی انتخابات به پیشنهاد وزارت کشور به تصویب شورای نگهبان خواهد رسید.

فصل ششم) آیین‌نامه داخلی مجلس خبرگان؛ جلسات مجلس خبرگان با حضور دوسوم کل خبرگانی که می‌باید انتخاب گردند، رسمیت می‌یابد. مصوبات مجلس خبرگان با موافقت نصف به علاوه یک حاضران معتبر است مگر در مورد تعیین رهبر که با موافقت دوسوم حاضران معتبر می‌شود. صورتجلسه به وسیله نوار، ضبط شده و به وسیله تندنویس پیاده می‌شود و به امضای رئیس یا نایب‌رئیس می‌رسد، صورتجلسه انتخاب رهبری باید به امضای همه اعضای حاضر در جلسه برسد. در آغاز نخستین جلسه رسمی، خبرگان مراسم تحلیف را بدین صورت برگزار می‌کنند:

«ما در برابر قرآن مجید و مردم شریف ایران به خدای متعال سوگند یاد می‌کنیم که در ایفای وظیفه سنگینی که به عهده داریم یعنی تشخیص و معرفی بهترین فرد یا افراد برای مقام والای رهبری امت، خود را در پیشگاه مقدس خداوند و در برابر ملت غیور ایران مسئول بدانیم و کوچک‌ترین مسامحه و خیانت را روا نداریم.»

هیأت رئیسه سنی بلافاصله به انتخاب هیأت رئیسه دائم می‌پردازد. هیأت رئیسه دائم نیز مرکب از چهار نفر رئیس، نایب‌رئیس و دو منشی است که برای مدت دو سال با رأی‌گیری مخفی و اکثریت نسبی انتخاب می‌شوند. مجلس خبرگان سالی یکبار حداقل به مدت پنج روز اجلاسیه رسمی دارد. در مواردی که هیأت رئیسه لازم بداند یا ده نفر از اعضا به صورت کتبی پیشنهاد کنند، اجلاسیه فوق‌العاده تشکیل می‌شود.

وظیفه مجلس خبرگان در اجلاسیه‌های عادی خود، اجرای اصل ۱۱۱ قانون اساسی و بحث و تبادل نظر درباره مسائل مربوط به مرجعیت و رهبری و تبادل نظر برای یافتن بهترین شیوه عمل در جهت ایفای این مسئولیت خطیر و پیشنهاد آن به مقام رهبری است.^۱

بخش پنجم:

دستاوردها و عملکرد مجلس خبرگان رهبری

مجلس خبرگان رهبری تاکنون دستاوردهای ارزنده و امیدوارکننده‌ای داشته است. این مجلس همواره پشتوانه‌ای کارآمد و یابری هوشیار و همیشه در صحنه برای رهبری نظام و نماینده‌ای امین برای مردم بوده است، اما از آنجا که احصای تمامی اقدامات و دستاوردهای درخشان این نهاد مقدس مقدور نیست، به ناچار به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- اجرای بخشی از قانون اساسی جمهوری اسلامی و نهادینه کردن سازوکار انتخاب رهبری؛

۲- تجلی مشروعیت و مقبولیت نظام با تشکیل یکی از ارکان نظام اسلامی؛

^۱ - منصور، جهانگیر، قوانین و مقررات مربوط به انتخابات جمهوری اسلامی ایران،

- ۳- به اطمینان خاطر رساندن و قوت قلب بخشیدن به مردم و تأمین منافع و مصالح آنان؛
 - ۴- نمایش قدرت، وحدت، احساس مسئولیت و ایفای حقوق مردم با انتخاب نمایندگانی اصلاح و بصیر؛
 - ۵- امیدواری و اوج‌گیری حرکت جهانی اسلام به واسطه حسن انتخاب مجلس خبرگان؛
 - ۶- انتخاب به موقع و صحیح رهبر؛
 - ۷- کمک به امنیت و ثبات سیاسی نظام جمهوری اسلامی؛
 - ۸- جلوگیری از تأثیرگذاری توطئه‌ها و چالش‌ها و تحریم‌های دشمن؛
 - ۹- افزایش مشارکت و حضور مردم در صحنه‌های انقلاب به واسطه نقش خبرگان منتخب مردم؛
 - ۱۰- کمک به تداوم انقلاب و تضمین آرمان‌های انقلاب اسلامی؛
 - ۱۱- تصحیح مسیر انقلاب و پیشگیری از بروز انحرافات احتمالی؛
 - ۱۲- حمایت و پشتیبانی از رهبری در مواقع لزوم؛
 - ۱۳- پیشگیری و جلوگیری از افراط و تفریط.
- مجلس خبرگان دو نوع اجلاس به دو نوع اجلاس در طول سال برگزار می‌کند؛ اجلاس رسمی عادی که هر سال یکبار و به مدت پنج روز در هر زمانی که خود خبرگان صلاح بدانند، تشکیل می‌شود و به بحث و تبادل نظر درباره مسائل مربوط به رهبری و تبادل نظر برای یافتن بهترین شیوه عمل در جهت ایفای این مسئولیت خطیر و پیشنهاد آن به مقام رهبری می‌پردازند. خبرگان علاوه بر اجلاس سالانه، اجلاس فوق‌العاده نیز برگزار می‌کنند و این اجلاس به دو صورت برگزار می‌گردد: اول، اجلاسی که هیأت رئیسه لازم بداند به لحاظ ضرورت‌هایی چون شناسایی فردی برای رهبری، بررسی وضعیت رهبر حاضر و اینکه آیا رهبر، شرطی را از دست داده است یا خیر؟ دوم اجلاسی که ده نفر از اعضای خبرگان کتباً پیشنهاد کنند که این پیشنهاد هم ممکن است به

همان دلایل یاد شده باشد. برخی از اجلاس‌های خبرگان به صورت علنی و برخی به صورت غیر علنی برگزار می‌گردند.

مجلس خبرگان نظرات خود را در قالب پیشنهاد به رهبری، نطق‌ها و سخنرانی‌های داخل مجلس خبرگان و بیانیه‌هایی که در پایان هر اجلاس درباره مهم‌ترین مسائل روز صادر می‌شود، ارائه می‌دهد. از سوی دیگر، خبرگان منتخب مردم به تناسب تحولات و پدیده‌های سیاسی و اجتماعی به اعلام موضع می‌پردازند، به شبهات و انتقادات پاسخ می‌دهند و به طور مستمر حمایت خود را که به معنای حمایت آحاد جامعه است، از تدابیر مقام معظم رهبری اعلام می‌دارند. در این فرصت برای نمونه به محورهایی از برخی بیانیه‌های پایانی اجلاس خبرگان اشاره می‌شود که خود گویای احساس مسئولیت و موقع‌شناسی و تأثیرگذاری آنان بر تحولات و نظارتشان بر سیاست‌ها و تدابیر است:

- ۱- اسلامیت، ستون فقرات نظام مقدس جمهوری اسلامی است.^۱
- ۲- مردم در جمهوری اسلامی صاحب حکومتند و باید تمام مقررات در چارچوب احکام اسلام و در جهت خدمت به مردم تنظیم گردد.
- ۳- قانون اساسی میثاق ملی امت اسلامی است و به خوبی ظرفیت لازم را برای اداره کشور و حل تمامی مشکلات جامعه دارد.
- ۴- ولایت فقیه نماد عظمت، استقلال، انسجام، وحدت ملی و سربلندی نظام اسلامی است.

۵- تقوا و عدالت، مبنای مشروعیت مسئولان در نظام اسلامی است. آن‌ها باید تلاش خود را در جهت مبارزه با تبعیض و امتیازطلبی نابه‌جا در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی که مصداق بارز ظلم است، به کار ببرند. مبارزه با فقر و فساد به ویژه در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی، مبارزه با گرانی و تورم و اعتیاد و ایجاد اشتغال به منظور حل معضل بیکاری، گام‌های بلندی در

^۱ - اصل چهارم قانون اساسی.

جهت استقرار کامل عدالت اجتماعی است.

۶- وحدت کلمه از اصول اساسی مورد تأکید امام راحل و مقام معظم رهبری است، وفاق و همدلی مردم ما میوه شیرین پیروزی انقلاب اسلامی را با خود به ارمغان آورد. همین عامل است که در تداوم انقلاب نیز منشأ برکات فراوان می‌شود.

۷- جمهوری اسلامی ایران هرگز در پی تولید سلاح کشتار جمعی نبوده و نخواهد بود؛ زیرا نظام اسلامی، خود را پایبند به ارزش‌های اسلامی دانسته و به کارگیری این‌گونه سلاح‌ها را مخالف بینش و منش اسلامی می‌داند، اما استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای حق مشروع و قانونی همه کشورها از جمله جمهوری اسلامی است.

۸- مجلس خبرگان رهبری اعلام می‌دارد که اشغال‌گران عراق باید پاسخگوی جنایات خود باشند، آن‌ها باید هرچه سریع‌تر به اشغال عراق خاتمه دهند و عراق را به عراقی‌ها واگذارند تا آن‌ها خود سرنوشت خود را رقم بزنند.

۹- دور تازه تهاجم رژیم صهیونیستی به سرزمین‌های اشغالی فلسطین و ترور شخصیت‌های جهادی فلسطین و قطع کمک‌های مالی اروپا و آمریکا به تشکیلات خودگردان و تهدید کردن شرکت‌هایی که با دولت جدید فلسطین همکاری کند، نشان از شکست سنگین آمریکا دارد. امید است دولت‌ها و ملت‌های مسلمان با یکدیگر متحد و هم‌صدا شوند و کمک‌های مالی خود را از اشغال صهیونیست‌ها آزاد سازند...^۱

۱۰- با تأسیس جمهوری اسلامی ایران و تدوین قانون اساسی، موضوع ولایت مطلقه فقیه و رهبری با ویژگی‌های برتر فقاقت، عدالت، شجاعت و مدیریت که یک آرمان اصیل اسلامی است و در کشور ما رسمیت و عینیت یافت و تجربه نظام اسلامی نشان داد که با این رکن استوار، دفاع از حاکمیت

^۱ - پایگاه اینترنتی مجلس خبرگان، بیانیه پایانی دهمین اجلاس رسمی خبرگان.

۲- نشریه حکومت اسلامی، شماره ۳۷، ص ۲۱۸، بیانیه چهاردهمین اجلاس خبرگان.

و تحقق آرمان‌های اسلامی، انسجام و همبستگی ملی و مقاومت در برابر قدرتهای شیطانی تضمین می‌گردد.

۱۱- یکی از خطرهای چالش‌های بزرگ جهان اسلام، تهاجم بلکه شبیخون فرهنگی غرب و استکبار و صهیونیسم نسبت به اسلام و مسلمانان و توطئه‌های پشت‌پرده و نقشه‌های شیطانی آن‌ها علیه وحدت و هویت و سربلندی دنیای اسلام و کشورهای اسلامی است.

۱۲- سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر اصول عزت، حکمت و مصلحت استوار بوده و بر تعامل سازنده با جهان و کشورهای همسایه و منطقه و بر ادامه سیاست تنش‌زدایی و اعتمادسازی با کشورهای غیر متخاصم تأکید نموده است.^۱

بخش ششم:

برتری انتخاب غیر مستقیم رهبری بر انتخاب مستقیم

تشخیص و تعیین مصداق رهبری، مقوله‌ای تخصصی و کارشناسی است. شناسایی فقیه جامع‌الشرایط توسط آحاد مردم در همه حال امکان عملی ندارد، چرا که در روایات و منابع اسلامی برای حاکم اسلامی در عصر غیبت، شرایط و صفاتی ذکر شده و حق ولایت به نصب عام به احراز آن‌ها در فرد خاصی منوط گردیده است، اصولاً ولایت به وجود صلاحیت‌ها و شایستگی‌های بالفعل در فقیه تعلق می‌گیرد؛ چرا که برای رهبری شرایطی چون فقاقت، عدالت و تقوا و بینش و بصیرت سیاسی- اجتماعی و تدبیر و شجاعت لازم است و این، عین شایسته‌سالاری واقعی است. در این صورت، عموم مردم، برای احراز شرایط یادشده، نیازمند رجوع به افراد متخصص و خبرگان امت هستند. با این رویکرد در اصل ۱۰۷ قانون اساسی، تعیین رهبری برعهده مجلس خبرگان منتخب مردم گذاشته شده است.

در این زمینه کثرت رأی‌دهندگان و حتی اجماع آنان در مورد فردی، بدون احراز شرایط توسط خبرگان، دلیل وجود صفات در فرد منتخب نیست و از آنجا که مردم ما به موازین شرع مقدس پایبندند، خود درصدد تحقق سازوکار شرعی هستند. اصل لزوم رجوع به خبره و متخصص، امری قراردادی نیست که بتوان از آن چشم‌پوشی کرد، بلکه مبنای علمی و شرعی دارد. با این توصیف، انتخاب مستقیم خبرگان امین و مورد وثوق و نیز انتخاب غیرمستقیم ولی‌امر و حاکم اسلامی توسط نمایندگان، ضرورت و اولویت دارد. البته چنانچه آحاد مردم از چنان تخصص و نبوغ برخوردار باشند که مستقیماً بتوانند شرایط لازم را در فردی احراز کنند و یا در شخص برجسته‌ای، برتری محسوس در حدی بروز و ظهور یابد که علاوه بر افراد خبره، همگان به راحتی دارا بودن صلاحیت‌ها را احراز کنند، نیاز به انتخاب مستقیم یا دومرحله‌ای نیست و مانند امام خمینی (ره) ولایت و رهبری جامعه را عهده‌دار می‌شود؛ لکن در چنین حالتی نیز تا ابتدا در میان نخبگان و خبرگان، اعلیت یا افضلیت و اصلح بودن فرد پذیرفته نباشد و یا در عمل، قیام و مبارزه را رهبری نکند، در سطح مردم شیوعی نمی‌یابد و از سوی دیگر، وقوع چنین رویکردی، امری تدریجی و درازمدت است و در کوتاه‌مدت به دست نمی‌آید.

بخش هفتم:

ویژگی‌ها و حساسیت‌های خبرگان پنجم (فرصت‌ها و چالش‌ها)

خبرگان پنجم و انتخابات آن، نظیر هر رخداد دیگر، فرصت‌ها و چالش‌هایی را در پیش خواهد داشت که به نوبه خود باید مورد اشاره و بحث قرار گیرند. بدون تردید شرایط محیط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی از چنان پیچیدگی و حساسیت خاصی برخوردار است که همگان را به تأمل و هوشیاری وادار می‌سازد. خلق حماسه‌های سیاسی مورد نظر امام خامنه‌ای و

استقامت در برابر فشارها، تهدیدها و جنگ روانی و رسانه‌ای دشمنان و فتنه‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی بیش از هر چیز مستلزم افزایش بینش و بصیرت عمومی و ارتقای سطح وحدت و همبستگی ملی از یک‌سو و حضور گسترده و نیز انتخاب هوشمندانه در صحنه‌ها و عرصه‌های سرنوشت‌ساز به‌ویژه انتخابات است. در این زمینه ضروری است برای استفاده حداکثری از فرصت‌ها و مقابله جدی با تهدیدها و مرتفع ساختن چالش‌ها، برنامه‌ریزی و اقدام شایسته و بایسته به‌عمل آید.

در این مقطع، تمامی جریان‌ها و محافل سیاسی و رسانه‌های وابسته به آن‌ها تکاپوی جدی برای ورود به این انتخابات را در نظر دارند، تلاش طیف‌های پیروز در انتخابات ریاست‌جمهوری برای برتری در دو انتخابات پیش رو (مجلس خبرگان و مجلس شورای اسلامی) بیش از هر طیف دیگر قابل رصد است. علاوه بر آن، نقش و جایگاه وزین مجلس خبرگان و تأکید صریح امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای مبنی بر اهتمام ویژه به مسأله خبرگان رهبری، همگان را بر آن می‌دارد که نسبت به آن، عنایت ویژه داشته باشند.

الف) فرصت‌های انتخابات خبرگان پنجم؛ انتخابات پنجمین دوره مجلس خبرگان رهبری در یکی از حساس‌ترین مقاطع انقلاب اسلامی برگزار می‌شود و مهم‌ترین فرصت‌های این انتخابات عبارتند از:

۱- افزایش و گسترش اعتماد عمومی به آرمان‌های انقلاب اسلامی؛ اقبال بیش از پیش مردم به شعارهای اصیل انقلاب اسلامی فرصت گرانبهایی است که باید آن را غنیمت شمرد و قدردان آن بود. این موهبت که ریشه در الهامات و عنایات الهی و تدابیر امام خامنه‌ای، ولی‌امر مسلمین دارد با افزایش خدمت‌رسانی به مردم، اجرای بیش از پیش عدالت اجتماعی، کار و تلاش و تولید مضاعف قابل جبران خواهد بود و مدت زمان باقی‌مانده تا انتخابات، فرصت خوبی برای این رویکرد است؛

- ۲- افزایش امید و نشاط اجتماعی در میان مردم؛
- ۳- افزایش مشارکت سیاسی و اجتماعی هوشمندانه و حسابگرانه آحاد مردم در عرصه‌های مختلف؛
- ۴- استقرار امنیت پایدار و فراگیر و بازدارندگی همه‌جانبه؛ امنیت پایدار از دستاوردهای انقلاب اسلامی است. این مهم در ایام انتخابات یازدهم ریاست‌جمهوری و چهارمین دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا به‌خوبی محسوس بوده و منشأ اثرگردید. اکنون بیش از هر زمانی، شکل و ماهیت توطئه‌ها و ترفندهای استکبار جهانی آشکار شده و با توجه به تجارب خیانت‌های فتنه‌گران پس از انتخابات سال ۸۸ به‌طور طبیعی کمتر کسی است که حاضر شود با اشاره سرویس‌های جاسوسی بیگانه، به اقدام خرابکارانه دست بزند، البته آمادگی همه‌جانبه نیروهای نظامی و انتظامی و امنیتی از عوامل اصلی استقرار امنیت به شمار می‌روند و همواره باید رصد و پایش و هدایت و بصیرت‌افزایی لازم انجام گیرد؛
- ۵- نفوذ و الهام‌بخشی و نظارت عالیه ولایت فقیه و حمایت مقام معظم رهبری در تمامی مراحل سرنوشت‌ساز از مسئولان نظام و حفاظت از حقوق مردم و نامزدها و نظام اسلامی در تمام مراحل انتخابات؛
- ۶- وجود چشم‌انداز بیست‌ساله نظام و عزم راسخ نیروهای انقلاب برای فتح قله‌های پیشرفت و تعالی کشور که به عزم ملی تبدیل شده است؛
- ۷- انگیزه و عزم راسخ جوانان و مردم برای انتخاب چهره‌هایی متعهد و ولایت‌مدار؛
- ۸- وحدت و همبستگی ملی همراه با بصیرت و هوشمندی سیاسی مردم در تحلیل صحیح مصالح و منافع نظام؛
- ۹- ظرفیت کم‌نظیر قانون اساسی و شفافیت حدود و ثغور وظایف و اختیارات هر یک از قوا و نهادهای کلیدی نظام از جمله ولایت فقیه و مجلس خبرگان رهبری؛

- ۱۰- باور و ایمان مردم به نقش بی‌بدیل رهبری در مهار بحران‌های داخلی و بین‌المللی و هدایت دستگاه‌های مختلف در مسیر اهداف و مصالح عالیه نظام و منافع ملی؛
- ۱۱- ادبار مردم از عناصر افراطی و جریان‌های تجدیدنظرطلب و گفتمان‌های ساختارشکن؛
- ۱۲- ظرفیت بالای مشارکت‌پذیری مردم در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و....

(ب) چالش‌های پیش رو؛ چالش‌های احتمالی پیش روی انتخابات پنجمین دوره مجلس خبرگان رهبری در عرصه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی را می‌توان به انحای مختلف دسته‌بندی و بررسی کرد، اما در این مختصر تنها به برخی از مهم‌ترین آن‌ها که بیشتر جنبه داخلی دارند، اشاره می‌شود:

- ۱- سیاسی‌کاری و سهم‌خواهی برخی طیف‌ها و جریان‌های سیاسی؛
- ۲- قداست‌شکنی به بهانه نقد آموزه‌های دینی و انقلابی و ایجاد تردید در آن‌ها؛
- ۳- سوءاستفاده از وجود برخی اختلاف دیدگاه‌ها در باب مشروعیت و مقبولیت؛
- ۴- تفرقه‌افکنی در صفوف نیروها و جریان‌های انقلاب؛
- ۵- تخریب و سیاه‌نمایی گسترده به بهانه رقابت سیاسی؛
- ۶- استفاده ابزاری از زنان و جوانان و اقشار و صنوف مردم؛
- ۷- جنگ روانی و رسانه‌ای بیگانه؛
- ۸- اوضاع پیچیده و حساس منطقه‌ای و بین‌المللی که نیازمند هوشیاری بیش از پیش است؛
- ۹- استفاده ابزاری قدرت‌های بزرگ از شعارهای حقوق‌بشرخواهانه، مبارزه با تروریسم، پیمان منع تولید و گسترش سلاح‌های اتمی و کشتار جمعی و

نقض حقوق بشر؛

۱۰- القا و بزرگ‌نمایی اختلافات و ابهامات در زمینه مواضع و عملکرد خبرگان رهبری.

بنابراین مجلس خبرگان رهبری از ارکان نظام اسلامی است که اعضای آن به طور مستقیم منتخب مردمند.

در مقطع حساس کنونی تلاش برای استفاده از تمامی فرصت‌ها و ظرفیت‌های نظام و رفع موانع و چالش‌های احتمالی، مهم‌ترین رسالت مردم و مسئولان خواهد بود و هرگونه مسامحه یا غفلت در این زمینه می‌تواند خسارت‌های جبران‌ناپذیری در پی داشته باشد.

راهبردهای سه گانه نفوذ در مجلس خبرگان

یکی از راههای نفوذ دشمن در جمهوری اسلامی، «استحاله از درون» است که شیوه‌ای از آن در فروپاشی شوروی به کار گرفته شد. استحاله درونی یک نظام را می‌توان به سه دسته استحاله محتوایی، استحاله رفتاری و استحاله ساختاری تقسیم کرد.

استحاله محتوایی در ایران اسلامی با ادعای عبور از انقلاب اسلامی به جمهوری اسلامی کلید خورد. منظور از این عبور این است که شعارهای انقلابی همچون استکبارستیزی، حمایت از مظلومان عالم، ساده‌زیستی و... مخصوص دوره انقلاب مردم ایران بود و رهبران انقلاب از طریق طرح این شعارها توانستند مردم را بسیج کنند و رژیم پادشاهی را سرنگون نمایند، اما بعد از استقرار نظام جمهوری اسلامی، اصل بر تامین معیشت و دستیابی به توسعه و رفاه مردم است؛ بنابراین اگر این شعارها با روند توسعه برگرفته از مدل‌های غربی در تعارض است، چاره‌ای نیست که آنها را عوض کنیم و به سمت شعارهایی حرکت کنیم که حتی با ادعاهای صدر انقلاب در تعارض باشد؛ شعارهای چون تنش‌زدایی با آمریکا و حرکت به سمت توسعه روابط با آن.

البته به دلیل اینکه این نوع از نفوذ کاملاً نرم‌افزارانه بوده و به دنبال همراه‌سازی بدنه اجتماعی و جریان‌سازی در میان مردم است، گفتمان خود را در زورق‌های طلایی به افکار عمومی عرضه می‌کند. از این رو برای جلوگیری از ایجاد حساسیت در بدنه مومن انقلابی و همراه‌سازی آحاد مردم ایران اسلامی، با حفظ صورت و ظاهر نظام به تغییر باطن و سیرت آن می‌پردازد؛

تغییری که از طریق جابه‌جایی و دگرگونی در اهداف کلان، انگیزه‌ها، شعارها و معارف انقلابی دنبال می‌شود.

برخی از گفتارهای جریان غرب‌گرا و بسترسازان نفوذ در این رابطه عبارت است از: «امروز دیگر ادامه انقلابی‌گری سودی ندارد و باعث عقب‌ماندگی می‌شود؛ کمرنگ شدن هویت انقلابی، لازمه عقلانیت و در نظر گرفتن واقعیت‌های ایران و جامعه جهانی است؛ حفظ برخی اصول و سیاست‌های جمهوری اسلامی مانع همزیستی مسالمت‌آمیز با نظم جهانی است و...».

استحاله رفتاری در ادامه تغییر محتوای انقلاب گام دیگر راهبرد نفوذ محسوب می‌شود. در این نوع استحاله، دشمن به دنبال تغییر در رفتارهای انقلابی مردم و مسئولان نظام است. نوع تغییر رفتار نیز در چارچوب مولفه‌های استحاله‌سازی محتوایی و عبور از باطن انقلاب در کنار حفظ ظاهر آن انجام می‌گیرد. تنها یکی از مؤلفه‌های تغییر رفتار انقلابی، دوری از استکبارستیزی با عنوان ظاهرالصلاح «تعامل با قدرت‌های جهانی» است که گزاره‌های ذیل گفتمان‌سازی از آن را بر عهده دارد: «مبارزه با قدرت‌های بزرگ و دفاع از مقاومت مانع رشد اقتصادی است؛ علت مشکلات کشور به خاطر ایجاد تنش با آمریکا است، در نتیجه ابتدا باید تخاصم‌زدایی و بعد تنش‌زدایی کرد و در ادامه به سمت کاهش تنش حرکت نمود؛ فرهنگ انقلاب به معنای زبان اعتراض و درشت‌گویی و شعار نیست؛ رفع تحریم و حل مشکلات معیشتی و اشتغال در گرو تعامل، رابطه و دوری از برخورد خشن با آمریکا است و...».

نوع سوم از استحاله، استحاله ساختاری است که منظور از آن تغییر نرم در ساختارهای رسمی کشور هدف می‌باشد. یکی از مهم‌ترین مصادیق این نوع از نفوذ در جمهوری اسلامی، استحاله‌سازی از مجلس خبرگان رهبری است که هدف از آن، تغییر ولایت مطلقه فقیه، به «ولایت مقیده فقها» یا

تبدیل آن به نوعی از «ولایت پایی» است.

البته این سطح از تغییر، هدف غایی نفوذکنندگان به شمار می‌رود که در سایه اهداف آماج‌بندی‌شده زیر انجام می‌گیرد:

الف- نظارت محدودکننده: که با استفاده از روش‌هایی همچون ایجاد مجمع مشورتی برای رهبری در داخل ساختار خبرگان و یا قانونگذاری در مجلس خبرگان به منظور نظارت بر نهادهای ذیل رهبری و... دنبال می‌شود.

ب- شورایی کردن رهبری: که با عناوینی چون شورای فقها و... تئوریزه می‌شود و نیاز به تغییر قانون اساسی دارد که به راحتی قابل حصول نیست.

ج- تغییر شخص رهبری: (به عنوان اصلی‌ترین مانع اجراسازی نقشه‌های اصحاب نفوذ) که با استفاده از راهبردهایی چون زمان‌مند کردن دوره رهبری و... پشتیبانی می‌شود. آنچه در این میان حائز اهمیت است برنامه نفوذگران و بسترسازان داخلی آنها برای انتخابات پیش روی مجلس خبرگان رهبری است. راهبردهای سلبی و ایجابی جریان نفوذ بر سه پایه استوار است. این جریان در بخش سلبی به دنبال ناکارآمد جلوه دادن مجلس خبرگان فعلی به سه دلیل است: ۱) مسن بودن اعضای خبرگان؛ ۲) وابسته بودن بیشتر اعضا به یک جریان سیاسی خاص؛ ۳) آشنا نبودن نسبت به نیازها و دغدغه‌های مردم.

نقشه جریان نفوذ زمانی تکمیل می‌شود که به اسم دفاع از رهبری و جایگاه ولایت فقیه مدعی می‌شوند خبرگان فعلی به خاطر دلایل فوق، نتوانسته است یکی از اصلی‌ترین وظایف خود، یعنی نظارت بر نهادهای ذیل رهبری را به درستی انجام دهد. آنان که با ساختار و ماهیت خبرگان رهبری آشنایی دارند، به خوبی می‌دانند که آنچه از قانون اساسی استنباط می‌شود نظارت بر شرایط رهبری است. اما جریان نفوذ در خبرگان زمانی می‌تواند محدودیت و کنترل مورد نظر خود بر ولی فقیه را اعمال نماید که تفسیر

القایی خود، یعنی نظارت بر عملکرد ولی فقیه را تثبیت نماید و از این طریق به قانونگذاری و ساختارسازی برای نظارت بر نهادهای ذیل رهبری دست یابد. راهبرد ایجابی این جریان برای دستیابی به نظارت محدودکننده بر ولی فقیه، بر شعار سه‌گانه خبرگان جوان، فراجناحی و آشنا با دغدغه‌های مردم استوار خواهد بود. تاکنون برنامه‌ریزی گسترده‌ای برای تحقق این شعارها صورت گرفته است؛ از آماده‌سازی جزوه‌های گوناگون برای نامزدهای مورد حمایت این جریان که در آن دغدغه‌ها و نیازهای اقشار مختلف مردم در سطوح ملی و استانی تدوین شده است، تا ثبت‌نام گسترده کاندیداهای به اصطلاح سفید و افرادی که وابستگی به جریان خاصی ندارند، اما به دلیل حمایت می‌توانند از آنها در درون مجلس خبرگان سهم‌خواهی کنند، و در نهایت دعوت از سیدحسن خمینی برای ثبت‌نام در انتخابات مجلس خبرگان به عنوان الگو و خط‌شکن جوان‌گرایی در عرصه خبرگان در این راستا ارزیابی می‌شود.

باید توجه داشت که نقشه‌گردان اصلی جریان داخلی نفوذ، علاوه بر بازی با اعتبار امام خمینی و سوءاستفاده از جایگاه سیدحسن در بیت امام، خط‌شکنی از مسأله جوان‌گرایی در مجلس خبرگان رهبری است. حضور سیدحسن در رقابت انتخابات خبرگان رهبری، راه را برای دیگر نامزدهای جوان این جریان باز خواهد کرد؛ نامزدهایی که دانسته یا ندانسته به صورت سازماندهی‌شده در این دوره از انتخابات خبرگان ثبت‌نام کرده‌اند و در سایه شعار جوان‌گرایی این جریان، امکان رقابت جدی با فحول خبرگان را پیدا خواهند کرد.

از این رو، انتخابات خبرگان ۹۴ صحنه آزمون سنگینی برای سیدحسن رقم زده که امید است با تاسی از پدر بزرگوارشان، از این آزمون سرنوشت‌ساز به سلامت عبور کند.

جایگاه و نقش دستگاه‌های نظارتی، اجرایی و نخبگان در تحقق مشارکت حداکثری و انتخاب اصلح

دکتر علی مرادزاده

چکیده

مشارکت سیاسی و حضور گسترده و وسیع و حداکثری مردم از نشانه‌های پویایی و پایایی انقلاب اسلامی است. حضور و مشارکت مردم در عرصه‌های تعیین سرنوشت هم حق و هم تکلیف مردم و نخبگان است. در اندیشه و رفتار سیاسی امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری اولویت ویژه‌ای دارد. بدیهی است نهادهای ناظر، مجریان و نخبگان و رسانه‌ها هر یک نقش مهم و اساسی در فراین مشارکت سیاسی و انتخابات دارند، شناخت نقش اصلی و برنامه‌ریزی برای تحقق آن مهم‌ترین کارکرد این عوامل خواهد بود. در خصوص نقش هر یک از این عوامل باید‌ها و نبایدهایی وجود دارد که تحقق آنها منوط به پایبندی به شرع مقدس، بیانات امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، قانون اساسی و مقررات موجود، مصالح و منافع ملی و اقتضائات کشور است.

انتخابات و مشارکت سیاسی از شاخص‌های بارز توسعه سیاسی است، مشارکت سیاسی همراه با آزادی و انتخابات و تعیین سرنوشت است. در جمهوری اسلامی ایران مسئولان تمامی نهادهای حاکمیتی از سوی مردم به طور مستقیم یا غیرمستقیم انتخاب می‌شوند، سیاست اصلی و اولویت کلان انتخابات، مشارکت حداکثری و آگاهانه و انتخاب هوشمندانه و متعهدانه است. در فرآیند انتخابات و مشارکت سیاسی هر یک از دستگاه‌های حاکمیتی و عوامل تأثیرگذار در فرآیند انتخابات نقش ویژه‌ای ایفا می‌کنند تا در نهایت

جدول انتخابات را تکمیل نمایند. رهبر معظم انقلاب، دستگاه‌های ناظر، نهادهای مجری انتخابات، نخبگان، رسانه‌ها، مردم، جریان‌های سیاسی، فعالان سیاسی، نامزدهای انتخابات، دستگاه‌های امنیتی و نظامی و انتظامی هریک به‌نوبه خود در چارچوب قانون اساسی ایفای نقش می‌کنند. بدیهی است در چنین فرایندی هریک از عوامل یادشده دچار سستی یا تعلل شود در فرآیند انتخابات اخلاص ایجاد می‌گردد. راهبردهای آگاه‌سازی، اعتمادسازی، پاسخگویی، رضایتمندسازی، رصد و مقابله با مداخلات بیگانه در فرایند انتخابات ضرورت حیاتی دارد. با این توصیف بررسی مسأله انتخابات و عوامل تأثیرگذار در آن موضوعی بسیار گسترده و ذوابعاد و دامنه‌دار است که باید در مقالات متعدد به آن پرداخت. از این‌رو حدود و ثغور این نوشتار تنها در چارچوب نقش نهادهای ناظر و مجری و نخبگان تعیین می‌شود.

سؤال اصلی تحقیق این است که دستگاه‌های نظارتی و اجرایی و نخبگان هر یک در تحقق مشارکت حداکثری و انتخاب اصلح چه نقشی ایفا می‌کنند؟ برای پاسخگویی هرچه بهتر به سؤال اصلی می‌توان ابتدا به چند سؤال فرعی پاسخ داد، از جمله اینکه مشارکت حداکثری چیست؟ منظور از نقش چیست؟ دستگاه‌های ناظر چه نقشی در مشارکت حداکثری در انتخابات دارند؟ نهادهای مجری چه نقشی در مشارکت حداکثری در انتخابات ایفا می‌کنند؟ نخبگان دارای چه سهم و نقشی در مشارکت حداکثری و انتخابات اصلح خواهند داشت؟

فرضیه تحقیق: انتخابات و مشارکت سیاسی از دستاوردهای انقلاب اسلامی است، ضریب مشارکت سیاسی در ایران بیش از میانگین مشارکت سیاسی در سایر کشورها می‌باشد. توفیقات نظام در این عرصه مرهون نظارت هوشمندانه و استصوابی شورای نگهبان و هیأت‌های نظارت در فرایند انتخابات، تلاش بی‌وقفه دولت و وزارت کشور در اجرای انتخابات، اهتمام

نخبگان در ترغیب مردم و ایجاد تحرک در نهادهای مدنی و رسانه‌ها است. این نهادها در مشارکت حداکثری، انتخاب آگاهانه و اصلح و افزایش اعتماد عمومی تأثیری سرنوشت‌ساز دارند.

روش تحقیق: این پژوهش از روش توصیفی - تحلیلی، و نیز از تحلیل محتوا و از گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و بررسی اسناد، بهره می‌گیرد.

چارچوب مفهومی

۱- نقش

نقش (ROLE)، مجموعه‌ای از وظایف، فعالیت‌ها و انتظارات است. به رفتار و فعالیت فرد یا دستگاهی که پایگاه و جایگاه معینی را اشغال می‌کند اطلاق می‌شود. نقش، انگاره رفتار نسبت به دیگران است که جامعه به شخصی که عهده‌دار پایگاه معینی است محول می‌کند. نقش اجتماعی و سیاسی عبارت است از انگاره رفتاری که فرد یا نهادی در عمل متقابل اجتماعی اتخاذ می‌کند و مبتنی است بر تجارب قبلی خود او و درجه هم‌نوایی‌اش با آن چیزهایی که می‌پندارد مورد چشمداشت دیگران است. نقش اجتماعی و سیاسی، رفتار مورد انتظار در درون گروه یا جامعه است. افراد و نهادها براساس شغل و وظیفه‌ای که اختیار می‌کنند نقش‌های متفاوتی را دارا می‌شوند. نقش‌های اجتماعی پاسخی است به انتظارات پیرامون وظیفه و شغلی که فرد عهده‌دار آن است. نقش اجتماعی، کار معینی است که به شخص سپرده می‌شود. مفهوم نقش اجتماعی در اصل از تأثیر گرفته شده و به نقش‌هایی که بازیگران در یک اثر نمایشی بازی می‌کنند اطلاق می‌گردد. در هر جامعه‌ای افراد، طبق زمینه‌های گوناگون فعالیت‌هایشان، نقش‌های اجتماعی و سیاسی مختلفی بازی می‌کنند (شایان‌مهر، ۱۳۷۷: ۵۴۵).

در خصوص شبکه نقش‌ها هنگامی که فرد یا نهادی در قبال پایگاه

اجتماعی معینی، مسئولیت‌هایی را انجام می‌دهد تا حدی در شبکه پیچیده‌ای از نقش‌ها درگیر می‌شود که به آن پایگاه و جایگاه پیوند خورده است. مفهوم شبکه نقش‌ها به مجموعه روابط و مناسباتی اطلاق می‌شود که شخص با افراد دیگری که با آنها در تماس است، برقرار می‌کند. در همان حال، او نقش‌های مختلف دیگری را که با پایگاه و جایگاه ویژه‌ای مطابقت دارد باید به انجام برساند (بروس کوئن، ۱۳۷۴: ۸۳).

نقش به عنوان یک نظریه در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی همواره مورد بحث بوده است و از دستاوردهای منابع مختلف بهره گرفته و تقویت شده است. مفهوم نقش نقطه پیوند نظری بین روان‌شناسی و جامعه‌شناسی تلقی می‌شود. کاربرد روزمره نقش حداقل سه برداشت مختلف دارد:

- ۱- نقش عبارت است از نظام انتظاراتی که در محیط اجتماعی صاحب نقش جریان دارد. مانند رفتار صاحب نقش که آن را نقش مقرر می‌نامند.
 - ۲- نقش عبارت است از انتظارات خاصی که صاحب موضع، وقتی که با صاحبان دیگر مواضع رابطه متقابل برقرار می‌کند در رفتار خود به آنها پاسخ می‌دهد این نقش ذهنی است.
 - ۳- نقش عبارت از رفتارهای آشکار و خاصی است که صاحب موضع هنگامی که با صاحبان مواضع دیگر در رابطه متقابل قرار می‌گیرد از خود نشان می‌دهد و آن را نقش اجرا شده می‌خوانند.
- هر کدام از این برداشت‌ها با پدیده واحدی ارتباط دارند منتها از زوایای مختلف به آن می‌نگرند و اطمینان حاصل است که خواهیم توانست پیوندهای نزدیکی بین هر سه بنای نظری بیابیم (دوچ مورتون، روبرت م. کراوس، ۱۳۸۶، ص ۱۸۷).

نقش اجتماعی (SOCIAL ROLE) به معنی برآورده کردن انتظارات اعضای گروه اجتماعی و یا در واقع به معنی چگونگی عمل کردن به قواعد و

هنجارها در یک موقعیت اجتماعی است. واژه نقش به دانشمندان آمریکایی مید (MEAD) و لنتون (LINTON) برمی‌گردد و سپس دارندورف (DAHRENDORF) آلمانی در کارهای عمیق‌تر خود در این زمینه گام‌هایی به پیش نهاد. او بر یک مجموعه از رفتار انتظاری و نیز مبتنی بر یک مجموعه از هنجارها، به عنوان مشخصه نقش اجتماعی اشاره می‌کند. اگر یک موقعیت اجتماعی دارای بار ارزشی شود آن را پایگاه یا مقام اجتماعی می‌نامند؛ بنابراین، موقعیت به علاوه ارزش، مساوی است با مقام (رفیع پور، ۱۳۸۵: ۴۱۴).

۲- دستگاه‌های نظارتی

نظارت بر فرایند انتخابات بر عهده شورای نگهبان است. شورای نگهبان بر اساس قانون اساسی نقش و جایگاه بسیار برجسته و بی‌نظیری در ساختار جمهوری اسلامی ایران دارد، این شورا چند کار ویژه اساسی دارد:

الف) کنترل قوانین: بررسی قوانین و مقررات عادی از حیث انطباق با قانون اساسی و انطباق با شرع مقدس اسلام بر عهده شورای نگهبان است (اصل ۹۴ قانون اساسی).

ب) تفسیر قانون اساسی: قانون اساسی میثاق ملی و عالی‌ترین سند سیاسی کشور است. قانون اساسی سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های کلان کشور و خط‌مشی کلی جامعه را معین می‌سازد. این قانون که بر اساس قرآن کریم و اسلام عزیز توسط خبرگان دینی مورد تأیید و اعتماد امت تدوین شده و به فراندوم عمومی گذاشته شده است، تنها باید توسط فقهای برجسته شورای نگهبان تفسیر گردد. چنین رسالتی بر عهده شورای نگهبان است (ساکت، ۱۳۷۱: ۳۷۵).

نظارت بر انتخابات: بر اساس قانون اساسی نظارت بر انتخابات مجلس

خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه‌پرسی بر عهده شورای نگهبان است. بنابراین مهم‌ترین نهادی که برای حفاظت و پاسداری و تحقق وعده‌ها و آرمان‌هایی که در قانون اساسی بیان شده است، شورای نگهبان است (قانون اساسی، اصل ۹۹).

نظارت شورای نگهبان بر انتخابات شامل موارد زیر است:

- ۱- نظارت بر صلاحیت داوطلبان: شرکت داوطلبان در رقابت انتخاباتی منوط به احراز صلاحیت آن‌ها از سوی شورای نگهبان است.
- ۲- نظارت بر جریان انتخابات: جریان انتخابات از ابتدای ثبت‌نام تا انتهای اعلام نتایج را شامل می‌شود که بسته به نوع انتخابات و قوانین و مقررات حاکم بر آن متفاوت است.
- ۳- رسیدگی به شکایات انتخاباتی: شورای نگهبان مرجع رسیدگی به شکایات انتخاباتی است.

۴- نظارت بر صدور اعتبارنامه منتخبان: از جمله اختیارات دیگر شورای نگهبان نظارت بر مرحله نهایی انتخابات یعنی تأیید صدور اعتبارنامه نمایندگان است (آدمی ابرقویی، ۱۳۹۲: ۱۲۵).

د) نظارت شورای نگهبان استصوابی است. نظارت شورای نگهبان همواره محل بحث و جدل موافقین و منتقدین بوده است. دو نوع تفسیر از این نظارت مطرح شده است:

یک نوع نظارت استطلاعی است که بر اساس آن فرد یا افراد ناظر تنها بدین منظور نظارت می‌کنند تا بدانند بدون اینکه اختیار برخورد و مداخله داشته باشند.

دوم نظارت استصوابی یعنی نظارت مؤثر است که بر اساس آن فرد یا نهاد ناظر مطابق قانون اختیار دارد در صورت مشاهده تخلف با متخلف برخورد کنند و یا در صورت ثبت‌نام نامزدهای مسأله‌دار، صلاحیت آن‌ها را رد کنند.

این نوع دوم در ساختار جمهوری اسلامی تحقق می‌یابد (مروندی، ۱۳۸۳: ۴). شورای نگهبان برای اعمال نظارت خویش نهادسازی کرده و در سراسر کشور ساختار لازم برای حسن انجام وظایف خویش و صیانت و دفاع از حقوق مردم ایجاد کرده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱- هیأت نظارت شهرستان: این هیأت‌ها در تمامی شهرستان‌ها تشکیل شده است.

۲- هیأت نظارت استان: این هیأت‌ها نیز در همه مراکز استان‌ها تشکیل شده است.

۳- هیأت مرکزی نظارت: هیأت مرکزی نظارت نیز توسط شورای نگهبان تشکیل گردیده است.

۴- شورای نگهبان: در نهایت خود شورای نگهبان در سطوح ایجابی و سلبی نظر می‌دهد.

مقام معظم رهبری فرمودند: «اثبات صلاحیت، امضای صلاحیت یا رد صلاحیت، یک وظیفه است، اگر این را از مجموعه فعالیت‌های نظام برداریم چیزی برای نظام باقی نمی‌ماند.» (۱۳۸۶/۴/۲۰).

۳- **دستگاه‌های مجری:** دولت و به طور مشخص وزارت کشور مجری انتخابات است. تهیه صندوق‌های رأی، تشکیل هیأت‌های اجرایی انتخابات در سراسر کشور، اجرای انتخابات و رأی‌گیری، تأمین امنیت انتخابات بر عهده دولت است. استانداران، فرمانداران، بخشداران در فرایند اجرایی انتخابات مسئولیت مستقیم دارند.

۴- **نخبگان:** اندیشمندان، اساتید حوزه و دانشگاه، چهره‌های تأثیرگذار در عرصه‌های فرهنگی، هنری، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، ورزشی، علمی و حتی عناصر تأثیرگذار قومی و مذهبی در مفهوم نخبه قابل تعریف هستند. در

این نوشتار منظور از نخبه هر کسی است که به واسطه برجستگی خاص شخصیتی و توانمندی علمی و تجربی دارای اعتبار بوده و بر افکار و رفتار و اراده دیگران تأثیرگذار است.

در دیدگاه پارتو، همه جوامع به دو گروه متضاد تقسیم می‌شوند: گروه اندک نخبگان و گروه زیاد توده‌ها.

گروه نخبگان شامل افرادی است که از برجستگی خاص و فضائل بارزی چون هوش، ذکاوت، مهارت و صلاحیت برخوردارند و در رقابت‌های زندگی نمره‌های بالاتری کسب می‌کنند. وی نخبگان را از اعضای ممتاز جامعه محسوب می‌کند؛ یعنی افرادی که بر اثر خصوصیات ممتازشان صاحب قدرت یا شخصیت می‌شوند. به نظر او گردش نخبگان واقعیتی عینی است که موجب دوام موجودیت جامعه و پیشرفت آن می‌شود (باتامور، ۱۳۶۹: ۴-۲).

جامعه‌شناسی پارتو مطالعه تعادل اجتماعی است. او نخبگان حکومتی را از نخبگان غیر حکومتی تفکیک می‌کند و نخبگان حاکم، به طور مستقیم یا غیرمستقیم نقش قابل ملاحظه‌ای در حکومت ایفا می‌کنند و مناصب برجسته سیاسی دارند و اعمال‌کنندگان مستقیم قدرت یا صاحبان نفوذ فوق‌العاده بر اعمال قدرت سیاسی هستند، اما نخبگان غیر حاکم قدرت سیاسی را در دست ندارند (آرون، ۱۳۷۷: ۴۶۶).

مانه‌ایم از دو گروه از نخبگان با عنوان نخبگان اجتماعی و نخبگان فکری نام می‌برد (همیلتون، ۱۳۸۰: ۲۲۶). انواع نخبگان فکری از نظر او عبارتند از: نخبگان سیاسی، نخبگان سازمان‌دهنده، نخبگان علمی-معرفتی، نخبگان هنری-زیبایی‌شناختی و نخبگان اخلاقی و مذهبی (رملینگ ۱۹۷۵: ۹۲). گی‌روشه با توجه به دو ملاک اقتدار و نفوذ، یک تقسیم‌بندی شش‌گانه از نخبگان ارائه می‌دهد. در این طبقه‌بندی، انواع نخبگان عبارتند از:

- نخبگان سنتی و مذهبی، دارای قدرت یا نفوذ ناشی از ساخت‌های

اجتماعی، ایده‌ها و اعتقادات گذشته؛

- نخبگان تکنوکراتیک، به عنوان قشر برتر مدیران در ساخت رسمی و اداری با اقتدار عقلانی- قانونی؛

- نخبگان مالکیت، دارای اقتدار یا نفوذ اقتصادی؛

- نخبگان کاریزماتیک (فره‌مند)، دارای اقتدار و نفوذ شخصی؛

- نخبگان ایدئولوژیک، به عنوان سازندگان یا سخن‌گویان و اشاعه‌دهندگان ایدئولوژی‌ها؛

- نخبگان سمبولیک، به عنوان تبلور ارزش‌ها، ایده‌ها و نمادها.

نخبگان اقتدار بیشتر از طریق تصمیم‌گیری و نخبگان نفوذ از راه الگوسازی در فرایندهای سیاسی و اجتماعی مشارکت می‌کنند. کلر (۱۹۸۶) انواع نخبگان راهبردی را در جامعه جدید از همدیگر تفکیک می‌کند. منبع اصلی قدرت و نفوذ نخبگان راهبردی، شایستگی و مهارت‌های فردی آن‌هاست و ویژگی نخبگی آنان نیز همیشگی و مادام‌العمر نیست. تنوع نخبگان راهبردی بیانگر وضعیت کلی جامعه مدرن و تمایز یافته است. کلر نخبگان راهبردی را به چهار گروه اصلی زیر تقسیم می‌کند:

۱- نخبگان با کارکرد تحصیل هدف یا نخبگان سیاسی؛

۲- نخبگان سازگاکنده یا نخبگان اقتصادی، نظامی، دیپلماتیک و

علمی؛

۳- نخبگان یکپارچه‌ساز از قبیل کشیشان، فلاسفه، فرهیختگان و

تحصیل‌کردگان؛

۴- نخبگان تداوم‌بخش از قبیل شخصیت‌های مشهور هنری، ادبی،

ورزشی.

در اینجا برخی سنخ‌شناسی‌های برخی نویسندگان ایرانی مورد توجه قرار می‌گیرند. بشیریه با جمع‌بندی تعاریف مختلف روشنفکری، آن‌ها را به سه

دسته کلی تقسیم می‌کند:

- ۱- روشنفکرانی که در خلق و حفظ ارزش‌های غایی و تغییرناپذیر در زمینه حقیقت، زیبایی و عدالت نقش دارند؛
- ۲- روشنفکران مبلغان عقاید، بنیان‌گذار ایدئولوژی‌ها و نقادان وضع موجود به شمار می‌آیند؛
- ۳- روشنفکران به عنوان قشری اجتماعی تلقی می‌شوند که در توسعه و پیشبرد فرهنگ جامعه نقش دارند (بشیریه، ۱۳۸۰: ۲۴۷).

مفهوم «نخبگان فرهنگی» نیز مورد استفاده قرار گرفته است. نخبگان فرهنگی به افرادی چون نویسندگان، هنرمندان، دانشگاهیان، پژوهشگران، روزنامه‌نگاران و منتقدان اجتماعی اطلاق می‌شود. همچنین به همه کسانی گفته می‌شود که در مسائل فرهنگی اظهار عقیده می‌کنند و به حرفه‌های فکری اشتغال دارند و کارکرد آنان تولید فکر است. نخبگان علمی به عنوان بخشی از نخبگان فرهنگی نیز به طور خاص و در زمینه‌های علمی و نظری به تولید دانش می‌پردازند (مدیر شانه‌چی، ۱۳۷۹؛ فیوضات، ۱۳۸۳).

جلالی‌پور (۱۳۸۱) از انواع نخبگان سیاسی، نخبگان مذهبی، نخبگان فکری، نخبگان اجتماعی- فرهنگی و نخبگان رسانه‌ای نام می‌برد. محبیان (۱۳۸۳) نیز بین نخبگان کارکردی و نخبگان ایده‌پرداز تمایز می‌گذارد. عملکرد نخبگان کارکردی به طور مستقیم در عرصه سیاسی تأثیر دارد و نخبگان ایده‌پرداز از طریق فرهنگ‌سازی و ایده‌پردازی قادرند نخبگان کارکردی را به حرکت درآورند و عمق تأثیرشان را بیشتر کنند. هر کدام از این دو دسته نیازمند انگیزه‌هایی برای ورود به صحنه سیاسی هستند.

۵- مشارکت سیاسی حداکثری:

مشارکت در تمامی فرهنگ‌ها و مدل‌های حکومتی مفهومی ایجابی مثبت

و پسندیده به شمار می‌رود. مشارکت در عرصه‌های مختلف به ویژه در عرصه تعیین سرنوشت که انتخابات نامیده می‌شود در شرع و قانون و عرف عقلا از منزلت خاصی برخوردار است. در جمهوری اسلامی ایران که اسلامیت و جمهوریت توأمان معیار حاکمیت می‌باشد نه تنها مشارکت مردم در عرصه‌های سرنوشت‌ساز اولویت دارد، بلکه وجوب شرعی قلمداد می‌شود.

امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای شرکت در انتخابات و حضور در میدان‌هایی را که نظام اسلامی بدان احتیاج دارد واجب می‌دانند. شرکت در انتخابات واجب شرعی است و تکلیف دینی و انقلاب ملی است. علاوه بر آن مشارکت مردم باید در سطح مشارکت حداکثری و آگاهانه باشد؛ یعنی اکثریت قریب به اتفاق مردم باید در انتخابات شرکت کنند. حضور و مشارکت حداکثری مردم البته الزاماتی دارد که عوامل حاکمیتی و غیر حاکمیتی باید آن‌ها را فراهم سازند.

نویسندگان فرهنگ جامعه‌شناسی، مشارکت سیاسی را شرکت در فرایندهای سیاسی که به گزینش رهبران سیاسی منجر می‌شود و سیاست عمومی را تعیین می‌کند یا بر آن اثر می‌گذارد، تعریف کرده‌اند (نیکلاس آبراگرامی، ۱۳۶۷: ۲۸۶).

مایکل راش درگیرشدن فرد را در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی مشارکت سیاسی می‌داند (مایکل راش، ۱۳۷۷: ۱۲۳).

دایره‌المعارف علوم اجتماعی، مشارکت سیاسی را عبارت از فعالیت‌های داوطلبانه‌ای می‌داند که اعضای یک جامعه در انتخاب حکام به طور مستقیم یا غیر مستقیم و در شکل‌گیری سیاست‌های عمومی انجام می‌دهند (شهبازی، ۱۳۸۰: ۵۹).

آنتونی گیدنز، مشارکت سیاسی را به مثابه یک حق سیاسی مورد توجه

قرار می‌دهد و ذیل تعریف حقوق سیاسی می‌نویسد: حقوق مشارکت سیاسی مانند حق رأی در انتخابات محلی و ملی است که شهروندان اجتماع ملی معینی دارا هستند (گیدنز، ۱۳۷۳: ۲۹۶).

آلن دوبنوا مشارکت سیاسی را اصل اساسی دموکراسی معرفی می‌کند. از نظر وی: دموکراسی چیزی نیست جز یک قالب سیاسی که در آن اکثر مردم می‌توانند در امور عامه شرکت جویند (آلن دوبنوا، ۱۳۷۳: ۵۸).

بنابراین مشارکت سیاسی با قبول دو اصل پذیرفته شده است: یکی پذیرش مردم به عنوان رکن اصلی قدرت سیاسی و دیگری عدم امکان اعمال حاکمیت مردم به صورت مستقیم و با عنایت به گستردگی جوامع جدید (عیوضی، ۱۳۸۵: ۳۸).

۶- انتخاب اصلح:

در شریعت اسلام مسئولیت، امانت قلمداد می‌شود و براساس حکم عقل تشخیص عرف و مطابق نصوص شریعت، امانت باید تنها به شخص امین سپرده شود. علاوه بر آن باید به امن‌ترین و مطمئن‌ترین افراد جامعه از میان نامزدهایی که برای پذیرش مسئولیت اعلام آمادگی کرده‌اند رجوع شود. معنای اصلح همین است. مردم باید به فرد اصلح رأی بدهند، نامزدی باید در عرصه رقابت حضور پیدا کند که خود را اصلح بداند و کسی بهتر از او برای پذیرش مسئولیت نباشد؛ بنابراین انتخاب اصلح هم وظیفه مردم است و هم وظیفه شورای نگهبان است تا مردم در انتخاب خود دچار سرگردانی و تردید نشوند و اعتماد مردم به نظام اسلامی از این زاویه مستحکم شود.

چارچوب نظری رهیافت کارکردگرایی

شاید بتوان گفت که برجسته‌ترین نگرش در جامعه‌شناسی معاصر در غرب، نگرش اصالت کارکرد یا فونکسیونالیسم است. جامعه‌شناسان در معنای کارکردگرایی بیش از همه بر سه معنای کار، وظیفه و نقش انگشت می‌گذارند. فونکسیون یعنی کارکردی که هر پدیده در نظام اجتماعی دارد. کارکرد دارای سه ویژگی است: ۱) ویژگی‌های اجتماعی در کل نظام ۲) ویژگی‌های اجتماعی، وظایف جامعه‌شناختی بر عهده دارند ۳) ویژگی‌های اجتماعی ضروری و گریز ناپذیرند. کارکردگرایی بر تعادل تأکید بسیار دارد که موجب توجه زیاد به حفظ وضع موجود می‌شود و به تبع آن امنیت و ثبات را تامین می‌کند (حسین‌خانی، ۱۳۹۱: ۱۵۱).

رهیافت کارکردگرایی در جامعه‌شناسی، تلفیقی از دیدگاه کارکردگرایی و نظریه سیستم‌ها است. کارکردگرایی به عنوان یک دیدگاه جامعه‌شناسانه در آثار آگوست کنت، جامعه‌شناس بزرگ فرانسوی در قرن ۱۹ دیده می‌شود که او را پدر جامعه‌شناسی می‌نامند. البته این نظریه توسط هربرت اسپنسر جامعه‌شناس مشهور انگلیسی تفسیر شد و سپس به وسیله امیل دورکیم به قرن بیستم انتقال یافت (جاناتان اچ ترنر، ۱۳۷۸: ۱۵۱).

نظریه کارکردگرایی توانست به رشد نظریه قشربندی در جامعه‌شناسی کمک کند و این امر مهم در سال ۱۹۴۵ توسط دیویس و مور انجام گرفت، در عین حال به توسعه نظریه کارکردگرایی ساختاری کمک شایانی کرد. پس از آن، کارکردگرایی ساختاری توسط تالکوت پارسونز و شاگردش مرتون دنبال شد و رشد کرد. مرتون بیانیه‌ای درباره قواعد تحلیل ساختاری در جامعه‌شناسی نوشت که توانست دیدگاه کارکردگرایی ساختاری را در زمینه تحلیل مسائل اجتماعی، سودمند باقی نگه دارد. در مجموع می‌توان پذیرفت

که دیدگاه کارکردگرایی رهیافتی کلان برای بررسی پدیده‌های اجتماعی و سیاسی ارائه داده است. البته متفکران متأخر سعی داشتند تا میان این رهیافت کلان با بررسی تجربی و خرد، پیوندی برقرار سازند و آن را کاربردی کنند.

در دیدگاه کارکردگرایی رویکرد مهمی به نام ارگانیسم به رسمیت شناخته می‌شود. جامعه در نظریه ارگانیسم از اجزا و اعضای مختلفی تشکیل شده است که هر یک از اجزا کارویژه‌ای خاص انجام می‌دهد و این ارگان زنده در مجموع به حیات خویش ادامه می‌دهد. کارکرد، مجموعه فعالیت‌هایی است که در جهت برآوردن یک نیاز یا نیازهای نظام انجام می‌گیرد. پارسونز معتقد است که چهار تکلیف است که برای همه نظام‌ها ضرورت دارند و هر نظامی برای زنده ماندن باید این چهار کارکرد را انجام دهد:

۱- تطبیق: هر نظامی باید خودش را با موقعیتی که در آن قرار گرفته است تطبیق دهد؛ یعنی باید خودش را با محیط تطبیق دهد و محیط را نیز با نیازهایش سازگار نماید.

۲- دستیابی به هدف: نظام سیاسی باید هدف‌های اصلی‌اش را تعیین کند و به آنها دست یابد.

۳- یکپارچگی: هر نظام سیاسی باید روابط متقابل اجزای سازنده‌اش را تنظیم کند و به رابطه میان چهار تکلیف کارکردی‌اش نیز سر و سامانی بدهد.

۴- سکون یا نگهداشت الگو: هر نظامی باید انگیزش‌های افراد و الگوهای فرهنگی آفریننده و نگهدارنده این انگیزش‌ها را ایجاد، نگهداری و تجدید کند.

این چهار تکلیف در کلی‌ترین سطح آن، با چهار نظام کنش پیوند دارند:

(الف) ارگانیسم رفتاری: نوعی نظام کنش است که کارکرد تطبیقی‌اش را از طریق سازگاری و تغییر شکل جهان انجام می‌دهد.

(ب) نظام شخصیتی: کارکرد دستیابی به هدف را از طریق تعیین

هدف‌های نظام و بسیج منابع برای دستیابی به آنها، انجام می‌دهد.

ج) نظام اجتماعی: با تحت نظارت در آوردن اجزای سازنده‌اش، کارکرد یکپارچگی را انجام می‌دهد.

د) نظام فرهنگی: کارکرد سکون را با تجهیز کنشگران به هنجارها و ارزش‌هایی که آنها را به کنش برمی‌انگیزند، انجام می‌دهند (جورج ریتزر، ۱۳۸۷: ۱۳۱).

مفاهیم کلیدی کارکردگرایی (فونکسیونالیسم)

در رهیافت کارکردگرایی چند مفهوم اساسی به کار رفته است که هر یک نیازمند تعریف مشخص و شفاف می‌باشند، این مفاهیم عبارتند از:

مفهوم اول) کارکرد: کارکرد تعاریف گوناگونی از ابعاد مختلف دارد، اما آنچه بیش از هر معنایی مورد نظر است مفهوم کارکرد در نظام اداری است که عبارت است از: خدمت، وظیفه و کاری که هر فرد در این نظام انجام می‌دهد؛ بنابراین کارمند را فونکسیونر می‌گویند. کارکرد در تبیین علّی امور به معنی نقش یا اثری است که هر پدیده در زنجیره پدیده‌هایی که با آنها مرتبط است، باقی می‌گذارد. دورکیم در تقسیم کار اجتماعی، کارکرد را در همین معنی به کار برده است. کارکرد در معنی فعالیت سودمند نیز به کار رفته است؛ فعالیتی که در جامعه به نیازی پاسخ می‌دهد و هدفی را تحقق می‌بخشد. همچنین کارکرد به معنای وظیفه، معلول، عمل، فایده، انگیزه، غایت، نیت، نیاز، نتیجه و حاصل نیز به کار می‌رود. در اکثر موارد این معانی مکمل یکدیگرند، اما در زمینه‌های مختلف، معنای آنها با یکدیگر فرق می‌کند. مرتن تمایز دیگری نیز بین کارکردهای آشکار و کارکردهای پنهان قائل شده است (توسلی، ۱۳۷۳: ۲۲۲ و ۲۱۶).

مفهوم دوم) ساخت: مفهوم ساخت به مناسبات الگویی بین نقش‌های

شخصی اطلاق می‌شود. ساخت‌ها، عوامل مؤثر، اما غیر مشهودی هستند که در طی زمان بر اثر ارتباطات اجتماعی شکل گرفته‌اند. در واقع، افراد در زندگی خود متأثر از روند جامعه‌پذیری و جامعه‌پذیری سیاسی، در قالب‌هایی خاص رفتار می‌کنند و بر اساس همین قالب‌ها، رفتار خود و دیگران را ارزیابی می‌نمایند. این قالب‌ها که به مرور شکل گرفته‌اند، تأثیر به‌سزایی در رفتار افراد در عرصه‌های مختلف دارند. مرتون، ساخت اجتماعی را نظام اجتماعی و وسایل پذیرفته‌شده برای دستیابی به اهداف تعبیر می‌کند. منظور از انتظام اجتماعی (هنجارها و رسوم) در واقع الزامات و محدودیت‌هایی است که انسان در حین عمل و رفتار خود با آنها مواجه می‌شود. از دیدگاه کارکردگرایی، می‌توان رفتار انتخاباتی افراد را به عنوان رفتار سیاسی، متأثر از ساختار اجتماعی و سیاسی جامعه آن‌ها دانست.

مفهوم سوم) یکپارچگی: یکپارچگی از دیدگاه کارکردگرایی، ضرورت اجتناب‌ناپذیری برای نظام به شمار می‌رود. کل‌گرایی کارکردگرایی باعث شد که همه عناصر را در ارتباط با یکدیگر ببیند. بنابراین یکپارچگی را هم حاصل پیوستگی‌های موجود در جامعه می‌داند. به تعبیر اسکیدمور درجه سازگاری متقابل میان ساختارها در یک نظام اجتماعی را میزان وحدت و یکپارچگی نظام می‌دانند.

مفهوم چهارم) تعادل: حفظ کلیت نظام از طریق رفع نیازهای جامعه، هدف اصلی هر نظام اجتماعی است که در سایه ایجاد تعادل و حفظ تعادل در نظام به دست می‌آید. بی‌تردید تعادل و ثبات سیاسی از اساسی‌ترین دغدغه‌ها و نیازهای جامعه به شمار می‌رود که تجربه تحولات بنیادی نظیر انقلاب و جنگ را داشته است؛ بنابراین، تعادل برای چنین جامعه‌ای، رسیدن به نقطه تلاقی ثبات و تغییرات متناسب با تقاضاهای رو به رشد جامعه است که حاصل نیازهای جدید و اهداف از قبل تعیین‌شده‌ای است که هنوز تحقق

نیافته‌اند. در حفظ این تعادل و ثبات عوامل گوناگونی نقش داشته‌اند، اما نقش رهبری که بالاترین شخصیت سیاسی در ساختار نظام است، همواره بی‌بدیل و ممتاز بوده است.

مفهوم پنجم) ارزش‌ها: ارزش‌ها در منابع فونکسیون (کارکردی) به عنوان نظام‌های ارزشی ظاهر می‌شوند که در عمل مشارکت‌کنندگان در کنش اجتماعی ساخت‌دار، راه می‌یابند و به کنش آن‌ها انسجام، صورت و شکل می‌دهند (توسلی، ۲۲۹). ارزش‌ها همچون عاملی معنابخش هستند که تبیین و تفسیر رفتارها را میسر می‌سازند. به عبارت دیگر معروف‌ها و منکرهای هر نظام ارزشی، رفتار سیاسی افراد را به گونه‌ای خاص هدایت می‌کنند که فهم آن‌ها در گرو درک صحیح نظام ارزشی حاکم بر جامعه است (عیوضی، ۱۳۸۵، ۵۴).

عوامل و ارکان انتخابات و مشارکت سیاسی

در جمهوری اسلامی عرصه‌های مختلفی برای مشارکت سیاسی مردم جهت تعیین سرنوشت جامعه پیش‌بینی شده است. در گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی، انتخابات بارزترین عرصه تعیین سرنوشت به شمار می‌رود. قانون اساسی و ساختار نظام جمهوری اسلامی بر دو پایه اسلامیت و جمهوری استوار شده و انتخابات تجلی جمهوریت و مردم‌سالاری است. مردم‌سالاری دینی که ترجمان واقعی جمهوری اسلامی قلمداد می‌شود اینک الگوی بی‌بدیلی را در دسترس مسلمانان و مستضعفان جهان قرار داده تا آن‌ها را از بند الگوهای ضد بشری غرب رها سازد. بدون تردید انتخابات مجلس خبرگان رهبری و انتخابات مجلس شورای اسلامی در اسفند ۹۴ یکی از نقاط عطف جمهوری اسلامی است. با توجه به شرایط محیط داخلی و خارجی و رخدادهایی که در دهه گذشته در سطح جریان‌های سیاسی کشور

به وقوع پیوسته، انتخابات امسال می‌تواند تأثیر تعیین‌کننده‌ای در روند حرکت نظام و در صورت‌بندی گفتمان‌ها و جریان‌سازی‌های سیاسی بر جای بگذارد.

در صحنه انتخابات عوامل مختلفی ایفای نقش می‌کنند و تبیین هر چند مختصر این عوامل مسیر ما را در تحلیل موضوع اصلی نوشتار یعنی تکاپوی جریان‌های سیاسی هموارتر خواهد ساخت:

- ۱- مردم: مردم به عنوان انتخابگر و بازیگر اصلی شور و نشاط خاصی به انتخابات می‌بخشد و با بصیرت و حضور آگاهانه و هوشمندانه مشارکت سیاسی را رونق می‌بخشد و پشتوانه مردمی نظام را به رخ جهانیان می‌کشد.
- ۲- مجریان و ناظران: نهادهای اجرایی و نظارتی به نوبه خود نقش اساسی در فرایند انتخابات از ابتدا تا اعلام نتایج آن دارند. این نهادها زمینه‌سازی می‌کنند، موانع را برطرف و امورات را مدیریت می‌نمایند.
- ۳- رهبری معظم انقلاب: ولی امر مسلمین بیش از هر عاملی در هدایت نظام و مدیریت صحنه‌ها و عرصه‌های سرنوشت‌ساز ایفای نقش می‌کنند و حتی دیگر عوامل را نیز در ایفای نقش خویش یاری می‌نمایند.
- ۴- نامزدهای انتخابات: کاندیداها نیز یکی از ارکان انتخابات به شمار می‌روند.

۵- رسانه‌ها: مطبوعات، صداوسیما، خبرگزاری‌ها، سایت‌ها، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و دیگر ابزارهای اطلاع‌رسانی نیز رکن مهمی در فرایند انتخابات هستند.

۶- جریان‌ها و گروه‌های سیاسی: جریان‌های سیاسی و احزاب و گروه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد چه در قالب ائتلاف‌های گسترده و یا کارکرد غیر ائتلافی را می‌توان از ارکان تعیین‌کننده فضای سیاسی کشور و مهندسی‌کننده صحنه انتخابات نامید. با این توصیف بررسی نقش جریان‌های

سیاسی به ویژه در آستانه انتخابات اسفند ۱۳۹۴ بسیار ضروری است.

مراحل و فرایند انتخابات

انتخابات در جمهوری اسلامی دارای شش مرحله مهم و اساسی است که عبارتند از:

۱- تشکیل هیأت اجرایی ۲- ثبت نام داوطلبان ۳- بررسی صلاحیت داوطلبان ۴- فعالیت تبلیغاتی نامزدها ۵- اخذ رأی و شمارش آرا ۶- رسیدگی به شکایات.

ابعاد رابطه حکومت و مردم

نوع رابطه حکومت و مردم و سازوکار تحقق آن و نیز آسیب‌ها و تهدیدهای این رابطه نیاز بحث و کاوش گسترده است تا بتوان مدل‌ها و نظریه‌ها و مکتب‌های سیاسی گوناگون را پیرامون آن به تصویر کشید و در یک بررسی تطبیقی الگوی مطلوب را استخراج نمود. در مجموع سه عامل حکومت، مردم، نوع رابطه، در این خصوص محور بحث قرار می‌گیرد. این رابطه ابعاد مختلفی دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱- اعتماد متقابل: وجود سطحی از اعتماد بین مردم و نظام سیاسی ضروری است.

۲- نظارت متقابل: ضرورت نظارت همگانی و متقابل مردم و حاکمان.

۳- خدمتگزاری: رابطه مردم و مسئولان رابطه خادم و مخدوم است.

۴- پاسخگویی: دولت باید در مقابل مردم پاسخگو باشد.

۵- مشارکت جویی: دولت باید نظرات و ایده‌های ذی‌نفعان را عملیاتی کند.

۶- اطلاع‌رسانی: نظام باید سازوکار اطلاع‌رسانی شفاف را به مردم فراهم کند.

- ۷- قانونگرایی: قانون و مقررات شاقول تنظیم رابطه دولت و ملت است.
- ۸- احترام متقابل: برخورد محترمانه و تکریم در رابطه دولت و مردم ضروری است.
- ۹- سهولت دسترسی: دسترسی آسان و مداوم با نمایندگان خود.
- ۱۰- اخلاق گرایی: رعایت اصول و موازین اخلاق اسلامی توسط دولت و مردم (مدیریت انتخابات، ۱۳۸۹: ۶۱).

امام خمینی و مشارکت سیاسی

امام خمینی (ره) در بیانات خویش تمامی عوامل تأثیرگذار بر انتخابات را مورد خطاب قرار داده و از آنها می‌خواهند هر یک تلاش کنند وظیفه شرعی و قانونی خود را به نحو احسن انجام دهند. امام در تعیین نامزد اصلح به مردم و نخبگان و نهادهای مسئول خطاب کرده و مطالب مهمی را مورد اشاره قرار دادند که در ذیل به بخشی از آنها اشاره می‌رود:

«مردم در سراسر کشور، در انتخاب فرد مورد نظر خود آزادند و تحدی حق تحمیل خود یا کاندیداهای گروه با گروه‌ها را ندارد، به دیگران که مخالف نظرشان هستند توهین کنند، یا خدای ناخواسته افشاگری نمایند» (صحیفه امام، ج ۱۸: ۲۳۲).

«میزان شما هستید... ما از خودتان رأی می‌خواهیم... شما هستید میزان» (همان، ج ۷: ۱۲۲).

«وصیت من به ملت شریف آن است که در تمام انتخابات... در صحنه باشند» (وصیتنامه سیاسی الهی امام).

«همه شما، همه ما، زن و مرد، هر مکلف همان‌طور که باید نماز بخواند، همان‌طور باید در سرنوشت خودش را تعیین کند» (صحیفه امام، ج ۱۵: ۱۶۸).

امام خمینی همواره بر انتخاب اصلح و بررسی همه‌جانبه پیرامون کاندیدا تأکید داشته و معیارهای آن را نیز بیان کرده‌اند. امام در این رابطه فرمودند:

۱- امروز مسئولیت به عهده ملت است، ملت اگر چنانچه کنار بنشیند، اشخاص مؤمن، اشخاص متعهد بنشینند و اشخاصی که نقشه کشیده‌اند برای این مملکت، از چپ و راست، آن‌ها وارد بشوند... تمام مسئولیت به عهده ملت است.

۲- باید ملت شریف بدانند که انحراف از این امر مهم اسلامی خیانت به اسلام و کشور است، و موجب مسئولیت عظیم است (صحیفه امام، ج ۲: ۳).

۳- توجه داشته باشید رئیس جمهور و وکلای مجلس از طبقه‌ای باشند که محرومیت و مظلومیت مستضعفان و محرومان جامعه را لمس نموده و در فکر رفاه آنان باشند، نه از سرمایه‌داران و زمین‌خواران و صدرنشینان مرفه و غرق در لذات و شهوات، که تلخی محرومیت و رنج گرسنگان و پاهنگان را نمی‌توانند بفهمند.

۴- مردم را توجه بدهید به این که شما می‌خواهید اسلام را حفظ کنید، باید منتخبین شما اشخاصی باشند که توجه به اسلام داشته باشند، بازیگر نباشند.

۵- من متواضعانه از شما می‌خواهم که حتی‌الامکان در انتخاب اشخاص با هم موافقت نمایید، و اشخاصی اسلامی، متعهد، غیر منحرف از صراط مستقیم الهی را در نظر بگیرید.

۶- باید درست متوجه باشید و اشخاصی که انتخاب می‌کنید سوابقشان را مطالعه کنید، بدانید... در زمان سابق چه جور بودند، در زمان انقلاب چه جور بودند، از اول انقلاب تا حالا چه جور بودند و سوابق خانوادگی‌شان چه هست، عقایدشان چه هست و مقدار معلوماتشان چه هست (همان، ج ۹: ۱۷۷).

۷- امید است ملت مبارز متعهد، به مطالعه دقیق در سوابق اشخاص و

گروه‌ها، آرای خود را به اشخاصی دهند که به اسلام عزیز و قانون اساسی وفادار باشند، و از تمایلات چپ و راست میرا باشند، و به حسن سابقه و تعهد به قوانین اسلام و خیرخواهی امت، معروف و موصوف باشند (همان، ج ۱۱: ۲۶۹).

۸- افرادی را انتخاب کنید که متعهد به اسلام (بوده) شرقی و غربی نباشند، و بر صراط مستقیم انسانیت و اسلامیت باشند (همان، ج ۱۱: ۲۸۴).

۹- من انتظار دارم که وحدت کلمه خود را حفظ، و در انتخاب وکلای خود رضای حق را بر رضای خود مقدم دارید.

۱۱- منتخب باید خلاف جهت آمریکا عمل کند و جداً از عالمان دین نباشد (همان، ج ۱۵: ۱۶).

۱۲- وکیل‌هایی که آراسته هستند به اخلاق خوب، متعهد هستند به اسلام، وفادار هستند به کشور خودشان، خدمتگزار هستند به شما و به کشور، آن اشخاص را انتخاب کنند و به مجلس بفرستند.

۱۳- باید بدانیم که اگر رئیس جمهور و نمایندگان مجلس، شایسته و متعهد به اسلام و دلسوز برای کشور و ملت باشند، بسیاری از مشکلات پیش نمی‌آید (کلمات قصار، ۱۳۸۶: ۱۳۲).

۱۴- سرنوشت اسلام و کشور خود را به دست کسانی دهید که به اسلام و جمهوری اسلامی و قانون اساسی معتقد و نسبت به احکام نورانی الهی متعهد باشند و منفعت خود را بر مصلحت کشور مقدم ندارد (صحیفه امام، ج ۱۱: ۲۶۹).

۱۵- کسانی را انتخاب کنید که مخالف با مکتب‌های انحرافی و معتقد به جمهوری اسلامی و معتقد به احکام اسلامی و اجرای احکام اسلام باشند.

وکلای مجلس باید از اخلاق اسلامی بالا و والایی برخوردار باشند و خدای بزرگ را حاضر و ناظر بر اعمال و گفتار خود بدانند.

«در هر دوره از انتخابات وکلای دارای تعهد به اسلام و جمهوری اسلامی و غیر منحرف از صراط مستقیم به سوی غرب یا شرق و بدون گرایش به مکتب‌های انحرافی و اشخاص تحصیل کرده و مطلع بر مسائل روز و سیاست‌های اسلامی را به مجلس بفرستید» (۶۲/۱۰/۱۳).

امام خمینی (ره) شرکت نکردن در انتخابات را خیانت به اسلام و کشور می‌دانستند، چنان که فرمودند: «باید ملت شریف بدانند که انحراف از این امر مهم اسلامی (شرکت در انتخابات)، خیانت به اسلام و کشور است و موجب مسئولیت عظیم است» (همان، ج ۱۲: ۳).

مقام معظم رهبری و مشارکت سیاسی

مقام معظم رهبری در تمامی مراحل انتخابات اعم از قبل، حین و پس از انتخابات تدابیر و رهنمودهای خویش را تبیین کرده و پیگیر آن بوده‌اند. معظم‌له در فرایند انتخابات به نقش و تکلیف تمامی عوامل تأثیرگذار اشاره می‌کنند، نقش ناظران، مجریان، نامزدها، مردم، نخبگان، رسانه‌ها، نهادهای حاکمیتی، نیروهای انتظامی و امنیتی و نظامی و دیگر عوامل را مورد خطاب قرار داده و انتظارات خویش را مطرح کرده‌اند.

انتخابات حق و تکلیف مردم: «انتخابات مظهر حضور مردم است. انتخابات هم حق مردم و هم وظیفه آنهاست. حق مردم است برای اینکه بیایند و مدیر اجرایی کشور را انتخاب کنند. تکلیف مردم است؛ چون با حضور شما نظام تقویت پیدا می‌کند؛ اسلام، عزیز می‌شود؛ حاکمیت اسلام در دنیا سرفراز می‌گردد و توطئه دشمن - که اسلام را به جدایی از آرای مردم متهم می‌کند - باطل می‌شود» (۸۰/۳/۱۴).

طمع و تلاش دشمن: «دشمن چشم دوخته است که انتخابات بی‌رونقی بشود، برای آن‌ها این مهم است در درجه اول، دشمن مایل است که انتخابات،

بی رونق شود» (۷۸/۱/۱۸).

بیمه کردن کشور: مقام معظم رهبری معتقد است «حضور مردم در انتخابات، کشور را بالفعل بیمه می‌کند. انتخابات نشان‌دهنده واقعی حضور مردم در صحنه سیاسی کشور است. هر انتخاباتی که پرشور برگزار شود، کشور را بیمه می‌کند» (۷۷/۷/۱۵).

افزایش اقتدار و عزت ملی: «اگر ملت عزیز ایران بتواند در این انتخابات آرای فراوان خود را به میدان بیاورد و حضور مردمی، حضور چشم‌گیری باشد، این بزرگ‌ترین مظهر اقتدار و عزت ملی است» (۸۰/۱/۱).

تضمین آینده نظام: «حضور شما، پایداری انقلاب را محکم می‌کند و به مدیران آینده کشور جرئت و قدرت کار می‌بخشد و آینده را تضمین می‌کند» (۶۸/۴/۲۳).

اثبات و تداوم مظام مردم‌سالاری دینی: «حضور [شما] در پای صندوق‌ها، نشان دادن مردم‌سالاری در این کشور، تقریباً از همه کشورهای غربی و کشورهای لائیک بیشتر بوده و این دفعه هم به فضل الهی همین طور خواهد شد» (۸۰/۳/۱۸).

فراهم ساختن موجبات پیشرفت و زنده کردن فضای زندگی: «حضور مردم زنده‌کننده فضای زندگی در یک کشور است. وقتی مردم در سیاست دخالت نکنند و نست به اوضاع سیاسی اظهار نظر و دلسوزی نکنند و ندانند که چه کسی آمد و رفت و چه کسی مسئولیت پیدا کرد و ندانند که با چه کسی مبارزه می‌کنیم و به کدام سمت می‌رویم، کشور پیش نخواهد رفت» (۶۸/۹/۲۲).

حضور مردم در صحنه انتخابات یک کار الهی، سیاسی و انقلابی است» (۶۸/۹/۲۳).

«مجلس شورای اسلامی قاعده نظام است و اصل حضور مردم پشتوانه آن

محسوب می‌شود و باید با این نگرش به انتخابات نگاه کنیم» (۷۰/۱۲/۴).
 «مجلس شورای اسلامی اگر چهار خصلت داشته باشد در جایگاه حقیقی خود قرار خواهد داشت، این چهار خصلت عبارت است از: احساس مسئولیت، استقلال، شجاعت و مردانگی و بکار گرفتن فکر و علم و تخصص» (۷۳/۳/۱۲).

«مجلس، مظهر آرای مردم در اداره این نظام است» (۷۴/۱۱/۱۴).

نقش و کارکرد نهادهای نظارتی در انتخابات و مشارکت سیاسی

شورای نگهبان و هیأت‌های نظارت در سرتاسر کشور مسئولیت خطیر نظارت مستمر و موثر بر فرایند انتخابات را بر عهده دارند. بدیهی است نحوه نظارت ناظران، بر فراهم شدن زمینه مشارکت سیاسی مردم و نخبگان و همکاری با نهادهای اجرایی تأثیر سرنوشت‌ساز دارد. با تأیید صلاحیت نامزدهای صالح و مؤمن و انقلابی راه را برای شناخت و انتخاب مردم فراهم می‌سازند. از سوی دیگر نخبگان صالح به نهادهای انتخابی راه پیدا می‌کنند و از این طریق زمینه تشکیل دولت اسلامی در گام سوم مراحل انقلاب اسلامی تحقق می‌یابد. نخبگان در این صورت با اشتیاق از نامزدهای صالح حمایت می‌کنند، ثبات و آرامش کشور به بهترین وجه ممکن در سایه رقابت سالم چنین نامزدهایی تأمین می‌گردد. شورای نگهبان در تأمین مشروعیت و مقبولیت نظام اسلامی نقش و رسالتی کم‌نظیر ایفا می‌کند.

از طرفی چنانچه شورای نگهبان و هیأت‌های نظارت در انجام وظیفه خویش مسامحه و مصلحت‌اندیشی کند هیچ یک از موارد یادشده به شکل مطلوب تأمین نخواهد شد. در این صورت مردم در تشخیص افراد اصلح دچار سردرگمی می‌شوند و اعتمادشان به مسئولین کاهش می‌یابد، با راهیابی عناصر ناصالح شکاف در حاکمیت رخ می‌دهد و دشمن در توطئه نفوذ به

طمع می‌افتد. با این توصیف در دو سطح ایجابی و سلبی می‌توان نقش ناظرین را برای مردم و نخبگان و مجریان تعیین‌کننده و راهگشا دانست. مقام معظم رهبری فرمودند: «در انتخابات ناظران نباید هیچ بهانه‌ای برای ایراد خدشه به کسی داده شود، باید افراد پاک و طاهر باشند و حتی اگر گرایش واضح به جناح و جریانی نداشته باشند یقیناً ترجیح دارند» (۷۰/۱۲/۴).

مقام معظم رهبری در دیدار اعضای هیأت مرکزی و هیأت‌های نظارت شورای نگهبان و خطاب به آنان نکات زیر را متذکر شوند: اولاً در امر نظارت شما قانون و موازین ملاک و معیار باشد و نه مذاق‌ها و سلیقه شخصی، مطلقاً دنبال مذاق شخصی نروید.

ثانیاً هنگامی که در این قضیه، شورای نگهبان به یک نتیجه منطبق بر قانون و مقررات رسید، باید با قاطعیت اقدام بکند. هیچ چیزی نباید از اقدام قانونی مانع بشود.

ثالثاً شورای نگهبان نقطه تضمین و تأمین برای نظام اسلامی است... چنین دستگاهی که این همه اهمیت دارد باید ابهت و اقتدار و تکریم و حرمتش حفظ بشود.

رابعاً حفظ احترام و آبروی اشخاص را بکنید.

نکته آخر باید مراقب باشید که آدم‌های اهل سوءاستفاده و بی‌اعتقاد به رسالت انقلابی و مسئولیت‌نماینده‌گی و کسانی که می‌خواهند فقط وارد مجلس بشوند تا سوءاستفاده‌ای بکنند و خدای نکرده خرابکاری انجام بدهند، وارد مجلس نشوند (۷۴/۱۱/۱۴).

مقام معظم رهبری در دیدار اعضای هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات فرمودند: «سلامت انتخابات، سلامت قوانین و مایه‌های کار در کشور به دنبال دارد... بنابراین شما الان مأمور رعایت این ضوابط در انتخابات هستید، کار

بسیار مهمی انجام می‌دهید. لذا باید به دقت ضوابط را رعایت کنید. نماینده‌ای که وارد مجلس می‌شود باید انسان صالحی باشد... اگر کسی فاسد است نباید وارد مجلس بشود، کسی که اهل فتنه است، فتنه‌گری می‌کند، نظام را تضعیف می‌کند، کارایی دستگاه‌ها را از آنها می‌گیرید و به قول معروف چوب لای چرخ دستگاه می‌گذارد. نمی‌تواند در آن تریبون باعظمت حضور پیدا کند و نباید وارد مجلس شود. مقام معظم رهبری در ادامه فرمودند رعایت اصول اخلاقی در انتخابات لازم است.

در انتخاب ناظران نباید هیچ بهانه‌ای برای ایراد خدشه به کسی داده شود باید افراد پاک و طاهر باشند» (۷۰/۱۲/۴).

رهبری معظم انقلاب از ناظران می‌خواهند تنها به تکلیف شرعی و قانونی و انقلابی خود عمل کنند و از حاشیه‌سازی و بهانه‌جویی و تهدید دیگران و اهمه نداشته باشند. شورای نگهبان و هیأت‌های نظارت باید بیش از همه و تدابیر و رهنمودهای مقام معظم رهبری توجه کنند و آن را سرلوحه کار خویش قرار دهند. آنان باید بیانات رهبری را معیار و شاخص و شاقول خویش در تأیید صلاحیت‌ها بدانند. اولویت آنها باید حفظ و حراست از اسلامی و جمهوریت نظام باشد و تحقق قانون اساسی و آرمان‌های اسلام و انقلاب اسلامی را نصب‌العین خویش قرار دهند.

نقش و کارکرد مجریان در انتخابات و مشارکت سیاسی

مجریان نقش ویژه‌ای در انتخابات دارند. نوع عملکرد آنان در بالا بردن ضریب مشارکت سیاسی مردم و ترغیب نخبگان دیگر قشرها و صنوف جامعه تأثیر مستقیم برجای می‌گذارد. حسن اجرای انتخابات به تحکیم اعتماد مردم و نخبگان منجر می‌گردد. دشمنان را ناکام می‌سازد و آنها را از طمع و نفوذ و حاشیه‌سازی باز می‌دارد. مجریان باید از حاشیه‌سازی پرهیز کنند، مجریان

نباید از جریان سیاسی خاص و یا نامزد خاصی جانبداری کنند، دستگاه‌های مجری باید با متن قانون عمل کنند، انگیزه مجریان باید انجام وظیفه و تکلیف شرعی و قانونی و انقلابی باشد.

مقام معظم رهبری خواستار همکاری و تعامل و هم‌افزایی دستگاه‌های در اجرای انتخابات هستند و در این زمینه فرمودند: «همکاری دستگاه‌ها که باید مسئولیت این بار سنگین را بر دوش دارند. چه در وزارت کشور و چه در شورای نگهبان، چه در نیروی انتظامی و چه آن کسانی که می‌خواهند این وظیفه مقدس را پاسداری کنند، باید با هم هماهنگ باشند، همکاری کنند و در بین خود تفاهم لازم را به وجود آورند» (۷۰/۸/۱۹).

معظم‌له از تمامی دستگاه‌های مسئول می‌خواهند که تمامی امکانات و لوازم انتخابات و مشارکت گسترده و حد اکثری را برای مردم فراهم سازند: «مردم می‌خواهند در این عرصه عظیم شرکت بکنند، طبیعی است که لازم است امکاناتی در اختیار مردم گذاشته بشود. وزارت کشور باید این امکانات را تامین بکند و در موضع یک مسئول بی‌نظر و صددرصد خدمتگذار عمل نماید» (۷۴/۱۰/۲۶). برقرای امنیت و آرامش برای مشارکت سیاسی امری حیاتی است. قدرت انتخاب مردم از میان نامزدهای متعدد از دیگر لوازم انتخابات و مشارکت سیاسی است که هیأت‌های اجرایی و هیأت‌های نظارت باید آن را تأمین نمایند.

نقش و کارکرد نخبگان در انتخابات و مشارکت سیاسی

نقش نخبگان را باید در ابعاد مختلف و با معیارهای ایجابی و سلبی مورد اشاره و بحث قرار داد. در ابعاد ایجابی می‌توان گفت نخبگان پیش‌تازان مشارکت سیاسی هستند، قلم و بیان نخبگان در افکار و رفتار مردم و تأثیری کم‌نظیر برجای می‌گذارد. بالا بردن آگاهی مردم و افزایش بینش و بصیرت

مردم در حد زیادی مرهون تلاش نخبگان است. نخبگان نقش بسیج کنندگی دارند، آنان می‌توانند در جهات ایجابی و سلبی به تحکیم پایه‌های مردم‌سالاری دینی کمک کنند. نخبگان باید با دشمنان و عوامل دشمن یا به تعبیر شفاف‌تر با ستون پنجم دشمن مرزبندی شفاف داشته باشند، دشمن‌شناسی و دشمن‌ستیزی و ایجاد چنین انگیزه و روحیه‌ای توسط نخبگان باید در جامعه صورت پذیرد. نخبگان باید شور و نشاط و اشتیاق مشارکت سیاسی را در مردم تقویت کنند. نخبگان باید در مدار شرع و قانون حرکت کنند و مردم و جوانان را به قانون‌مداری و جامعه‌پذیری سیاسی ترغیب نمایند. کارآمدسازی نهادهای قانونی باید بیش از هر کس توسط نخبگان مشهود و ملموس باشد. نخبگان باید در زمین نظام بازی کنند، آنان باید در گسترش و عمق بخشی فرهنگ سیاسی پیش‌تاز باشند و تلاش کنند با قلم و بیان و فعالیت و مجاهدت خویش زمینه تأسیس تمدن نوین اسلامی را فراهم سازند. نخبگان وظیفه گفتمان‌سازی و جریان‌سازی در چارچوب انقلاب اسلامی دارند. این‌ها باید‌هایی است که در ابعاد ایجابی از سوی نخبگان تحقق می‌یابند.

در ابعاد سلبی نیز نباید‌هایی برای نقش‌آفرینی نخبگان در مشارکت سیاسی به ویژه در فرایند انتخابات قابل بحث است. نخبگان نباید با قلم و بیان و فعالیت خویش خوراک تبلیغاتی رسانه‌های بیگانه را فراهم سازند و دشمن را برای مداخله و نفوذ در ارکان کشور یا در افکار عمومی تحریک و ترغیب نسازند. حاشیه‌سازی امری مذموم است و با نخبه بودن افراد منافات دارد. سیاه‌نمایی توسط نخبگان بر خلاف مصالح کشور و منافع ملی است. نخبگان نباید کاری کنند که نسل جوان امید خود را از دست بدهد و انگیزه مشارکتش کاهش یابد. نخبگان نباید در ناامن‌سازی و بی‌ثبات‌سازی کشور نقش ایفا کند. قلم و بیان و عملکرد نخبگان نباد به گونه‌ای باشد که

خداشه‌ای بر احکام و مبانی دینی و ارزش‌های انقلابی مردم وارد شود.

نتیجه‌گیری

مشارکت سیاسی از نشانه‌های رضایت مردم و استحکام نظام اسلامی است. مشارکت باید همواره آگاهانه و هوشمندانه و مبتنی بر اسلام و قانون اساسی و سازوکار قانونی کشور باشد. در خصوص مشارکت سیاسی که مصداق بارز آن در صحنه انتخابات است عوامل مختلف و متعددی دخالت دارند. رهبری معظم انقلاب در این زمینه نقشی بی‌بدیل دارند. نهادهای ناظر و مجریان انتخابات زمینه‌ها و لوازم مشارکت سیاسی را فراهم می‌سازند و نخبگان نیز موتور محرک قشرهای مختلف مردم برای مشارکت در عرصه‌های تعیین سرنوشت به شمار می‌روند. هر یک از این عوامل باید امید و نشاط مردم را افزایش دهند، امنیت و ثبات سیاسی نظام را تضمین نمایند، دوستان را امیدوار و دشمنان را ناامید سازند و بدین وسیله نقش خود را به نحو مطلوب باشناسی کرده و از تمامی شیوه‌ها و ابزارهای ممکن در این راستا استفاده کنند.

کتابنامه

- ۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- ۲- امام خمینی، روح الله، صحیفه امام، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۸۵.
- ۳- پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری
- ۴- رهنورد، فرج الله، و نعمت الله مهدوی‌راد، مدیریت انتخابات، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۹
- ۵- ساکت، محمدحسین، دیباچه‌ای برداشتن حقوق، نشر نخست،

۱۳۷۱

- ۶- شهبازی، محبوب، تقدیر مردم سالاری ایرانی، چاپ اول انتشارات روزنه، ۱۳۸۰
- ۷- مرنندی، مرتضی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات پارسیان، ۱۳۸۳
- ۸- نیکلاس آبراکرامی، استفن هیل و برایان، اس. ترنر، فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویان، چاپ اول، (انتشارات چاپخش، ۱۳۶۷)
- ۹- مایکل راش، جامعه و سیاست ترجمه منوچهر صبوری، چاپ اول: انتشارات سمت تهران، ۱۳۷۷
- ۱۰- آنتونی گیدنز، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ اول، نشر نی تهران ۱۳۷۳
- ۱۱- آلن دوبنوا، مسأله دموکراسی، ترجمه بزرگ نادر زاده، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۷۸-۱۳۷۳، ۷۷، موسسه اطلاعات ایران
- ۱۲- عیوضی، محمدرحیم، مشارکت سیاسی در ج.ا.ا، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵
- ۱۳- باتامور، تام. ب، منتقدان جامعه، ترجمه محمد جواهر کلام، نشر سفیر، ۱۳۶۹
- ۱۴- آرون، ریمون، مراحل اساسی اندیشه جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷
- ۱۵- شایان مهر، علیرضا، دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، چاپ اول، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۷، کتاب اول
- ۱۵- بروس کوئن، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلامعباس توسلی، چاپ چهارم، تهران، سمت، ۱۳۷۴
- ۱۶- ۱۶- دوچ مورتون، روبرت م. کراوس، نظریه‌ها در روانشناسی

- اجتماعی، ترجمه مرتضی کتبی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶
- ۱۷- رفیع پور، فرامرز، آناتومی جامعه، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی، چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵
- ۱۸- جورج ریتزر، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۸۷
- ۱۹- توسلی، غلامعباس، نظریه‌های جامعه‌شناسی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۳
- ۲۰- حسین خانی، نظریه کارکرد گرایی، اطلاعات سیاسی اقتصادی، فصلنامه، ش ۲۹۰، تهران، موسسه اطلاعات، ۱۳۹۱
- ۲۱- جانانان اچ ترنر، مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی، ترجمه محمد فولادی و محمد عزیز بختیاری، چاپ اول، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۸

لزوم توجه به عناصر ماندگار ساز انقلاب

دکتر حسین عبداللهی فر

اشاره

انتخابات هفت اسفند ۹۴ از جهات مختلفی حائز اهمیت است. یکی از وجوهی که بر اهمیت آن می‌افزاید، نحوه مواجهه دشمنان انقلاب اسلامی با این انتخابات به ویژه در شرایط پس از اجرای برجام است. به عبارت دیگر، فهم این که دشمنان انقلاب اسلامی با محوریت آمریکا چه راهبردی را در انتخابات پیش رو اتخاذ می‌کنند، از باب چگونگی رویکرد و عملکرد مقابله‌ای و عملیات روانی و رسانه‌ای برای مردم و مسئولان و نخبگان ما دارای ارزش و مزیت است.

اگر بخواهیم در یک جمله راهبرد دشمن و اتفاقاتی را که قرار است در این انتخابات رقم زده شود، بیان و تحلیل کنیم باید بگوئیم قرار است نیروهای انقلابی جای خود را به نیروهای کمتر انقلابی، غیرانقلابی و یا ضدانقلابی بدهند.

مستند این ادعا بیانات اخیر مقام معظم رهبری در خصوص انتخابات می‌باشد که در دیدارهایی با جمعی از اقشار مختلف مردم (۹۴/۶/۱۸)، ائمه جمعه و جماعات (۹۴/۱۰/۱۴) و دیدار مردم قم با معظم‌له به مناسبت سالگرد قیام ۱۹ دی ایراد شده که به اختصار مورد اشاره قرار می‌گیرد:

راهبردهای انتخاباتی از دیدگاه مقام معظم رهبری

الف- مشارکت حداکثری؛ که با ده راهکار عملیاتی قابل اجراست؛

۱. تبیین جایگاه انتخابات در نظام جمهوری اسلامی ایران؛
۲. توجه به دستاوردهای داخلی و خارجی انتخابات؛

۳. تبیین چرایی اصرار نظام بر حضور همه اقشار مردم در انتخابات؛
۴. بیان مخالفت حضرت امام با مخالفان انتخابات؛
۵. تبیین تاثیر حضور فردی هر یک از آحاد ملت بر امنیت ملی؛
۶. تشریح نقش حضور پرشور مردم در ارتقاء حیثیت ملت ایران؛
۷. دعوت از کسانی که نظام و رهبری را قبول ندارند؛
۸. دفاع از سلامت انتخابات و هشدار نسبت به تخریب آن؛
۹. دفاع از شورای نگهبان در مقابل منتقدان و مخالفان؛
۱۰. تبیین اهمیت کارکرد مجلس خبرگان در پیشبرد اهداف انقلاب.

ب- انتخاب درست (اصلاح یا صالح)؛ که با راهکارهای زیر قابل تحقق

هستند:

- ۱) بیان شاخصه‌های مجلس انقلابی و استکبارستیز؛
- ۲) تبیین شاخصه‌های نماینده اصلاح یا صالح؛
- ۳) اعتماد به لیست‌های انقلابی و عدم اعتماد به لیست‌های غیر انقلابی؛
- ۴) مرزبندی با فتنه‌گران.

ج- رعایت حق الناس در انتخابات؛ که باید از سوی گروه‌های زیر

مراعات گردد:

۱. مسئولان صندوق‌ها؛
۲. مسئولان احراز صلاحیت‌ها در شورای نگهبان و هیأت‌های اجرایی؛
۳. گروه‌هایی که لیست انتخاباتی تهیه می‌کنند؛
۴. نامزدها و جریان‌های سیاسی.

د- ناامید ساختن دشمن در این انتخابات از طریق:

- ۱- روشنگری و بصیرت‌افزایی؛

۲- پرهیز از تهمت زدن؛

۳- کوبیدن بر دهان دشمن.

آنچه موید مدعای این نوشتار می‌باشد مروری بر بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مردم قم در سالگرد قیام ۱۹ دی می‌باشد که نشان دهنده دغدغه‌های معظم‌له در استمرار عناصر مقوم‌ساز انقلاب اسلامی است.

مروری بر فرمایشات مقام معظم رهبری در ۱۹ دی

رهبر معظم انقلاب ابتدا به دلایل ماندگاری قیام‌های مردمی نظیر ۱۹ دی اشاره کرده و فرمودند در ۱۹ دی تفکر انقلابی گسترش پیدا کرد و تثبیت شد. از نظر ایشان دلایل ماندگاری ۱۹ دی در تاریخ عبارتند از:

۱- گسترش تفکر انقلابی در بین مردم؛

۲- احساس تکلیف اجتماعی توسط مردم؛

۳- درک به موقع؛

۴- وظیفه‌شناسی؛

۵- اقدام به موقع؛

۶- استمرار روند رویش‌ها.

مقام معظم رهبری در ادامه با تأکید بر اینکه قصد ورود به مباحث تاریخی را ندارم، می‌فرمایند: «می‌خواهیم ببینیم وظیفه فردایمان چیست». هیچ یک از دستگاه‌های عریض و طویل اطلاعاتی و امنیتی دنیا و نظام ستم‌شاهی نتوانستند وقوع انقلاب اسلامی را پیش‌بینی کنند و حتی چند ماه قبل از پیروزی ملت ایران، کارتر در سفری به تهران، در تعریف از امنیت و ثبات رژیم سیاسی پهلوی، ایران را جزیره ثبات در خاورمیانه ناامن نامید؛ بنابراین به رغم همه ناباوری‌ها، انقلاب اسلامی پیروز شد، اما از منظر مقام معظم رهبری آنچه در این بین مهم‌تر از وقوع انقلاب است، ماندگاری انقلاب و تشکیل یک نظام مستحکم و مستقل بر اساس جمهوری اسلامی است؛ زیرا

هیچ کس باور نمی‌کرد نظامی بر اساس توحید و ایمان و انقلاب شکل بگیرد که هر روز قدرتمندتر شود. البته این اتفاق بر اساس سنت الهی رخ داد و سنت الهی این است که هر جا مؤمنین از خود ایستادگی و مقاومت نشان دهند، خداوند آنها را نصرت و یاری می‌دهد. وقوع انقلاب اسلامی نیز بر اساس همین سنت الهی اتفاق افتاد و حادثه بی‌نظیری را به وجود آورد.

معظم‌له تصریح می‌فرمایند: باید بررسی شود که چرا انقلاب اسلامی پیروز شد در حالی که نهضت‌های مشابه مردم ایران مانند نهضت ملی صنعت نفت و نهضت مشروطه موفق نشدند؟ چه عواملی سبب شد با این که نهضت‌ها و انقلاب‌های گذشته مردم ایران دنبال خواست حداقلی بودند نتوانستند پیروز شوند و نظام سیاسی تأسیس نمایند، اما انقلاب اسلامی که خواست حداکثری را دنبال می‌کرد، موفق شد؟

از منظر رهبر معظم انقلاب آنچه مهم است این است که انقلاب ایران تنها انقلابی است که تاکنون پابرجا مانده و همه همت دشمن این است که این ماندگاری را بهم بزند؛ زیرا این ماندگاری برای آنها بهت‌آور بوده است؛ بنابراین دست به همه کاری زدند از جمله وقایع سال ۸۸ که واقعاً یک کودتا و انقلاب رنگی بود.

رهبر معظم انقلاب در خاتمه این بخش از سخنان خود تأکید می‌فرمایند: غرض این است که این ماندگاری مسأله مهمی است این ماندگاری را بایستی به عنوان یک هدف در نظر داشت و به این فکر کرد که چگونه تأمین خواهد شد. نگاه کنید ببینید عناصر ماندگاری انقلاب چیست؟ آن عناصر را تک تک ما باید تأمین کنیم. همه باید به این فکر باشیم و این در شرایطی است که آمریکایی‌ها پس از برجام اسم آن را گذاشته‌اند دوره سخت‌گیری بر ایران. ملت ایران، جوانان، مسئولان آگاهانه و هوشیارانه با شهادت در مقابل دشمن بایستند و برای هر لحظه‌ای وظیفه‌ای است، آن وظیفه را باید شناخت و انجام

داد.

چرا عناصر ماندگارساز انقلاب به مخاطره افتاده اند؟

اکنون سؤالاتی مطرح است که منشاء و زمینه‌های شکل‌گیری دغدغه‌های رهبر معظم انقلاب چیست؟ چرا این تلاش‌ها در دستور کار برخی از جریان‌ها و گروه‌های سیاسی قرار گرفته است؟ چه اتفاقی به وقوع پیوسته که عناصر ماندگاری انقلاب در سیل هدف بدخواهان انقلاب و دشمنان نظام اسلامی قرار گیرد؟ چرا سکندار اصلی نظام باید به این جمع‌بندی برسد که ماندگاری انقلاب حضرت امام^(ع) با خطر مواجه شده است؟

نگاهی جریان‌شناختی به عرصه سیاسی کشور نشان می‌دهد جریان‌هایی تلاش می‌کند تا عناصر قوام‌بخش و مولفه‌های تثبیت‌کننده و شاخصه‌های ماندگاری انقلاب اسلامی را با استفاده از شرایط و بسترهای موجود تضعیف کرده و یا از بین ببرند.

الف) امکان نفوذ از بستر انتخابات

خطر نفوذ به مجلس و خبرگان رهبری به اندازه‌ای جدی شده است که رهبر معظم انقلاب در ادبیاتی کم سابقه می‌فرماید:

«مردم در باب انتخابات باید خیلی متوجه این باشند. اگر فرض کنیم عنصر نفوذی به شکلی وارد مجلس شورای اسلامی بشود یا وارد مجلس خبرگان بشود یا در ارکان دیگر نظام نفوذ بکند، مثل موریانه از داخل می‌جود و پایه‌ها را سست می‌کند و فرو می‌ریزد؛ قضیه این‌جوری است. مسأله نفوذ خیلی مهم است»^۱.

رهنمودهایی که مقام معظم رهبری تاکنون در خصوص انتخابات هفتم

^۱ - در جمع ائمه جمعه و جماعات ۹۴/۱۰/۱۴

اسفند داشته‌اند نشان می‌دهد که ایشان در مقایسه با گذشته ورود جدی‌تر و شفاف‌تری به صحنه تبیین و روشننگری داشته و احتمالاً این رویه در فرصت‌های بعدی نیز ادامه پیدا خواهد کرد. در خصوص چرایی این امر می‌توان به خطر نفوذ دشمنان انقلاب اسلامی به‌ویژه پیگیری هدف کاهش روحیه انقلابی و طرد انقلابیون اشاره کرد و این در حالی است که نخبگان، احزاب و جریان‌های سیاسی دچار نوعی بی‌حسی و بی‌مسئولیتی در قبال انقلاب و مسائل سیاسی شده و سرگرم موضوعات فرعی و حاشیه شده‌اند.

از همین رو، مقام معظم رهبری لزوم انتخاب درست و رای به اصلح یا صالح را پس از مشارکت حداکثری در اولویت قرار داده و جهت کمک به مردم در گزینش نماینده اصلح و صالح توصیه‌های کاملاً شفاف و هوشمندانه داشته‌اند که برخی از آنها عبارتند از:

۱- ترسیم شاخصه‌های مجلس مطلوب؛ چنانچه می‌فرمایند: ملاحظه

می‌کنید که بحمدالله مجلس کنونی ما، در مسائل بین‌المللی، مواضع خیلی خوبی می‌گیرد؛ این خیلی برای کشور مغتنم است. این کجا، و این که یک مجلس شورائی ما تشکیل بدهیم که در مقابل دشمنان بین‌المللی و جبهه‌ی متحد دشمنان، حرف آنها را بزند [کجا]؛ اینها خیلی با هم فرق می‌کند. این کجا که مجلسی داشته باشیم که چه در قضیه هسته‌ای و چه در قضایای گوناگون دیگر، حرف دشمن را تکرار نکند؛ یا این که نه، مجلسی مستقل، آزاد و شجاع باشد؛ همان جوری که مردم شعار می‌دهند، داخل مجلس شعار بدهند؛ همان جوری که مردم می‌خواهند، در داخل مجلس موضع‌گیری کنند؛ این خیلی مهم است.

۲- تبیین شاخصه‌های نماینده اصلح؛ مقام معظم رهبری در این

خصوص می‌فرمایند: به افرادی اعتماد نکنیم که واقعاً به دین‌داری اینها و به تقید اینها اعتقاد داشته باشیم؛ بدانیم اینها متدینند، بدانیم انقلابی‌اند، بدانیم

در خطند، در راه امامند، امام را واقعاً قبول دارند؛ راهش این است که اینها را بدانیم.

۳- هشدار در خصوص لیست‌های با مقاصد فاسد؛ در این رابطه

می‌فرمایند: گاهی این جور نیست که از روی صفا و واقعیت و علاقه‌مندی به انقلاب [باشد] - اساس کار، انقلاب است - و از روی علاقه‌مندی به انقلاب بایند یک فهرست پیشنهادی را بدهند؛ نه، روی مقاصد دیگر - گاهی اوقات مقاصد فاسد- پیشنهادهایی میدهند. مردم توجه کنند و ببینند که آن فهرست‌هایی را که پیشنهاد شده است از کجا پیشنهاد شده؛ از طرف چه کسی پیشنهاد شده؛ آن کسانی را که مورد اعتمادند، قابل اطمینانند، قابل اعتمادند انتخاب بکنند. این هم یکی از چیزها است.

۴- توصیه در اعتماد به افراد لیست‌دهنده؛ به نظر بنده این جور

می‌رسد که چون یکایک افراد را ممکن است شناسیم - خود بنده هم وقتی این فهرست‌ها را می‌آورند که بیایم رأی بدهم، بعضی از آدم‌های این فهرست‌ها را نمی‌شناسم اما اعتماد می‌کنم به آن کسانی که [اینها را] معرفی کرده‌اند، و نگاه می‌کنم ببینم آن کسانی که این فهرست را معرفی کرده‌اند چه کسانی هستند؛ اگر دیدم اینها آدم‌های متدین و مؤمن و انقلابی‌ای هستند، به حرفشان اعتماد می‌کنم و به [فهرست] آنها رأی می‌دهم؛

۵- عدم اعتماد به لیست‌های غیرانقلابی؛ اگر دیدم کسانی که این

فهرست را داده‌اند کسانی هستند که به مسائل انقلاب، به مسائل دین، به مسائل استقلال کشور خیلی اهمیتی نمی‌دهند، دلشان دنبال حرف آمریکا و غیرآمریکاست، به حرفشان اعتماد نمی‌کنم.

۶- تذکر نسبت به تغییر شاخصه‌های انقلابی‌گری و لزوم شناخت

آنها؛ یعنی شاخصه‌هایی که در گذشته برای تشخیص انقلابیون و غیرانقلابی‌ها وجود داشت در حال حاضر تغییر کرده و باید شاخصه‌های

انقلابی‌گری در شرایط کنونی را شناخت. این موضوع از نظر رهبر معظم انقلاب آنقدر اهمیت دارد که می‌فرمایند: «اگر اطلاع ندارید از افراد آگاه‌تر بپرسید.» چرا، چون اجتهادهای شخصی در این زمینه‌ها مشکل‌ساز شده و اینها ضربه می‌زنند.

۷- اشاره به برخی از شاخصه‌های انقلابی‌گری متناسب با شرایط کنونی مانند: ۱- احساس تکلیف ۲- اقدام به موقع ۳- بصیرت مضاعف ۴- گسترش تفکر انقلابی

۸- تأکید بر حفظ انقلاب در سایه عمل به وظیفه؛ چنانچه فرمودند: اگر به وظایف مان عمل کنیم دو خصوصیت دارد: یکی اینکه انقلاب خواهد ماند؛ و دیگر اینکه به آرامش خواهیم رسید.

۹- افزایش رویش‌ها در مقابل ریزش‌ها؛ مقام معظم رهبری به صراحت اعلام کردند که برخی ریزش‌ها به خاطر برخی مسائل کوچکی مثل اختلافات خانوادگی و ناراحتی از انقلاب است که برخی انقلابیون پشیمان و خسته از گذشته انقلابی، دست به انتقام می‌زنند، اما من به عنوان یک فرد مطلع می‌گویم که رویش‌ها بسیار بیشتر از ریزش‌هاست و با استمرار روند رویش‌هاست که ماندگاری انقلاب تضمین می‌شود.

ب) تحول در شیوه برخورد غرب با انقلاب اسلامی

علاوه بر موارد مذکور اتفاقاتی هم در نظام بین‌الملل و بیرون از مرزهای ما به وقوع پیوسته که موجبات نگرانی رهبر معظم انقلاب را فراهم کرده است. یکی از این اتفاقات این است که دشمنان انقلاب اسلامی براندازی نرم نظام اسلامی از درون را در دستور کار خود قرار داده است. اساساً مفهوم پروژه نفوذ همین است که از طریق مردم و به دست مردم در بستر دموکراسی انقلابیون طرد شوند و منظور از نفوذ فرهنگی این است که انقلابیون در بدنه مردم، منفور شوند و ریشه مشکلات آنها در تفکر انقلابی قلمداد شود. یک نفوذ

جریانی مانند دوره مشروطیت در دستور کار دشمن خود قرار دارد و غربی‌ها به دنبال براندازی نرم از درون به وسیله نفوذ هستند.

دشمن برای مقابله با انقلاب به این نتیجه رسیده است که باید به جای جمهوری اسلامی، اصل انقلاب را مورد هدف قرار دهد. این رویکرد ناشی از تحولاتی است که در ذیل به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

- ۱- عبور از پروژه‌های کوتاه مدت به میان مدت و بلند مدت؛
- ۲- توجه به فروپاشی از درون به جای براندازی از بیرون؛
- ۳- تغییر رویکرد براندازی جمهوری اسلامی ایران به مهار و تحریف انقلاب اسلامی.

ج) برنامه‌ریزی غرب جهت برپایی انقلابی در انقلاب

دشمنان انقلاب اسلامی به این نتیجه رسیده‌اند که برای مقابله و یا مهار انقلاب باید انقلابی را از درون انقلاب علیه انقلاب اصیل امام^(ره) راه‌اندازی کنند تا در واقع با کاریکاتوریزه کردن انقلاب چیزی شبیه مشروطه را تکرار کنند. به همین منظور برنامه‌های زیر را دستور کار قرار داده‌اند:

- ۱- غلبه دادن نیروهای کمتر انقلابی به جای انقلابی در مجلس و زمینه‌سازی برای تبدیل اکثریت انقلابی به اقلیت انقلابی؛
- ۲- اپوزیسیون‌سازی از درون انقلاب مانند: فتنه‌گران و نفاق جدید؛
- ۳- استفاده از ظرفیت ریزشی‌ها و ناراضیان؛
- ۴- ایجاد تصویر دوگانگی در سطوح بالای کشور و تقابل بیت امام و بیت رهبری؛

- ۵- حمایت از جریان روشنفکری وابسته.

د) طمع آمریکا به انتخابات آینده

رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع ائمه جمعه سراسر کشور به تحلیل

رفتار غرب به‌ویژه آمریکا در انتخابات اسفندماه پرداخته و با تبیین چشم طمعی که سیاستمداران کاخ سفید به این انتخابات دوخته‌اند، فرمودند: «آمریکایی‌ها به این انتخابات چشم طمع دوخته‌اند؛ اینها در ایران دنبال تحولند؛ ما هم دنبال تحولیم... ما هم معتقد به تحولیم، اما تحول آنها ضد تحول ما است؛ آنها که می‌خواهند تحول در ایران انجام بگیرد، یعنی ما از آن اهداف، دائم دور بشویم؛ هرچه نزدیک شدیم دور بشویم، مدام عقب‌گرد کنیم و برویم به سمتی که آنها می‌خواهند».

از آنجا که طمع معمولاً زمانی رخ می‌دهد که لقمه چربی مزه کرده و طمع برای لقمه چرب و شیرین‌تر ایجاد می‌شود؛ بنابراین دو تحلیل در خصوص چرایی برانگیخته شدن طمع آمریکا وجود دارد:

یکی آنکه آمریکا از نتیجه سیاست تعاملی خود که باب مذاکره با ایران را گشوده خشنود بوده و یا به منظور دستیابی به اهداف بزرگتر برخی عوارض و فشارهای ناشی از آنرا پذیرفته‌اند و اکنون می‌خواهند عواید آن را در انتخابات پیش رو از جمله نهادهای سازی میانه‌روی و منزوی کردن نیروهای انقلابی بهره گیرند.

دوم اینکه آمریکایی‌ها با استفاده از تجربه دستیابی به قوه مجریه و مقننه در دوره اصلاحات اینک برای ایجاد تغییر در کرسی‌های خبرگان و تأثیرگذاری بر جایگاه رهبری نظام طمع کرده‌اند. در این راستا ادله و شواهد زیادی در داخل و خارج از کشور وجود دارد که از باب نمونه به دو مورد اشاره می‌شود.

از جمله توصیه‌های اتاق فکرهای آمریکا به رئیس‌جمهور این کشور این است که یکی از اقداماتی که اوباما باید دنبال کند، تغییر نظام ایران است. اوباما نباید رئیس‌جمهور بعدی را ترغیب به حمله به ایران کند، بلکه باید توان خود را صرف حمایت از گروه‌های اپوزیسیون این کشور کند. اوباما امروز باید نگران جانشین رهبر ایران باشد. اوباما میتواند برای تغییر نظام از سران

فتنه شروع کند.^۱

در داخل کشور نیز گفته‌ها و نوشته‌های زیادی از افراطیون اصلاح‌طلب وجود دارد که حضور خود بر کرسی ریاست جمهوری و حتی مجلس را اشتباه خوانده و انسداد سیاسی زمانی رسماً از سوی آنها اعلام شد که از نظر آنها این دو قوه خواسته‌های آنها را تأمین نکرده و تنها راه باقی مانده را ورود به جایگاه رهبری نظام تشخیص دادند. در همین رابطه می‌توان به مقاله علی افشاری از اعضای مرکزی دفتر تحکیم وحدت سابق با عنوان «چهار راه عمل» اشاره کرد که پیش از انتخابات مجلس هفتم خطاب به تاج‌زاده نوشت؛ چرا دوباره انتخابات برگزار می‌کنید؟ انتخابات بیرونی‌ها را به خطا وامی‌دارد که جمهوری اسلامی را دموکراتیک می‌پندارند و در داخل بیهوده مردم را امیدوار می‌سازد. بیائید بگوئید که فقه اسلام قادر به اداره کشور نیست!

۵) فتنه ۸۸

از دیگر زمینه‌های طمع دشمن علائمی بود که در سال ۸۸ از سوی فتنه‌گران ارسال شد. اعلام آمادگی برای بازی در زمین دشمن، سکوت منتفع‌طلبانه خواص، عدم تشخیص حق و باطل در سطوح نخبگان، و صدور بیانیه‌هایی با محتوایی که نشان می‌داد «انتخابات بهانه است، اصل نظام نشانه است» و ... به دشمنان انقلاب اسلامی نشان داد که اقدام به براندازی از داخل نظام سهل‌تر، کم هزینه‌تر و موفق‌تر است.

و) رویارویی نیروهای انقلاب در چارچوب جناح، جریان و

جبهه‌های سیاسی

تصور این بود که با شکل‌گیری جناح‌های سیاسی به توسعه و پرواز کشور کمک خواهد شد، اما با چپ و راست کردن نیروهای اصیل انقلاب به جان هم

۱. پایگاه بلومبرگ ویو، ۲۷ مرداد ۱۳۹۴

افتادند. در حلقه تصمیم‌گیر کشور و پیرامونی حضرت امام^(ه)، دوگانگی و دوقطبی چپ و راست با محوریت جامعه روحانیت و مجمع روحانیون به وجود آمد. دومین تأثیر این دودستگی را باید در بازوی اجرایی انقلاب دید که بر اثر اختلافات سازمان مجاهدین انقلاب به سه طیف تقسیم شد و تلاش پنج ساله نماینده حضرت امام^(ه) جهت حل اختلاف آنها ثمر نداد و اعضای آن چنان رو در روی هم به صف آراییی پرداختند که هنوز نیروهای دو طرف را می‌توان در خط اول همه منازعات داخلی مشاهده کرد.

بازتاب این شکاف‌های سیاسی در نهادهای تأسیس شده توسط انقلاب همچون کمیته انقلاب اسلامی، جهاد سازندگی و سپاه پاسداران نیز محسوس بود که مجال طرح آن نیست.

پس از ریزش کارگزارانی‌ها از جناح راست و حرکت آنها به سمت چپ، نتیجه انتخابات ۷۶ به گونه‌ای رقم خورد که از درون آن دوم خردادی‌ها سر برآوردند و اساس یک افراط‌گرایی چپ روانه به نام اصلاحات را بنا نهادند. تندروی اصلاحات تقابل شدید میان نیروهای انقلاب را متوجه اصل انقلاب ساخت و تغییر قانون اساسی، افزایش اختیارات ریاست جمهوری و تلاش برای تضعیف اصل ولایت فقیه در دستور کار قرار گرفت که شرح آن به کتاب‌های جداگانه نیاز دارد.

محصول افراط‌گرایی چپ به شکل‌گیری گفتمان جدیدی در درون جناح به اصطلاح راست منجر شد که عنوان خود را جهت حفظ اصول انقلاب «اصولگرایان» گذاشت. گفتمان اصولگرایی گرچه تأثیر زیادی در همگرایی میان نیروهای انقلاب و در نتیجه توجه به مشکلات زیربنایی جامعه داشت لکن کثرت گروه‌های درون این جریان و عدم پای‌بندی دولت برآمده از آن به قواعد تشکیلاتی، سبب بروز اختلافاتی گردید که توان نیروهای ارزشی و انقلابی را مجدداً به مسائل حاشیه‌ای کشاند.

برآیند رفتار اشتباه برخی از چهره‌های شاخص اصولگرا این پیام را به

جامعه القا می نمود که حرکت اصولگرایان نیز دچار افراط گرایی برخی از جریان ها، گروه ها و افراد داخل آن شده است. این امر فضای سیاسی کشور را برای طرح عنوان «اعتدال» آماده ساخت.

شعار اعتدال بدون آنکه شاکله یک گفتمان با دال ها و مفصل بندی های مشخص را داشته باشد تا بتواند مرزهای غیریت خود با سایر گفتمان های موجود را نشان دهد، با اقبال عمومی مواجه شد و پا به عرصه قدرت گذاشت. به همین دلایل بود که اعتدال بر خلاف آنچه انتظار می رفت تا توان هر دو جناح کشور را در خدمت اهداف انقلاب و مشکلات مردم قرار دهد، خیلی زود درگیر مسائلی شد. به گونه ای که حتی شکاف درون جریانی میان اصولگرایان را تشدید کرد و اساساً موضوع همراهی با دولت و سیاست های آن بویژه آنچه در مسیر توافق هسته ای رخ داد، به محل مناقشه دیگری تبدیل شد. بویژه آنکه دولت رسماً مخالفان و منتقدان خود را که عمدتاً نیروهای انقلابی بودند، افراطی و رادیکال می نامید و اصلاح طلبان با اهداف خاصی سعی در همراهی خود با دولت داشته انتقادات و اختلافات خود را مدیریت نمودند که بخشی از آن به انتخابات اسفند گره خورده و احتمالاً از سال بعد رویه متفاوتی در پیش گیرد.

اما آنچه اوضاع را در سپهر سیاسی کشور پیچیده کرده و روند وقایع را فراتر از مسائل جناحی و سیاسی به نفع دشمنان انقلاب رقم می زند این است که برخی منافع خود را به گونه ای تنظیم کرده اند که دامن زدن به انشقاق و رسیدن به اهداف با هر قیمت و روش ممکن زمینه امید آمریکا و غرب جهت نفوذ و دخالت بیشتر را فراهم می سازد.

ز) دوقطبی سازی های تصنعی

چند گونه دوقطبی در حال حاضر جامعه ما را در بر گرفته است که مهم ترین آنها با سه ماهیت متفاوت شکل گرفته اند:

یک. دو قطبی هسته‌ای؛ در این دوقطبی همه چهره‌های سیاسی و احزاب و نخبگان به دو دسته دل آرام و دلواپس تقسیم می‌شوند. با عنایت به اینکه دل آرام‌ها نزد افکار عمومی خود را ناجی و پیگیر حل مشکلات مردم معرفی می‌کنند، دلواپسان توسط آنها در مقابل مطالبات مردم قرار داده می‌شوند.

دو. دو قطبی اقتصادی؛ در این دوقطبی همه کسانی که معتقدند مذاکرات با آمریکا قابل تعمیم به سایر حوزه‌ها بوده و حل مشکلات اقتصادی منوط به تعامل بیشتر با غرب می‌باشد، در برابر کسانی قرار می‌گیرند که راه حل مشکلات اقتصادی کشور را با تکیه بر درون و اقتصاد مقاومتی ممکن می‌دانند؟

سه. دو قطبی سیاسی؛ در این دوقطبی مخالفان و منتقدان دولت در یک طرف و همراهان دولت نیز در طرف دیگر قرار می‌گیرند. از آنجا دولت خود را معتدل و عقلانی و اهل تدبیر معرفی می‌کند، کسانی که در مقابل آن قرار دارند به طور معمول تندرو خوانده می‌شوند.

پیامد مخاطره‌آمیز این دوقطبی‌های کاذب علاوه بر تقابل نیروهای انقلاب، احزاب سیاسی و حتی دو قوه، این است که آمریکا می‌خواهد با شمارش آرای برخی از قطب‌های فوق، به استناد آمار، پایگاه اجتماعی خود را برآورد کرده و از آن به عنوان تغییر در رویکرد ملت ایران به آمریکا و غرب تحلیل کند. به عبارت دیگر می‌خواهد بگوید که مذاکرات و سیاست تعاملی و لغو تحریم‌ها تأثیر داشته و چهره منفور آمریکا در ایران عوض شده است. این از نفوذ خطرناک‌تر است و آثار و پیامدهای آن را باید در حل بحران سوریه، جنگ یمن و به طور کلی در چشم‌انداز منطقه‌ای مشاهده کرد.

این در حالی است که خط‌کشی‌های صورت گرفته واقعی نبوده و ملاک مناسبی برای دسته‌بندی‌های سیاسی نمی‌باشد؛ چراکه نه همراهان دولت و موافقان توافق، آرامش و اطمینان‌خاطری نسبت به عملکرد طرف غربی

به‌ویژه آمریکا دارند و نه دلواپسان کسانی هستند که به فکر حل مشکلات مردم نباشند.

نتیجه

بقای انقلاب اسلامی نیاز به عواملی دارد که رهبر معظم انقلاب از آن به عنوان عناصر ماندگار انقلاب یاد فرموده و بنا به دلایلی که ذکر شد، معظم له این عناصر را در معرض تهدید می‌بیند. این در حالی است که توان نیروهای مدافع انقلاب سرگرم مسائل حاشیه‌ای و گروهی شده و بر اساس دسته‌بندی‌های غیر واقعی به نزاع با یکدیگر مشغول هستند. تأسفبار آنجاست که در میان احزاب درون نظام، دیدگاه‌هایی وجود دارد که آنها را از رقابت با جناح‌های ضدانقلاب و یا زاویه‌دار از انقلاب اسلامی مشغول رقابت با اصل نظام و حتی به تقابل با کیان انقلاب اسلامی کشانده است.

در حالی شکاف‌های سیاسی به عناصر ماندگارساز انقلاب اسلامی لطمه می‌زند که دشمنان بیرونی نظام از این اختلافات بهره گرفته و به دنبال نفوذ خود از طریق یارگیری در میان گروه‌های داخل کشور می‌باشند. بر همین اساس باید گفت این شرایط برای اجرای نفوذ جریانی شبیه همان زمینه‌هایی است که در مشروطه از سوی دشمنان انقلاب ملت ایران فراهم شده بود.

راهکار عملی مقابله با این خط نفوذ بازنگری جدی در خط‌کشی‌های سیاسی است که باید خروجی آن شکل‌گیری جبهه انقلابیون در مقابل غیرخودی‌ها باشد و این همان راهی است که حضرت امام^(ع) از همان روزهای اول انقلاب با دسته‌بندی دوگانه حزب‌الله در مقابل حزب شیطان و اعوان آن ترسیم کردند و در ادبیات امام خامنه‌ای با عنوان جبهه انقلاب و ضد انقلاب یا جبهه خودی و غیر خودی بیان شده است.

دستاوردهای اقتصادی انقلاب اسلامی

مقدمه

برای تبیین و تشریح دستاوردها نیاز است در فرازی کوتاه در ابتدا وضعیت اقتصادی در دوران طاغوت به صورت اجمال بیان گردد تا فرایند رشد فعلی نسبت به گذشته بهتر درک و فهم شود. در غیر این صورت یعنی بدون نگاه به گذشته و بیان آن وضعیت، احساس رشد و بالندگی چندین ساله دستاوردهای اقتصادی محسوس و ملموس نخواهد بود. همچنین بررسی وضعیت اقتصادی ایران در زمان حکومت پهلوی با بعد از انقلاب اسلامی نیازمند توجه به پارامترهای متعددی است. مؤلفه‌ها و عواملی همچون جهت‌گیری برنامه‌های اقتصادی و اهدافی که این نظام‌ها در زمینه بهبود و پیشرفت کشور در زمینه اقتصادی تعقیب می‌نمودند، امکانات کشور و منابع مورد استفاده، موانع داخلی و خارجی، نحوه عملکرد و مدیریت کلان کشور و بالاخره نتایج و دستاوردهایی که در ابعاد

مختلف داشته، همگی باید مورد ملاحظه قرار گیرد.

نیم نگاهی به وضعیت اقتصادی دوران پهلوی بیانگر این واقعیت است که علی‌رغم اینکه رژیم پهلوی به پشتوانه دلارهای نفتی و حمایت‌های گسترده بیگانگان با وارد کردن کالاهای مصرفی و تجملاتی از خارج به داخل ایران توانسته بود وضعیت اقتصادی بخش‌هایی از کشور به ویژه گروه‌های وابسته به قدرت و یا مناطق مرفه‌نشین و شهری را خوب جلوه دهد، اما با نگاهی دقیق‌تر به ساختارها و برنامه‌های اقتصادی و نحوه عملکرد مدیریت کلان کشور در این زمینه و وضعیت اکثر طبقات جامعه همگی حکایت از اوضاع رو به وخامت و منفی اقتصاد کشور در آن دوران دارد. نداشتن برنامه مشخص اقتصادی، تک‌محصولی شدن اقتصاد و وابستگی به صادرات نفتی، رشد سرمایه‌داری در دامان امپریالیسم، نابودی کشاورزی، افزایش وابستگی در بخش صنعت گسترش صنایع مصرفی، سطح نازل درآمد سرانه، سطح پایین بهره‌وری، وضع بد بهداشت همگانی، بی‌اعتنایی به علم و مراکز علمی و تحقیقاتی، بی‌توجهی به بازسازی زیرساخت‌های اقتصادی و رشد و توسعه کشور، ایجاد تأسیسات نظامی وابسته، اجرای سیاست ریخت‌وپاش و ولخرجی‌های سرسام‌آور شاهانه در امور مبتذل، توزیع ناعادلانه درآمدهای ملی، و تشدید فاصله طبقاتی و در یک کلام، فساد، اسراف، ظلم اقتصادی و فقر اکثریت مردم ایران از ویژگی‌های برجسته مدیریت فاسد، بی‌کفایت و ناکارآمد این دوران است.

خاندان پهلوی عقده و حرص و ولع سیرناشدنی در جمع ثروت داشتند. روند ثروت‌اندوزی برای شاه و اطرافیانش در داخل و خارج ادامه داشت. تا اینکه در سال ۱۳۳۷ برای عادی جلوه دادن فعالیت‌های اقتصادی به پیشنهاد علم، سازمانی اقتصادی را با عنوان «بنیاد پهلوی» تأسیس کرد. این بنیاد با استفاده از موقعیت و اقدامات غیرقانونی خود نظیر کازینوهای قماربازی و

کاباره‌ها، رانت‌خواری و استفاده‌های انحصاری از امکانات، معاملات، صنایع و وام‌ها، مواد مخدر، قاچاق عتیقه و... منابع مالی سرشاری را عاید خانواده پهلوی نمود. مطبوعات آمریکایی اموال و دارایی شاه را تا ۳۵ میلیارد دلار برآورد کرده‌اند. اشرف پهلوی نیز توانست از راه‌های غیرقانونی و سوءاستفاده از موقعیتش یکی از «ثروتمندترین افراد خاندان پهلوی و از سرمایه‌داران بزرگ جهان» شود.

سهام عمده ۱۷ بانک و شرکت بیمه، ۲۵ کارخانه صنعتی، ۸ شرکت استخراج معدن، ۱۰ کارخانه مصالح ساختمانی، ۴۵ شرکت مقاطعه‌کاری راه و ساختمان و بسیاری مؤسسات دیگر در ایران به بنیاد پهلوی تعلق داشت. روی هم‌رفته بنیاد در ۲۰۷ شرکت سهم داشت. از آنجا که محمدرضا شاه قصد داشت این بنیاد را به عنوان یک بنیاد خیریه به مردم معرفی کند، املاک زیادی را با عنوان وقف به بنیاد تصاحب کرد. از جمله املاک وقف‌شده‌ای که به سازمان موقوفات بنیاد پهلوی واگذار شد، ۲۳ دستگاه مهمانخانه و هتل در سراسر کشور، سهام ۱۱ کارخانه و هفت پرورشگاه بود (رواسانی، بی تا: ۲۶۵ - ۲۶۲).

از سوی دیگر با گران شدن قیمت نفت در دهه پنجاه (درآمد نفتی از سه میلیارد دلار در سال ۱۳۳۲ به ۵۳ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۶ رسید) شاه و درباریان با دست‌ودلبازی بی‌حد حصر خود بیت‌المال را به کسانی می‌بخشیدند که هرگز سزاوار نبودند. از پادشاهان سرنگون‌شده افغانستان، یونان، آلبانی و بلغارستان و همسرانشان گرفته تا مقامات آمریکایی و اروپایی و معشوقه‌های شاه و درباریان و این دست‌ودلبازی‌ها زمانی است که اکثر روستاهای ایران از آب آشامیدنی بهداشتی و برق و راه محروم بودند و هر روز فقر عمومی بین طبقات مختلف در حال گسترش بود و بیش از نیمی از جمعیت کشور در روستاها و حومه شهرهای بزرگ در فقر و فلاکت و

تنگدستی به سر می‌بردند و در بیشتر شهرها و روستاهای کشور، اثری از وسایل اولیه و مقدماتی رفاه عمومی و حداقل امتیازات زندگی ساده برای عامه مردم وجود نداشت.

علاوه بر آن جنون مفرط نظامی‌گری شاه به گونه‌ای بود که بودجه نظامی ایران که در سال ۱۳۵۰ حدود صد میلیارد ریال بود، در سال ۱۳۵۵ به ۵۶۶/۸ میلیارد ریال افزایش پیدا کرد. این رقم بیانگر رشد سرسام‌آور نظامی‌گری برای ایفای نقش ژاندارمی ایران برای آمریکا در منطقه و نشان‌دهنده نابودی درآمدهای ملی در بیماری قدرت‌طلبی شاه است. حدود ۴۰ درصد از بودجه کشور به ارتش اختصاص داده می‌شد که تعداد نیروها و کارکنان آن هر روز بیشتر می‌شد و در سال‌های آخر به ۴۱۳ هزار نفر رسیده بود. حدود ۲۰ هزار مستشار نظامی آمریکا (به ازای هر صد سرباز یک مستشار نظامی) فعالیت می‌کرد. و تعداد اعضای ساواک غیر قابل شمارش بود. بر اساس برآورد یک دیپلمات غربی در تهران از هر هشت نفر افراد بالغ یک نفر جاسوس ساواک بودند مضافاً ارتش بودجه مخفی نیز داشت (انقلاب اسلامی چرایی و چگونگی آن، ۸۶). تنها ۱۰ درصد از درآمد سرشار نفت و کمتر از ۱۵ درصد از کل واردات به امر توسعه اختصاص می‌یافت (نجاتی، ۱۳۷۰: ۱۱۱).

نتایج سیاست‌های اقتصادی زمان شاه به گونه‌ای شد که ایران با اینکه تا آن زمان در بسیاری از مواد غذایی خودکفا بود، به عنوان یکی از واردکنندگان مواد غذایی تبدیل شد و نیروهای کار فراوانی به صورت بیکار به شهرهای بزرگ مهاجرت نمودند. در بخش صنعت مهم‌ترین صنعت ایران نفت بود. با وجود افزایش قیمت نفت در سال ۱۳۵۲ از درآمد نفتی ۲۲ میلیارد دلار به بیش از ۹۲ میلیارد دلار، اما به دلیل نبود برنامه‌های دوراندیشانه و بلندمدت از یک سو و علاقه شاه به کارهای تشریفاتی و نمایشی و قدرت‌نمایی از سوی

دیگر باعث شد که بخش عظیمی از این سرمایه هدر برود.

اهداف اقتصادی

انقلاب اسلامی با لحاظ کردن معضلات و مشکلات دوران طاغوت که به صورت اجمال به آنها اشاره شد، بخشی از مطالبات و خواسته‌های پنهان و پیدای مردم را به صورت آرمان‌های انقلاب طراحی کرد. با اینکه انقلاب اسلامی، انقلابی صرفاً اقتصادی نبوده و به هیچ‌وجه با نظریه‌هایی که از منظر اقتصادی به آن می‌نگرند قابل تفسیر نیست، اما اهداف کلان اقتصادی مد نظر در اسناد بالادستی به صورت آرمان‌های بلند اقتصادی در آمده است و در این سال‌ها تلاش‌های زیادی صورت گرفته تا نظام اسلامی به این اهداف هر چه سریع‌تر برسد. برخی از آرمان‌های مهندسی‌شده عبارتند از:

- استقلال و خودکفایی اقتصادی با جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور؛
 - تأمین خودکفایی در علوم و فنون، صنعت و کشاورزی با تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی؛
 - پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه، طبق ضوابط اسلامی برای ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هرنوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، اشتغال، بهداشت و تعمیم بیمه به نوعی ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت؛
 - حفظ ذخایر زیرزمینی؛
 - منع اسراف و تبذیر و منع اضرار به غیر، انحصار، احتکار و ربا؛
 - عدالت اقتصادی و کم کردن فاصله طبقاتی؛
 - رسیدگی به روستاهای کشور و محرومیت‌زدایی از آنها (قانون اسی
- جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۹).

دستاوردهای اقتصادی انقلاب اسلامی

نگاهی واقع‌بینانه و منصفانه به واقعیات کنونی جامعه ما و مقایسه آن با وضعیت قبل از انقلاب، بیانگر این حقیقت است که نظام اسلامی علی‌رغم وجود موانع و محدودیت‌ها و مشکلات ناشی از وقوع انقلاب اسلامی، آشوب‌ها و درگیری‌های داخلی، محاصره اقتصادی، جنگ تحمیلی، تهاجم فرهنگی، امواج تروریسم، رشد شدید جمعیت، مهاجرت وسیع از روستاها به شهرها، و فقدان تجربه مدیریت کافی در بعضی زمینه‌ها، تحریم‌های گسترده و... دستاوردها و نتایج بسیار مثبت و چشمگیری در عرصه‌های مختلف به ویژه اقتصادی داشته است. رقابت‌های ناسالم جناحی در داخل، عدم اطلاع‌رسانی شفاف واقع‌بینانه و منصفانه توسط مطبوعات و رسانه‌ها از یک سو و تبلیغات منفی مخالفان داخلی و خارجی نظام از سوی دیگر تلاش دارند دستاوردهای انقلاب را کمرنگ و ناموفق جلوه دهند تا باعث دلسردی و مأیوس کردن مردم از پشتیبانی و حمایت انقلاب اسلامی در داخل و الگو قرار نگرفتن انقلاب اسلامی برای سایر کشورها و نهضت‌های اسلامی و رهایی‌بخش در بعد بین‌المللی شوند.

۱- بالا رفتن ضریب امنیت غذایی

با اینکه ضریب امنیت غذایی هنوز در برخی از کالاها به حد قابل قبولی نرسیده است، ولی در زمینه کشاورزی و دامداری طبق آمار رسمی دولت در سال ۱۳۵۶، دولت ایران فقط توانایی تأمین مواد غذایی مردم خود برای ۳۳ روز را داشته است و مجبور بوده باقی مواد غذایی خود را از خارج وارد کند. برای مثال مرغ را از فرانسه، تخم مرغ را از اسرائیل، سیب را از لبنان، پنیر را از دانمارک و ... وارد می‌کرد، و از مجموع ۱۲ درصد زمین‌های قابل کشت در

کشور صرفاً ۶ درصد به طور دائمی کشت می‌شد. مالکان زمین‌ها عمدتاً رؤسای عشایر، خوانین و مالکان بزرگ بودند که با اصلاحات ارضی تنها اقتدار دولت به جای اقتدار مالکان جایگزین شد؛ زیرا اصلاحات ارضی عمدتاً با نیت از بین بردن نفوذ مالکان مستقل انجام شد. بنابراین در اصلاحات ارضی تنها ۹ درصد کشاورزان صاحب زمین شدند، در حالی که ادعای دولت بر این بود که ۵۰ درصد زمین‌ها در اختیار مردم قرار می‌گیرد. نتایج سیاست‌های اقتصادی زمان شاه به گونه‌ای شد که ایران با اینکه تا آن زمان در بسیاری از مواد غذایی خودکفا بود، به عنوان یکی از واردکنندگان مواد غذایی تبدیل شد و نیروهای کار فراوانی به صورت بیکار به شهرهای بزرگ مهاجرت نمودند. اما ایران، هم اکنون علی‌رغم دو برابر شدن جمعیت، بیش از ۳۰۰ روز در سال مواد غذایی خود را در داخل تأمین می‌کند و در اکثر زمینه‌ها خوداتکا شده است. رشد بالای یازده درصد در کشاورزی، خودکفایی در برخی محصولات گواهی بر این مدعی است. بنا به اعلام رسمی فائو، ظرفیت کشاورزی در ایران بسیار بالا رفته است و در صورت اتخاذ نگاه راهبردی در بخش کشاورزی می‌توانیم به رتبه‌های بالاتری در اقتصاد دست پیدا کنیم. در حال حاضر ایران رتبه نخست تولید زعفران، پسته، خاویار، زرشک و میوه توتی را در دنیا؛ جایگاه دوم تولید زردآلو، خرما؛ رتبه سوم تولید هندوانه، گیلان، طالبی، سیب، خیار؛ رتبه چهارم تولید گوسفند، میوه‌جات، به، پشم، بادام، گردو؛ رتبه پنجم تولید سبزیجات، رازیانه، نخود؛ رتبه ششم تولید آجیل، شیرگاو، گوجه فرنگی؛ رتبه هفتم تولید انگور، پیاز، آلبالو، کیوی، شیر گوسفند و جایگاه هشتم تولید ادویه‌جات، هلو، نارنگی، لیمو (زرد و سبز)، پرتقال، کدو، را داراست. همچنین رتبه نهم تولید عدس و جایگاه دهم تولید خرما، چای و عسل دنیا را دارد.

سازمان جهانی غله و زراعت (فائو) در گزارشی، از افزایش ۵۰ میلیون

تنی تولید حدود صد رقم محصول زراعی در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی خبر داده است. فائو در این گزارش نوشته است که مجموع تولید حدود صد رقم محصول زراعی ایران در سال ۱۹۷۸ حدود ۲۸ میلیون و ۸۰۰ هزار تن بود، ولی این رقم در این سال‌ها به بیش از ۱۰۰ میلیون تن افزایش یافته است. در روستاها درآمدها بالاتر رفته و بیشتر مشکلاتشان حل شده است. اکنون هیچ روستای بالای ۲۰ خانوار نیست که برق نداشته باشد و حدود ۹۴ درصد روستاها دارای آب آشامیدنی هستند.

۲- فرصت‌سازی از تهدیدها و تحریم‌ها

غربی‌ها و نظام سلطه بدون در نظر گرفتن ماهیت انقلاب اسلامی و حمایت‌های مردمی، در تمام مدت ۳۵ سال بعد از انقلاب در حال مشکل‌تراشی اقتصادی برای ایران بوده‌اند. آنها زمانی در ابتدای انقلاب محاصره اقتصادی و زمانی مهار ایران و امروزه سیاست تحریم را در پیش گرفته‌اند. اما خوشبختانه مردم انقلابی و هوشیار ایران بسیاری از تهدیدهای اقتصادی آنان را تبدیل به فرصت نموده و طرح‌های آنان را به خوبی خنثی کرده‌اند. در سایه فرصت‌سازی رشد بخش‌های مختلف اقتصادی در سال‌های پس از پیروزی انقلاب تاکنون قابل ملاحظه بوده است، به طوری که ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی از جمله سدسازی و مهار آب (ایران رتبه سوم سدسازی در جهان را داراست)، تولید فولاد (از طریق ایجاد کارخانه‌های متعدد فولادسازی در نقاط مختلف کشور)، تولید سیمان (ایجاد کارخانه‌های متعدد تولید سیمان)، تولید برق (به گونه‌ای که ایران اکنون به ۱۱ کشورهای همسایه برق صادر می‌کند)، گازرسانی و برق‌رسانی (تقریباً به تمامی شهرها و بیشتر روستاهای کشور)، راه‌آهن و بزرگ‌راه‌ها (به گونه‌ای که ایجاد راه‌آهن در هر سال طبق برنامه باید به اندازه ۵۷ سال رژیم پهلوی باشد) شهرسازی و شهرک‌سازی و توسعه زیربنایها و امکانات شهری (مانند مترو، اتوبان، فضای

سبز و غیره) و... همواره در شرایط مختلف و علی‌رغم تشدید تحریم‌ها مورد توجه بوده است.

۳- رتبه‌های مناسب در تولید سیمان و فولاد

در گذشته تولیدکنندگان فولاد و سیمان جزء پیشرفته‌ترین کشورها بودند و در حال حاضر هم دارندگان این دو نوع تولید راهبردی می‌تواند شاخصی برای توسعه کشورها باشد. ایران هم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی برنامه‌های متعددی را برای گسترش تولید این دو ماده مهم پیگیری کرد و خیلی سریع به رتبه‌های جهانی دست پیدا کرد. استناد به آمارهای جهانی مقوم ادعای ما است. در همین رابطه بانک جهانی، ایران را چهارمین کشور جهان از نظر ظرفیت تولید سیمان معرفی و اعلام کرد. ظرفیت تولید فولاد ایران در سال ۲۰۱۳ تنها از چین، هند، و آمریکا کمتر بوده است. بر اساس این گزارش ظرفیت تولید سیمان ایران در سال ۲۰۱۳ بالغ بر ۷۵ میلیون تن بوده است. ظرفیت تولید سیمان چین که بزرگ‌ترین تولیدکننده جهان شناخته شده است ۲۳۰۰ میلیون تن در سال ۲۰۱۳ اعلام شده است. این رقم برای هند ۲۸۰ میلیون تن و برای آمریکا ۷۷.۸ میلیون تن برآورد شده است. برزیل، ترکیه، ویتنام، روسیه، ژاپن، و عربستان به ترتیب در رتبه‌های پنجم تا دهم جهان قرار گرفته‌اند. تولید سیمان عربستان ۵۰ میلیون تن بوده است. بانک جهانی در ادامه این گزارش، بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان سیمان جهان را نیز معرفی کرده و بر اساس آمار سال ۲۰۱۲ ایران را در رتبه ششم قرار داده است. میزان مصرف سیمان ایران در این سال ۵۸.۵ میلیون تن اعلام شده است. این نشانه رونق ساخت‌وساز و فعالیت‌های عمرانی در کشور است. همچنین ایران پانزدهمین تولید فولاد جهان است. انجمن جهانی فولاد در جدیدترین گزارش خود از تولید فولاد در جهان در سال ۲۰۱۳، ایران را با

تولید ۱۵.۴۲۲ میلیون تن فولاد در رتبه پانزدهم کشورهای جهان از این لحاظ قرار داد. بر اساس این گزارش، ایران در ۱۲ ماه سال ۲۰۱۳ افزون بر ۱۵.۴۲۲ میلیون تن فولاد تولید کرده است که این رقم برای مدت مشابه سال ۲۰۱۲ برابر با ۱۴.۴۶۳ میلیون تن بوده است. بر این اساس، تولید فولاد ایران در سال ۲۰۱۳ نسبت به سال پیش از آن با وجود تحریم‌های غرب از افزایش ۶.۶ درصدی برخوردار شده است. میزان تولید فولاد ایران در سال ۲۰۱۲، بیش از ۱.۱۸۹ میلیون تن برآورد شده است. بر اساس این آمار، چین رتبه نخست جهان، ژاپن و آمریکا به ترتیب رتبه‌های دوم و سوم، کشورهای هند، روسیه، کره جنوبی، آلمان، ترکیه، برزیل، اوکراین، ایتالیا، تایوان، مکزیک و فرانسه جایگاه‌های چهارم تا چهاردهم را در اختیار دارند و ایران در جایگاه پانزدهم قرار گرفته است. این وضعیت را با ملاحظه روند افزایشی تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی به ویژه گرافیت که کاربرد زیادی در فولاد دارد، محاسبه نمایید نشان خواهد داد که ما در جایگاه خوبی در این صنعت مادر قرار داریم.

۴- توسعه فزاینده صنعت پتروشیمی

ایران به دلیل ذخایر نفت و گاز فراوان، بستر بسیار عالی را برای صنعت پتروشیمی دارد. به همین منظور یکی از سیاست‌های راهبردی نظام برای توسعه این صنعت بود و برای رسیدن با این هدف راهبردی برنامه‌های متعددی را پیاده سازی کرد. ایران طبق برنامه و چشم‌انداز بیست ساله، قرار است تا سال ۱۴۰۴ شمسی به نخستین تولیدکننده محصولات پتروشیمی در منطقه تبدیل شود. دستیابی به تولید ۱۲۶ میلیون تن و سهم ۳۴ درصدی در خاورمیانه و ۶/۳ درصدی در دنیا در این برنامه دیده شده که با سرمایه‌گذاری معادل ۵۰ میلیارد دلار محقق خواهد شد. در حال حاضر تعداد مجتمع‌های پتروشیمی فعال کشور ۴۷ واحد است که تراکم بیشتری در دو منطقه ویژه

اقتصادی ماهشهر و پارس جنوبی دارند. تعداد این واحدها تا پایان برنامه پنجم توسعه کشور به ۱۰۰ مجتمع خواهد رسید. از این تعداد ۲۲ واحد پتروشیمی خصوصی خواهند بود. هم‌اکنون نیز شرکت ملی صنایع پتروشیمی به عنوان شرکت مادر در ۳۹ شرکت تابعه به صورت ۱۰۰ درصد، در نه شرکت بین ۵۰ تا ۱۰۰ درصد و در ۲۰ شرکت نیز کمتر از ۵۰ درصد سهم دارد. ایران تا سال ۱۴۰۴ با گذشتن و کنار زدن شرکت سایبک (عربستان) که بزرگ‌ترین شرکت پتروشیمی منطقه در حال حاضر می‌باشد، به جایگاه نخست دست خواهد یافت. ارزش این محصولات در افق ۱۴۰۴ در منطقه خاورمیانه ۱۵۲ میلیارد دلار برآورد شده که سهم ایران از این میزان، ۵۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. در حالی‌که در آغار برنامه چشم‌انداز بیست ساله، یعنی ۱۳۸۴، ارزش این محصولات ۲۵ میلیارد دلار بود. با توجه به ارزش جهانی ۳۳۳ میلیارد دلاری محصولات پتروشیمی در سال، خاورمیانه همچنان بزرگ‌ترین قطب پتروشیمی دنیا باقی خواهد ماند. توسعه بنادر منطقه یکی از برگ‌های برنده تولیدکنندگان در دستیابی به بازارهای هدف است. به همین منظور سال گذشته ایران توانست اسکله کانتینری بندر پتروشیمی پارس را با ظرفیت ۳۰ میلیون تن راه‌اندازی نماید. گفته می‌شود این بندر پس از بنادر بوستون در ایالات متحده آمریکا و آنتورپ بلژیک از بزرگ‌ترین بنادر دنیا است که امکان پهلو گرفتن همزمان ۱۵ فروند کشتی هفت تا هفتاد هزار تنی در آن وجود دارد. علاوه بر بازارهای جهانی از جمله اهداف توسعه‌ای صنایع پتروشیمی، تأمین نیاز صنایع داخلی بوده است. صنعت پتروشیمی بازار داخلی نسبتاً بزرگی را در اختیار داشته است و می‌تواند با تأمین احتیاجات صنایع پایین‌دست، از خروج مبالغ هنگفتی ارز جلوگیری کند. تعداد مشتریان داخلی شرکت ملی صنایع پتروشیمی بالغ بر ۴۰۰۰ مشتری است. پتروشیمی ایران در کشورهای جهان حضوری فعال

داشته به طوری که به لحاظ تنوع و حجم صادرات محصولات پتروشیمی به موفقیت‌های قابل توجهی دست یافته است. اولویت‌های بازار صادرات محصولات پتروشیمی به ترتیب: کشورهای اروپایی، کشورهای شمال و جنوب و شرق آسیا، هند، پاکستان، عربستان و ترکیه است. در چشم‌انداز تولید برخی از محصولات پتروشیمی در ایران در سال ۹۴ هم یک‌سری الویت‌ها در نظر گرفته شده است:

- دستیابی به ظرفیت ۷۵ میلیون تن در سال؛
- دستیابی به تولید ۷/۵ میلیون تن متانول در سال به ارزش حدود یک میلیارد دلار (معادل ۱۸ درصد ظرفیت کل جهان) و کسب سهمی برابر ۲۰ درصد از تجارت جهانی؛
- دستیابی به تولید ۱۲ میلیون تن اتیلن در سال؛
- دستیابی به تولید ۱۰ میلیون تن پلیمر در سال؛
- دستیابی به بالاترین سهم در خاورمیانه در تولید اتیلن؛
- دستیابی به بالاترین سهم در متانول جهان.

(<http://www.iranpolymer.com>)

۵- فرایند رشد خودروسازی از مونتاژ به تولید ملی

با اینکه مردم و مسئولان از قیمت، کیفیت، خدمات پس از فروش و سوخت مصرفی خودرو تولید داخل ناراضی هستند و جای گله هم وجود دارد اما نگاه به روند تولید و موقعیت و جایگاه جهانی ایران در این صنعت یک دستاورد مهمی است؛ چرا که خودروسازی از اجزای مهم و جدانشدنی تجارت و صنعت جهانی است. صنعت خودرو، به دلیل ارتباط با بیش از ۶۰ صنعت دیگر، مشهور به "لوکوموتیو صنایع" است. در ساخت خودرو، مجموعه‌ای از فناوری رشته‌های مختلف صنعتی (فلزی، پلاستیک، شیمیایی،

پارچه، عایق، شیشه، الکترومکانیک، برق، الکترونیک، متالورژی و...) طراحی، مدیریت و اقتصاد به کار رفته است. این صنعت یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی است. ایران دارای رتبه هفدهم در کل کشورهای تولیدکننده خودرو با سهم ۱/۵ درصد از کل تولیدات جهان است. تولید حدود یک میلیون و یک صد هزار خودروی سواری و حدود بیست هزار خودروی تجاری در کشور، تولید و عرضه ۳۹ مدل انواع خودرو سواری و ۳۴ مدل انواع خودروی تجاری بخشی از ویژگی‌های کلان صنعت خودروی کشور در حال حاضر است. افزایش حدود ۱۰ برابری تولید خودرو، سیر تحول در صنعت خودرو از مونتاژکاری تا صادرات با برند ملی، خط تولید نخستین موتور ملی پایه گازسوز ایران، صادرات به ۳۹ کشور دنیا، تولید ۷۳ مدل خودرو و تبدیل شدن به هفدهمین خودروساز دنیا تنها بخشی از دستاوردهای این صنعت پس از پیروزی انقلاب اسلامی است. بیشترین میزان صادرات لوازم و قطعات یدکی خودروی ایران به ۵ کشور عمده از جمله امارات متحده عربی، فرانسه، فدراسیون روسیه، آذربایجان و عربستان سعودی انجام می‌شود. در حال حاضر خط تولید سمند در سوریه و بلاروس، پراید صبا در سوریه و سایپا ۱۴۱ در ونزوئلا راه‌اندازی شده و قرار است شرکت‌های خودروسازی ایران خودرو و سایپا زیر یک سقف سمند و پراید را در ونزوئلا تولید کنند و مذاکراتی برای تولید مینی‌بوس ۵۰۸ نیز در الجزایر انجام شده است. برای راه‌اندازی خط تولید خودرو «پارس» در مصر نیز مذاکراتی صورت گرفته است (کارناپ، دستاوردهای اقتصادی انقلاب - خودروسازی، ۸۶/۱۱/۱۵).

۶- افزایش صادرات غیرنفتی

مسأله افزایش صادرات غیر نفتی یک توفیق راهبردی است که می‌تواند در آینده استقلال اقتصاد از نفت را تحقق بخشیده و آسیب‌پذیری امنیت اقتصادی کشور را مانع شود. در حالی که در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ صادرات

غیر نفتی ایران پانصد میلیون دلار و معادل یک چهلیم صادرات نفت ارزش داشت. در سال ۹۲، صادرات غیر نفتی تا مرز ۴۱ میلیارد دلار و ۶۲۸ میلیون دلار پیش رفت و این رقم به صادرات نفتی نزدیک شده است؛ یعنی ۸۲ برابر نسبت به پیش از انقلاب. با توجه به مشکلات مختلف پیش رو، در صورت فراهم کردن شرایط، اقتصاد ملی توان بسط صادرات غیر نفتی را تا حد بالایی دارد و این نشانه امیدوارکننده‌ای بر رشد و استقلال اقتصادی ماست.

۷- افزایش سهم گاز در الگوی مصرف انرژی

گاز طبیعی هم‌اکنون در جهان به عنوان انرژی برتر محسوب می‌شود. ایران با داشتن ۳/۲۸ تریلیون متر مکعب ذخایر گاز طبیعی به عنوان دومین دارنده ذخایر شناخته‌شده جهان بعد از روسیه قرار دارد. با وجود این رتبه گازی ایران در جهان، تا سال ۱۳۵۷ تنها تعداد ۵۱ هزار خانوار ایرانی از نعمت گاز طبیعی برخوردار بودند و این رقم هم‌اکنون از مرز ۱۴ میلیون خانوار گذشته است. اکنون بسیاری از روستاهای ایران هم علاوه بر شهرها از نعمت گاز برخوردارند. افزایش سهم گاز در الگوی مصرف انرژی کشور از اهداف قابل توجه اقتصادی انقلاب بوده و حصول آن به عنوان یکی از آثار و نتایج مثبت انقلاب اسلامی قابل ارزیابی می‌شود. آمار نشان می‌دهند که سهم گاز در الگوی مصرف انرژی طی دو دهه از انقلاب به قریب ۸۰ درصد رسیده است. بنابراین، گاز، که یک ثروت عظیم خدادادی است و سالیان درازی بی‌مصرف می‌سوخت، اینک جایگزین نفت می‌شود و وابستگی صنعت و اقتصاد کشور به نفت را کم می‌کند. لازمه تحقق این امر همراه با مشقاتی بوده و علاوه بر آن سرمایه‌گذاری کلان نیاز داشت که نظام در فرایند چندین ساله آن را فراهم ساخته است.

۸- رشد و بالندگی در تولید تجهیزات نفت و گاز در سایه تحریم

در سال‌های بعد از انقلاب فعالیت بومی‌سازی در شرکت نفت ایران آغاز شد و در چند سال اخیر به دلیل تحریم‌های غیر قانونی با جدیت و سرعت بیشتری دنبال شد. شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب از پیشگامان بومی‌سازی و خودکفایی قطعات و تجهیزات نفتی بوده و در سال‌های اخیر فعالیت‌ها و آمارهای قابل توجهی در زمینه بومی‌سازی توسط این شرکت صورت گرفته است. شرکت‌های ایرانی در زمینه بومی‌سازی حتی وارد ساخت تجهیزاتی شدند که تا قبل از این‌ها جسارت ورود به ساخت آن‌ها وجود نداشت که از این تجهیزات می‌توان به ساخت قطعات پمپ‌ها، قطعات توربین‌ها و کمپرسورهای اشاره کرد. از آغاز دهه ۸۰ تا سال ۸۹ تعداد قطعات ساخت داخل ۱۸۰۰ قلم کالا بود که این تعداد در سال ۹۲ به ۸۵۰۰ قلم کالا رسیده و تا پایان ۹۳ میزان بومی‌سازی ساخت قطعات به ۱۰ هزار قلم کالا رسید (ایسنا- ۹۳/۹/۱۲، کد خبر ۹۳۹-۷۶۷۴-۵). بی‌نیازی صنعت نفت به ورود کالاها و قطعات از خارج کشور، اشتغال‌زایی و توانمندی‌سازی سازندگان و تقویت تولید داخل از مزیت‌های بومی‌سازی در صنعت نفت و اهداف شرکت‌های مرتبط با نفت است. یکی از وزارتخانه‌هایی که حربه تهدیدی تحریم را تبدیل به فرصت نمود وزارت نفت است. در راستای دستیابی به فناوری‌های اساسی صنعت نفت یکی از موفقیت‌ها، اولین فناوری ایرانی شیرین‌ساز با نام پارسی‌سول است، که صددرصد ملی و پاسخگو به یکی از نیازهای اصلی صنایع نفت و گاز است. پژوهشگاه صنعت نفت به خاطر تحریم‌های گسترده که باعث سخت و گران شدن این فرآورده شده بود و با توجه به مصرف سالانه ۱۰ هزارتن حلال شیرین‌سازی گاز و توسعه فناوری پارسی‌سول توانست کشور را از وابستگی به این ماده راهبردی بی‌نیاز کند. ارزیابی رکن‌الدین جوادی، مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران این است که هم‌اکنون بیش از ۹۰ درصد قطعات مورد نیاز نفت را می‌توانیم در داخل

بسازیم (ایلنا - ۱۶/۰۹/۱۳۹۳ - کد خبر ۲۳۱۲۰۴).

۹- پیشرفت بالا در تولیدات صنعتی

گرچه پیش از انقلاب فناوری روز در ایران به کار برده می‌شد، اما تولید بومی نبود و همین وابستگی به غرب، با ایجاد محدودیت‌های ذهنی مانع خلاقیت و خودباوری جوانان ایران شده بود و وقوع انقلاب اسلامی تمام محدودیت‌ها و حصارها را شکست و خودباوری را تقویت کرد. برای رسیدن صنعت ما در این حد و قواره از گردنه‌های سهمگین و سختی عبور کرده‌ایم. آن هویت و منبع الهام‌بخشی انقلاب به ویژه عملکرد دفاع مقدس باعث شد که روحیه خودباوری تقویت شود. کشوری که پیش از انقلاب تقریباً تمامی کالاهای صنعتی خود را از خارج وارد می‌کرد و معدود کالاهای ساخت داخل آن نیز عموماً از کیفیت و مرغوبیت پایینی برخوردار بود، اکنون در بیشتر زمینه‌ها خود به تولیدکننده بزرگ تبدیل شده است و تولیداتش نیز در بسیاری از موارد، از لحاظ کیفیت و استاندارد قابل رقابت با مشابه خارجی می‌باشند و در برخی از صنایع (همچون صنایع ساختمانی)، به مرز خوداتکایی کامل رسیده است. در حال حاضر در تمام صنایع مثل لباس، اسباب و اثاثیه منزل، کیف و کفش، صنایع ساختمان، خودرو، چرم، نفت، گاز، برق و... ایران صادرات دارد. حتی در حوزه نرم‌افزار با اینکه با تأخیر ورود داشته توانسته در سال ۹۲ چهارصد میلیون دلار صادرات داشته باشد که آمار به مراتب بیش از این است؛ چرا که موانع و مشکلات بر سر راه صادرکنندگان نرم‌افزار باعث شده است که آمار دقیقی از این بخش اعلام نشود (۹۳، <http://salehin.ir>).

در شرایطی که صنعت نساجی کشور با ظرفیت ۱۰۰ درصدی تولید خود کار نمی‌کند و از سوی دیگر رکود داخلی نیز مشکلاتی را برای صنعتگران این صنعت در زمینه فروش محصولات خود به وجود آورده است، با اینکه در سال‌های اخیر صنایع نساجی با برخی موانع و مشکلات مواجه است، اما ایران

در حال حاضر به عنوان یکی از صادرکنندگان صنایع نساجی در دنیا به شمار می‌رود، هرچند که سهم ایران از این صادرات قابل توجه نیست و سهمی حدود ۰.۱۵ درصد را به خود اختصاص داده است. در عین حال ایران می‌تواند صادرات نساجی خود را تا پنج میلیارد دلار افزایش دهد، این در حالی است که صادرات سالانه ایران در حال حاضر با احتساب فرش به رقمی حدود یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار می‌رسد (ایسنا، ۹۳/۱۰/۳).

۱۰- تغییر رویکرد اقتصادی به روستاها

فقر و نابسامانی جوامع روستایی از مسائل و معضلات مهم و اساسی کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه به شمار می‌رود. به همین دلیل برخلاف رژیم گذشته که تنها به توسعه و آبادانی تهران و شهرهای بزرگ اکتفا می‌کرد، بعد از پیروزی انقلاب، توجه به روستاها و مناطق محروم کشور برای دولت و برنامه‌ریزان از اولویت خاصی برخوردار شد. توسعه فعالیت‌های عمرانی و رفاهی در سطح روستاها از قبیل تأسیس خانه بهداشت، ساخت راه، حمام بهداشتی، برق، آب لوله‌کشی، تلفن، تأسیس مدارس تا سطح دبیرستان، تقویت امکانات مانند آن از دیگر دستاوردهای ارزشمند انقلاب اسلامی است. اگر چه آمارها در این زمینه زیاد است، اما آنچه حایز اهمیت است رویکرد نظام و تأسیس نهادهای مخصوص برای آبادانی روستاها بود که تحول عظیمی تاکنون صورت گرفته است.

۱۱- ظرفیت‌های اقتصادی در حوزه درمان و دارو

افزایش تعداد پزشکان از ۱۵ هزار نفر به بیش از ۱۱۱۰۰۰ نفر و رفع کامل نیاز کشور به جذب پزشک خارجی و همچنین تغییر و تبدیل کشور به قطب منطقه‌ای توریسم سلامت و پذیرش و درمان بیماران خارجی در انواع بیماری‌ها و همچنین دستیابی به دانش کشت سلول‌های بنیادین، قرار گرفتن

در ردیف کشورهای برتر پیوند کلیه و درمان بیماری‌های چشمی، کسب تجارب ارزشمند برای مقابله با انواع عوارض و بیماری‌های ناشی از عوامل شیمیایی و... بخشی از مهم‌ترین دستاوردهای نوین بخش پزشکی کشور است. کسب رتبه نخست تولید دارو در سطح خاورمیانه، تولید ۹۷ درصد از داروهای مورد نیاز و صادرات دارو از جمله داروهای بیوتکنولوژی، خودکفایی در ساخت انواع واکسن، ریشه‌کنی فلج اطفال و سایر بیماری‌های فراگیر، پوشش واکسیناسیون از ۳۰ درصد به ۱۰۰ درصد، افزایش تعداد بیمارستان‌ها و مراکز درمانی، توسعه بهداشتی کشور و موفقیت در اولویت به پیشگیری بر درمان و در نهایت افزایش امید به زندگی از ۵۷ سال به ۷۴ سال و کاهش مرگ‌ومیر کودکان زیر یک سال از بیش از ۱۲ درصد در سال ۵۷ به کمتر از ۱/۵ درصد و کاهش مرگ‌ومیر مادران از ۲/۵۴ درصد به ۰/۲۴ درصد در بعد از انقلاب، از دیگر دستاوردهای علمی در شاخه پزشکی محسوب می‌شود که می‌توان از آن به عنوان انقلاب پزشکی نام برد. آمار بانک جهانی در این بخش نشان می‌دهد شاخص‌های سلامت نیز در ایران در طی چند سال گذشته به میزان قابل ملاحظه‌ای ارتقا یافته است. نرخ مرگ‌ومیر کودکان زیر ۵ سال به طور پایدار از عدد ۶۵ در ۱۰۰۰ در سال ۱۹۹۰ به عدد ۲۷ در سال ۲۰۰۹ کاهش یافته است. همچنین در همان بازه زمانی شاخص مرگ‌ومیر مادران در ازای هر ۱۰۰ هزار تولد، از ۱۵۰ مورد به ۳۰ مورد کاهش یافته است. به همین دلیل شاخص‌های سلامت در ایران معمولاً بالاتر از متوسط شاخص‌های سلامت در کشورهای منطقه هستند. این موفقیت در نتیجه ارائه خدمات درمانی اولیه مؤثر حاصل شده که موجب برقراری تناسب بین شاخص‌های سلامت در جامعه روستایی و شهری ایران شده است. وضعیت به گونه‌ای است که وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، اعلام کرده است براساس برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده صادرات دارو تا سه سال آینده

به ۵۰۰ میلیون دلار و در ۱۰ سال آینده به ۱۵۰۰ میلیون دلار خواهد رسید. اکنون دارو از ایران به ۴۰ کشور صادر می‌شود. میزان صادرات دارو از کشور دو برابر شده است (ایران اکونا، ۱۳۹۳).

کتابنامه

۱. حشمت‌زاده، محمدباقر، آثار و نتایج انقلاب اسلامی ایران، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۹، ص ۱۶.
۲. حشمت‌زاده، محمدباقر، آثار و نتایج انقلاب اسلامی، کتاب کانون اندیشه جوان ۱۳۸۹.
۳. رواسانی، شاپور، دولت و حکومت در ایران، (تهران، نشر شمع، بی‌تا).
۴. کلانتری، علی اکبر، در آمدی بر کارنامه انقلاب اسلامی، نشر معارف .
۵. مرندی، محمدرضا «درآمدی بر کارنامه نظام جمهوری اسلامی»، ماهنامه ناظر امین، ش ۱۳ و ۱۴.
۶. ملکوتیان مصطفی، نتایج و دستاوردهای انقلاب اسلامی در ۳۴ سال گذشته، خبرگزاری فارس، ۱۴ بهمن ۹۱ .
۷. محمدی، علیرضا، مروری بر دستاوردهای اقتصادی انقلاب اسلامی، مجله معرفت؛ ش ۸۹، ص ۱۱۱ .
۸. وزارت امور اقتصادی و دارایی، ربع قرن نشیب و فراز، گروه کارشناسان معاونت امور اقتصادی، تهران، پایگان، ۱۳۸۳، ص ۴۷.
۹. جان فوران، تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، مؤسسه رسا، چ چهارم، ۱۳۸۲، ص ۴۳۷.
۱۰. نجاتی، غلامرضا، تاریخ سیاسی بیست‌وپنج ساله ایران، تهران، رسا، ۱۳۷۰.
۱۱. گزارش اقتصادی و ترازنامه ۱۳۷۳ بانک مرکزی، ص ۶۸.

۱۲. انقلاب اسلامی ایران؛ جمعی از نویسندگان، نشر معارف، ۱۳۸۴، صص ۲۱۸-۱۴۰.
۱۳. ۳. دستاورد انقلاب اسلامی، معاونت فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۲.
۱۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات دوران، ۱۳۸۹.
۱۵. ایران اکونا، شبکه خبری اقتصاد ایران، ۹۳/۱۰/۱۷.
۱۶. ایلنا - ۱۶/۰۹/۱۳۹۳.
۱۷. ایسنا - ۹۳/۹/۱۲.
۱۸. ایسنا، ۹۳/۱۰/۳.
۱۹. کارناپ، دستاوردهای اقتصادی انقلاب - خودروسازی، ۸۶/۱۱/۱۵.
۲۰. ایران اکونا، شبکه خبری اقتصاد ایران، ۱۷ دی ۱۳۹۳.
۲۱. <http://salehin.ir>، ۹۳/۱۲/۹
۲۲. <http://www.iranpolymer.com>